

مشابهت اوضاع سیاسی قرن نوزده و بیست

ویت نام با افغانستان امروز

تتبع و نگارش:

داکتر غلام محمد دستگیر

متخصص جراحی (متقاعد)

رایل کالج آف سرجنز در هدنبره

(FRCSEd)

مارچ ۲۰۲۰ حمل ۱۳۹۹

شناسایی با: مشابهت اوضاع سیاسی قرن نوزده و بیست
ویت نام با افغانستان امروز

تتبع و نگارش: داکتر غلام محمد دستگیر
چاپ: ۲۰۲۰ میلادی مطابق جوزا / خرداد / غبرگولی ۱۳۹۹ شمسی
ناشر: شاهمامه- نیدرلیند
دیزاین صفحات: داکتر دستگیر
موضوع: سیاسی، تاریخی
شابک:
حق طبع در تمام نقاط جهان محفوظ

**Similarity of 19th & 20th Century Political Situation
of Viet Nam with Afghanistan (in Farsi Dari).**

By: Ghulam M. Dastgeer MD, FRCS(Edin) (Retired)

Edition: 2020

Publisher: Shahmama - Nederland

Design of Pages: Dr. Dastgeer

Subject: Politics, History

ISBN:

©Dr. Dastgeer

Shahmama

Ph: 31 6 41 37 56 38

info@shahmama.com

www.shamama.com

بنام خداوند بخشاینده ای مهربان

اهدا

به پیران، طفلکان، زنان و مردان معصومی که در
حملات ظالمانه ای انتحاریون طالب به حمایت
استخبارات پاکستان و امریکا
جان باخته اند

اول شما را نادیده میگیرند، بعد با شما میخندند،
بعدتر باشما میجنگند ولی در آخر شما
پیروز میشوید!
(گاندھی)

فهرست مطالب:

شماره	عناوین	نمر صفحه
۱-	پیشگفتار - شناسایی	
۲-	قسمت اول - از پیمان های قدیم تا پدر ملت چین	
۳-	قسمت دوم - از کاودیسست تا پیمان فرانسه با جمهوریت دیموکراتیک ویتنام	
۴-	قسمت سوم - از خطابه ای گیاپ تا ریفریندم قلبی در ویت نام جنوبی	
۵-	قسمت چهارم - از جنگ ویت نام تا پیمان صلح پاریس	
۶-	قسمت پنجم و اخیر - مابعد پیمان صلح تا درد دل با جوانان افغانستان	
۷-	ضمیمه - کاپی موافقت نامه بین طالب و اضلاع متحده	
۸-	مآخذ -	

پیشگفتار (شناسایی)

فاضل دانشمند محترم داکتر رنگین دادفر اسپننا در نوشته ای که در شماره ۱۰۶۲ هفته نامه ای وزین امید، از سایت انترنتی اطلاع رسانی افغانستان نقل شده بود خواندم و مقاله ای وی را بی نهایت پر معلومات یافتم. ضمناً، جناب اسپننا صاحب مثالی از مشابهت اوضاع سیاسی ویتنام با افغانستان تذکر داده بودند. و چندی قبل، در یک مصاحبه تلویزیونی طلوع هم یکی از هموطنان دانشمند شرکت کننده ای پروگرام به موضوع ویتنام و ارتباط آن به وضعیت کنونی وطن تماس گرفتند که دفعتاً از طرف هم صحبت پشتونش رد گردید. همچنین یکی از دوستان فیسبوک پرسید اگر کسی در باره ای «پیمان صلح ویتنام در پاریس» معلوماتی داشته باشد، لطفاً ارائه نمایند.

نزد خود فکر کردم که نظر به نشریات فوق ممکن برای خوانندگان عزیز و گرانقدر «امید» هفته نامه ای مردم افغانستان سوالی پیدا شده باشد که این جنابان و دانشمندان عزیز ما چه میگویند و میخواهند چه معلوماتی عرضه دارند. برای روشنی انداختن بر این موضوع مثل همیشه در لابلای گوگل در تجسس برآمدم و در عین زمان بخاطرم گذشت که یک مریضم بنام پال ای جیگویر^(۱) (Paul E. Giguere)، یک افسر امریکا در جنگ عمومی دوم که در رول جمع آوری اطلاعات مؤظف بود، کتابی زیر عنوان «تاریخ دیپلوماتیک ویتنام» بزبان انگلیسی تالیف نمود و یک کاپی آنرا که خیلی ها معدود چاپ شده بود بروز ۲۸ اکتوبر ۱۹۹۹م بمن تحفه داد. این اثر برای معلومات مقامات ذیصلاح در سال ۱۹۵۴م یعنی یک سال قبل از شرکت اضلاع متحده در «جنگ دوم هندوچین یا جنگ ویت نام» در ۱۹۵۵م تالیف شده بود. فکر میکنم چیزی میدانست و میخواست با این کتاب مرا هوشداری دهد. متأسفانه تا چند ماه قبل کتاب در یک گوشه ای از رواق کتابخانه ام قرار گرفته بود تا اینکه دلچسپی درین موضوع در رسانه ها سر بلند کرد و مرا بسوی خواندن این کتاب سوق داد و مطالعه ای آن مرا در جهان بیکران برخوردارها و کشتار

ها مغروق ساخت. جهت تهیه ای این رساله بشمول این کتاب از مآخذ متعدد استفاده ای مزید بعمل آمده است. آنوقت، بعد از معلومات عمیق خواستم من هم در کلب دانایان تاریخ ویت نام سری بزنم و چیزی بنویسم تا اگر بتوانم قدری در موضوع روشنی بیاندازم و درک گردد که چگونه زدو خورد و نا آرامی ها بین دو برادر ویت نام شمالی و جنوبی توسط اجنبیان سبب تباهی شان شد و چگونه مردم با شهامت، وطندوست و زحمت کش آن سر زمین با رهنمایی لیبران وطندوست، سراز زیر خاکستر بدر آوردند و مملکت خود را دوباره آباد و یکی از غنی ترین ممالک جهان با دانش تکنالوجی زمان، تاج افتخار بخشودند. متأسفانه، تاریخ تکرار ناشدنی تکرار میشود و این بار مردم افغانستان مثل ویت نامی ها باز میدان تجربه ای سیاسی و نظامی ابر قدرتان دهشت افگن و اجنت هایشان قرار میگیرد. پال، بروز چهارم اپریل ۲۰۱۳م در ایست لانگمیدوی مسه چوسیتس وفات یافت، روحش شاد.

من از «ویکی پیدیا و دانشنامه ای آزاد» زیاد استفاده کرده ام. متأسفانه، یکتعداد کسانی استند که مقالات آنرا ضعیف دانسته بحیث مآخذ برای آن ارزشی قایل نیستند. لاجرم، مقالاتی هم مطالعه کردم که روی اغراض شخصی نوشته شده و رد اینگونه آثار مربوط به نویسنده است که آنها را تصفیه نمایند. هر مآخذی که درین رساله ذکر شده است بیشتر از پنجاه (۵۰) مآخذ مستند دارد. ولی محصلین و محققین باید از روش استاد پیروی نموده هدایت او را پرارزش بدانند.

ریکارد رویداد مربوط به مذاکرات پیمان صلح پاریس از سال ۱۹۷۲ - ۱۹۷۳ از طرف اجنسی امنیت ملی^(۲) (NSA) و خدمات امنیت مرکزی^(۱) (CSS) در اختیار عام (declassify) قرار داده شده شامل محتویات ۲۸ اسناد است که از یک صفحه الی ۲۵۹ صفحه را در بر گرفته است. ۲۵۹ صفحه خلص مذاکرات کسنجر - تو بوده ID # 6554220 آن میباشد.

میخواهم خاطر نشان سازم که این رساله نه برای تبلیغ کمونستی است و نه من کمونست استم و نه از کمونستی خوشم میآید. لاکن از هر منبع و هر تجربه ای که بیاموزیم و بدانیم که دیگران از آن می آموزند و درس میگیرند حتی الامکان تحقیق میکنیم و بخدمت و طنداران تقدیم میداریم. اینکه تا چه حد مورد استفاده قرار میگیرد مربوط به سویه ای درک و دانش و وطندوستی مردمان افغانستان خاصاً خواننده ای عزیز است.

متن این رساله در شماره های ۱۰۶۳ تا ۱۰۶۷ امید هفته نامه ای مردم افغانستان^(۳-۷) طی پنج مقاله های مطول نشر شد. روی همین دلیل بود که مقاله ها پارچه پارچه در صفحات مختلف تقسم و جا بجا گردید ولی در عین زمان اذیت خوانندگان ارجمند را با سرگنگسی نصیب حال شان ساخت و اصل موضع نزد شان تیت و پرک شد. برای رفع این نقیصه و درک و جذب بهتر این موضوع دلچسپ تصمیم گرفتم تا آن مقالات را با نگارش بهتر و تحقیق بیشتر با دز نظر داشت رویداد های اخیر به ارتباط صلح، تقلبات اشرف غنی و ریاست جمهوری داکتر عبدالله عداالله، ضمن یک رساله ای کوچک تقدیم خوانندگان عزیز نمایم، امید مورد پسندتان قرار گیرد و اگر اشتباه دریافت نمودید لطفا در ایمیل ذیل با نظریات عالمانه ای تان بتماس آمده منت گذارید: dastageer2008@hotmail.com

در قسمت اول، تاریخ کهن ویت نام مثل آریانا و اولین پادشاه شان چون یما یا جمشید^(۸) ما تذکر میآید. ویت نام^(۹) در آن زمان از سه ولایت در شمال «تونکین» که مرکز آن هانوی، در میان بنام «انام» که مرکز آن هیو (Huō) و جنوب که مرکز آن سایگون یاد میشد تشکیل یافته بود؛ بعد ویتنام شمالی و جنوبی

شد ولی امروز ویتنام بنام «جمهوریت سوسیالیستی» یادشده مرکز آن هانوی میباشد و رسیدن به این هدف را با قربانیهای لامحدود و لیدران با هوش بدست آوردند. از هجوم اروپائی ها و اهداف شان مخصوصاً فرانسه که ویت نام را کالونی خود در هندوچین ساخت تماس گرفته میشود. از سه جنگ ویت نام که مشابهت به سه جنگ افغانستان با متهاجمین داشتند یاد شده است. از تاسیس «ویت کانگ»^(۱۰) و جبهه ای ملی با آیدیالوجی کمونستی شان تذکر یافته از برادران «تی سن» که سر کردگی شورشیان ظالم را مانند برادران ظالم «آل یحیی» بدوش داشتند تذکر بعمل میآید. ادمیرال های فرانسوی بر کوچینچین (بندر شهر تجارتي در جنوب) حمله میبرند و ویت نام مستعمره ای فرانسه میگردد و در هانوی یک حزب سری جوانان به فعالیت آغاز میکند. در متن قسمت اول، چندین مثال روش طالب ظالم را در قرن ۲۰ و ۲۱ در افغانستان برملا میسازد و گویی از ویت نام ها پیروی کرده الهام گرفته اند، تذکر یافته است.

در قسمت دوم از تاسیس کاودایست^(۱۱) ها توسط متصدیان فرانسوی چون یک مذهب جدید بصد فعالیت کمونستهای جوان توسط فرانسوی ها و مثالی از فعالیتهایی دیوبندی^(۱۲،۱۳،۱۴) با شعار «سنت و جماعت» و مدرسه العلوم^(۱۵،۱۶) با شعار «علم الانسان ما لم یعلم» معرفی گردیده است. حزب ملی ویت نام به چین عقب نشینی نمود تا بمقابل فرانسه از آنجا به مبارزه آغاز کند. جاپان خموشانه به ویت نام هجوم میبرد و امپراطور قدرت را از دست میدهد، ولی جاپان او را بحیث سرپرست نگاه میکند. هوچی من حرکت ملی که خلص آن «ویت من» است جهت جنگ با فاشیست های جاپانی و فرانسوی اعلان میکند و فرانسه هم به دیسمبر ۱۹۴۱ از لندن به جاپان اعلان جنگ میدهد و «جنگ اول هندو چین»^(۱۱) به راه میافتد. ویت من، به شمال در تونکین بعد از خلع امپراطور به قدرت میرسد و امپراطور رضاکارانه به فرانسه خود را تبعید مینماید تا موانعی برای فعالیت ویت من ایجاد نگردد. در حکومت ویت نام، تحت ریاست جمهوری هوچی من مشکلات عدم کارمندان مجرب درک میگردد زیرا همه دانشمندان را محبوس ساخته بودند. چین با چهار قشون خود به شمال ویت نام (تونکین) هجوم میبرد^(۱۷) و هوچی من آنها را با آغوش باز استقبال میکند. درینوقت فاقتگی به حد اعلا میرسد و اجنت سیاسی چین به حیث مشاور هوچی من مانند مشاورین روس برای کمونست افغانستانی و مشاورین پاکستان برای طالب ها، عرض اندام میکند. و اما کمکی که هوچی من از چین توقع داشت میسر نمیگردد. در اثر سهل انگاری جاپانی ها انامی ها شهر «هیرالت» را به تصرف میآورند و قتل عام و اختطاف «یورواشین» ها را ظالمانه انجام میدهند. جنرال فرانسوی جهت مقابله با ویت من به سایگون میرسد که بعداً با قوای مجهز «جکی ماسو»^(۱۸) تقویت میآید. درین وقت در شهر هانوی قانون نبود هرکس مانند قوماندانان و زور سالاران ما قوای ضربوی و چورچپاول داشتند. ویت من، آخرین استحکام خود را از دست میدهد و مجبور به جنگ های گوریلایی میشود. در عین زمان ویت من برای فرانسوی ها امتیازات کلتوری و اقتصادی مشروط بر اینکه به ویت نام «حق خود ارادیت قایل شوند» پیشنهاد میکنند؛ مثلیکه طالب ظالم «امارت» طلب کرده با امریکا صلح نمود و با برادران مسلمان وطن و ماوای خویش در ستیز و کشتار است. در سایگون، رئیس محاکمه^(۱۹) محل ملاقات برای انامی ها و فرانسوی ها تاسیس میکند؛ که امریکا هم عین عمل را در قطر برای ملاقات خود و طالب به میان آورده است. فرانسه با چین^(۲۰،۲۱) موافقت نامه امضا میکند و «حکومت اتحادیه ای مقاومت» بریاست هوچی من وکابینه ای ده عضوی روی کار آمده امپراطور مخلوع بحیث مشاور ارشد پذیرفته میشود. با این پیمان چینیایی ها از ویت نام خارج میشود و جای شان را فرانسوی ها میگیرد تا بعداً فرانسوی ها در تخلیه ای جاپانی ها که در جنگ عمومی دوم شکست فاحش خورده بودند ویت نام را کمک نمایند و بلاخره ویت نام با فرانسه موضوع «حق خود ارادیت» خود را در میان میگذارد. هفته ها مذاکره برای طرح یک پیمان بین فرانسوی ها و ویت نام

روی کلمه ای «خود ارادیت» دوام پیدا میکند؛ تا اینکه فرانسه حاضر میشود برای ویت نام این حق را در فیدریشن هندو چین و اتحادیه ای فرانسه زیر چتر پیمانی که بنام «پیمان بین فرانسه و جمهوریت دیمو کراتیک ویت نام»^(۲۰) یا «موافقتنامه ای هوچیمین و سنتینی» نیز یاد شده است، وعده میدهد. این پیمان به تاریخ ۶ مارچ ۱۹۴۶م در هانوی به امضای طرفین رسیده بود.

قسمت سوم، این سلسله مقالات با خطابه ای «گیاپ»^(۲۲،۲۳) وزیر داخله ای هوچی من بزرگترین ستراتیژیست نظامی اوایل قرن بیست، با یادی از شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی افغانستان^(۲۴) یکی از بزرگترین لیبران گوریلابی قرن بیست، شروع میشود. گیاپ گفت: «در عرصه ای بین المللی یک ابر قدرت ما را به سوی مقاومت میراند و قدرت دیگر ما را مجبور میساخت که از خشونت و تشدد دست بردار نشویم». بعد دلایلی را که به فرانسه چرا اجازه داده شد به ویت نام برگردد و اینکه چرا فرانسه با چین پیمان صلح امضا نمود بیانات مفصل در محضر یکصد هزار ویت نامی هائیکه جواب میخواستند تقدیم نمود که به چک چک های متعدد و کرکننده بدرقه گردید. گیاپ اظهار داشت: «فرانسه آزادی ما را شناخت که بالاتر از خود ارادیت است اما استقلال نیست که ما تا حصول استقلال به مبارزه دوام میدهیم. فعلاً همه امور داخلی بدست خود ماست و یک اردوی منظم میداشته باشیم که میتوانیم آنرا وسعت بخشیم». وهم خاطر نشان ساخت: «زمانی میرسد که ما باید از موقف خود جداً دفاع نموده مقاومت نشان دهیم وهم وقتی میرسد که ما باید بر خود فشار آورده کمی عقب نشینی را بپذیریم.» در ضمن، از آن اعمال مخرب «ویت من» که با طالب ظالم و دیگران مشابهت داشت نیز تذکر بعمل آمده است.

در قسمت چهارم، لیندن بی جانسن^(۲۵) سی و ششمین رئیس جمهور امریکا خواست به جنگ ویت نام خاتمه دهد اما نماینده ای ریچارد نکسن^(۲۶) کاندید ریاست جمهوری با عضو پولیتیبوری ویت نام شمالی به تماس آمد وی را تشویق نمود تا در مذاکره با تیم لیندن جانسن شرکت نه نمایند و صبر کنند چون نکسن بحیث رئیس جمهور انتخاب میگردد. نکسن در انتخابات کامیاب و بحیث رئیس جمهور امریکا سوگند یاد کرده بکار آغاز نمود. نکسن به ویت نام جنوب وعده ای هرنوع کمک نظامی در صورت حمله ای شمال داد ولی برای اینکه ویت نام شمال را به میز مذاکره نگهدارد حملات شدید هوایی را امرداد که سبب تخریب هردو ویت نام شمالی و جنوبی گردید و متأسفانه وعده ای خود را به ویت نام جنوبی در سایه ای بیروکراسی امریکا فراموش نمود. نکسن در اثر فشار مردم امریکا مجبور به توقف بمباردمان ویت نام شد و برای تخلیه ای امریکایی ها از ویت نام جنوبی در برابر رهایی اسیران امریکایی و متحدین شان اقدام کرد. پیمان صلح پاریس^(۲۷،۲۸) امضا شد، هنری کسنجر^(۲۹) جایزه ای نوبل صلح گرفت و همقطار ویت نامی او «لو دوس تو»^(۳۰) از پذیرش جایزه ابا ورزید. بالنتیجه، ویت نام شمالی بر جنوب فاتح شد و حزب کمونست به هدف خود نایل گردید.

در قسمت پنجم، برای اینکه نظارت پیمان صلح پاریس موفقانه صورت گرفته بتواند کمیسیون بین المللی کنترول یا ICC به کمیسیون بین المللی کنترول و نظارت یا ICCS ارتقا یافت. پیمان صلح تحت هر شرایطی که امضا شده بود، هردو حکومت ها به نظر اهانت، از آن استقبال نمودند. بعد از پیمان صلح، نفوذ کمونست ها بیشتر شد و ویت نام جنوبی استقلال خود را از دست داد. جنگ ها دوباره آغاز گردید. قسمیکه تذکر یافت، نکسن به وعده هائی که به رئیس جمهور ویت نام جنوبی جهت دفاع از حملات ویت نام شمالی یا کمونستی داده بود، وفا نکرد. دیده میشود که وعده خلافی در ضمیر روسای جمهور امریکا ریشه دوانیده است. سال گذشته فغان مردم «کرد» که سال ها همکار امریکا بودند نظر به وعده خلافی

دونالد ترمپ در جهان پخش گردید^(۳۱). دلبلیو بوش بعد از موفقیت جهاد افغانستان راه خود در پیش گرفت و مجاهدین بی تجربه در امور دولت داری را تنها گذاشت و آوازه بود که صدها میلیون دالر بازسازی را برای تکمیل آرزوی انتقام خود از صدام حسین به عراق منتقل ساخت و زمینه ای جنگ های نیابتی^(۳۵) را برای پاکستان جهت تخریب و قتل مردمان معصوم افغانستان مهیا نمود و حقیقت را از مردم امریکا پنهان نگهداشتند تا اینکه «مقاله ای افغانستان» توسط واشنگتن پست^(۳۲) پرده از اسرار برداشت. به کمک ویت کانگ سایگون (هوچیم سیتی امروز) به تصرف ویت نام شمالی در آمد. «جمهوریت سوسیالیستی ویت نام» تاسیس شد. ولی هوچیم به آسانی به هدف نرسیده بود. جنگ های گوریلا و حملات خارجیان ویت نام را کاملاً بیک خرابه تبدیل نمود. وقتیکه کمونست ها موفق شدند صدها هزار مسکونین ویت نام جنوبی را به کمپ های «تادیب»^(۳۳) فرستادند و از هیچنوع تظلم بر آنها دریغ نه نمودند با شکم گرسنه، تن ضعیف و امراض گوناگون جبراً آنها را به کارهای شاقه مجبور میساختند. همچنین بر کمبودها حمله بردند و اسم آنها به «کمبوچین» مبدل ساختند.

ریفورمیست ها به اقتدار آمدند و در فیصله ای ششمین کانگرس حزب^(۳۴) اقتصاد پلان شده را به مارکیت اقتصادی «متمرکز به سوسیالیستی» تبدیل و تنظیم دادند. سرمایه گذاری خارجی تشویق شد و تولیدات زراعتی و صنعتی و تنظیم پولی پیشرفت اقتصادی را نصیب ساخت و ویت نام در زمره ای غنی ترین و پیشرفته ترین ممالک جهان ظهور نمود.

متأسفانه در افغانستان اقتصاد ملی متکی به امداد ممالک خارجی بوده مؤسسات غیر دولتی^(۱۸۰) NGO ها زیادتر بمفاد خود و برای مقاصد خود پروژه ها طرح نمودند، مشاورین ساخته و بافته ای متعدد ایجاد کردند و زیادترین پول کمکی خود را، به عقیده ای بعضی ها، دوباره به ممالک مربوطه ای خود برگردانیدند. پاکستان، در ترانزیت مواد صادراتی به هند مشکلات متعدد نه تنها برای افغانستان بلکه برای مریکایی ها نیز خلق نمود. زیر بنا وجود ندارد. یک باران شدید کوچه ها را به دریاچه مبدل میسازد. یک برفباری راه سالنگ را که تقریباً پنجا و پنج سال از استفاده آن میگذرد تا هنوز همان برف کوچها جلوگیری نماید تا صدمه ای جدی به اقتصاد ملی رخ ندهد. رژیم فعلی ناکام است و اگر به دقت به گفتار اشرف غنی در «صحبت با محصلین» در هفته ای اول فروری ۲۰۲۰م که در «یوتیوب» ظاهر شد توجه شود خود به بیکیفایتی ها و نواقص اداری خود اقرار میکند و با معلومات ناقص میخواست محصلین را فریب دهد و وقتیکه اجازه ای سوال به محصلین و استادان داده شد به سوالات محصلین و هم سوال گرداننده ای مجلس که: «آیا مهاجرین ما در خارج به مفاد ما استند یا به ضرر ما؟» جواب نداد. استادان در زمینه سوالی نه نمودند که عالمانه بود و نخواستند جفنگ بیشتر از او بشنوند. در سال ۲۰۱۷ GDP افغانستان منفی ۰،۲۰ راپور داده شده است^(۳۵). تفرقه اندازی بیحد است، به هویت اقوام دیگر احترام قایل نیست و مملکت را بسوی پشتونیزه ساختن رهبری دارد ولی در ظاهر به مولانا و فردوسی و دقیقی، ابر مردان زبان فارسی دری، افتخار میکند.

ائتلاف هفتگانه ای مجاهدین سنی مذهب در پاکستان و ائتلاف هشتگانه ای اهل تشیع در ایران بضد تهاجم روسها و رژیم کمونستی علم جهاد بر افراشتند^(۳۶). ممالک مهماندار مخصوصاً پاکستان با کمک های ممالک متحابه و ملل متحد غنی شد ولی نفوذ ISI در بین مجاهدین به اندازه ای ریشه ای عمیق دوانید که تا امروز اجنت هایشان در همه شعبات دولتی و سکتور های شخصی و حتی پارلمان مرام آن ها را نظر به بهبودی مردم رنجبر و ستمدیده ای افغانستان به پیش میبرند و روی همین دلیل است که

طرز حیات مردم بیچاره و کارگرمملکت سیر نزولی دارد نه مانند ویتنام سیر ارتقایی. بینظیر بوتو^(۳۷) به کمک سفیر امریکا^(۳۸) خواب صوبه ای پنجم دیدند و پلان حمله بر جلال آباد را طرح نمودند.

با رویکار آمدن گوربچوف^(۳۹) که خود یک رفورمیست بود و نخواست کشورش بیشتر صدمه ای اقتصادی ببیند به مذاکره با رونالد ریگن^(۴۰) رئیس جمهور امریکا اعلان خروج عساکرش را از افغانستان به اطلاع جهانیان رسانید و با «پیمان صلح جینوا ۱۹۸۸م^(۴۱)» از افغانستان خارج شد گوربچوف یک اندازه کمک های اقتصادی و نظامی را دوام داد ولی بوریس یالتسن^(۴۲) کمک ها را کاملاً به داکترنجیب قطع نمود. پاکستان از موقع استفاده نموده جهت تطبیق پلان های شوم خود به جلال آباد حمله برد^(۴۳،۴۴) ولی از طرف قوای نجیب با ۳۰۰۰ نفر تلفات جانی و ملیونها دالر تلفات مالی شکست خوردند؛ بوتو میخواست جلال آباد مرکز صوبه ای پنجم باشد، پروفیسور عبد الرسول سیاف را صدراعظم و گلبدین حکمتیار را وزیر خارجه آن ایالت در نظر داشتند.

بعد از خروج روسیه، مجاهدین با نداشتن یک لیدر مستعد ولی سرشار از غرور قومی، مذهبی، موفقیت جهاد و بی اتفاقی که طرح آن از بادران شان نشأت میکرد افغانستان را چون، ویت نام زمان جنگ، به خرابه ای کامل مبدل ساختند. ویت نام، با زحمات لیبران و طندوست و جوانان مبارز خود موفق و آباد شد، اما افغانستان با نفوذ اجنت های CIA، ISI، و ایرانی که در عقب پرده خواهان تباهی افغانستان بودند و هستند بی ثبات و تخریب گردید. جنگ نیابتی پاکستان^(۴۵) توسط گروه های طالب پاکستانی^(۴۶) و افغانستانی^(۴۷،۴۸) با ظلم و کشتارهای انتحاریون دوام یافت. مانند ویت نام شمالی که بر برادران جنوبی شان جنگ و تظلم روا داشتند، پاکستان از طالبان زیر چتر اسلام و اسلامیت استفاده نموده اند که تا هنوز به شدت بیشترتر دوام دارد. جوانان بیسواد پتان و پشتون و دیگران، فریب جاسوسان انگریز و پاکستان را با وعده های دروغین ملاهای انگریزی و قباله ای جنت نادانسته دست به تخریبات و اعمال ضد اسلامی و مدنی در برابر برادران مسلمان خود پیاده نموده اند و میکنند. اینها در اثر اوامر ماستر های خود در هر قدم حرکت بطرف صلح و آرامش در افغانستان موانع ایجاد مینمایند؛ زیرا صلح در افغانستان منابع درآمدها غیر قانونی و غیر اسلامی شان را از طرف دشمنان دین و دنیای افغانستان قطع خواهد کرد. هدف پاکستان به قدرت رسیدن طالب، نوکران شان، است تا منابع درآمد سر شار پاکستان را در افغانستان و به ضد مردم ستم کشیده ای ان محفوظ نگاه دارند. **این رویداد ها مسئولیت جوانان مبارز و وطن دوست افغانستان را دوچندان ساخته است.....**

دراخیرترجمه ای متن انگلیسی، موافقت نامه ای فریبنده، بین طالب و اضلاع متحده از رسانه های اجتماعی اقتباس و با تبصره ای چند که در یکی از جرایده بچاپ خواهد رسیده نیز ضمیمه شده است. این نوشته طالب را به ویت من هوچی من، ویتنام و خواجه بشیر احمد انصاری آنها را در «کتاب مذهب طالبان» که در صفحه ای فیسبوکش خوانده میتوانبد به خوارج اعراب مشابَهت داده است که همه اعمال ظالمانه ای شان را قدم به قدم تعقیب میکنند.

بفکر من، امکان دارد درین تیاتر سیاسی که اضلاع متحده دایرکتر و ملل متحد و اتحادیه ای اروپا بحیث معاونین دایرکتر با چند ممثلین آماتور که خلیلزاد نویسنده ای درامه است آرزو به سر می پروراندند تا داکتر عبدالله عبدالله رئیس جمهور منتخب با رای های بیومتریکی مردم را در روی صحنه چون رئیس جمهور ویت نام جنوبی آورده مانند سال های پار و پرار اورا بیچاره ظاهر سازند که تا حال موفق

نیستند. گمان نمیکنم این فرصت طلایی را که همه اقوام و اقشار مردم با او اند رایگان از دست دهد و مقاومت را اگر تا آخر ادامه داده بتواند چون لیدر محبوب مردم نامش ثبت تاریخ خواهد شد.

بیاموز و بشنو هر دانشی
بیابی ز هر دانشی رامشی
دگر با خردمند مردم نشین
که نادان نباشد بر آئین و دین
که دانا اگر دشمن جان بود
به از دوست مردی که نادان بود

ابن سینا

احمد علی کهزاد،

سخنرانی در محفل استقبال از هزارمین سالگرد تولد ابن سینا

که در سال ۱۹۵۱ م ۱۳۷۱ ش و ۱۳۳۰ ق تقدیم نمود.

ناشر: بنیاد فرهنگی کهزاد.

از سایت آریایی

قسمت اول

(پیمان های قدیم تا پدّر ملت چین)

چون این سلسله مقالات بجواب سوال «پیمان صلح پاریس» آغاز یافت، این رساله با یادی از بعضی از پیمان های تاریخی ویت نام درین مرحله یاد نموده بعد توضیحات بیشتر تقدیم میگردد.

در جریان چندین قرن گیرودار پرتگالی ها، هالیندی ها، میشنری های فرانسوی، جاپانی ها، قوای نظامی فرانسه، قوای نظامی چین و بلاخره قوای نظامی امریکا موافقت نامه های متعدد نوشته شد که فقط روی کاغذ میآمد و میرفت. قدیمی ترین آنها، موافقت نامه ای ویرسای^(۴۹) Versailles است که در ۲۱ نوامبر سال ۱۷۸۷ م بین وزیر خارجه و بحریه ای لویی XVI و بیشاپ Adran به نمایندگی از لارڈ Nguyễn Ánh امپراطور آینده ویت نام به لقب Gia Long امضا شد تا از شر شورشیان برادران تی سن^(۷۱) Tây Son به میانجیگری کشیش کاتولیک فرانسوی توسط حکومت فرانسه حمایت شود. در حقیقت او برای اولین بار به کاتولیک ها اجازه داد که در ویت نام تخم مسیحیت بذر نمایند. در عوض، جزیره ای Pulo – Condore را در نزدیکی سواحل ویت نام جنوبی که یک محل ارکیولوجیکی غنی بود و امروز بنام Côn Sơn میشود به فرانس اعطا و هم امتیاز Tourane شهر بندری که Da Nang امروز است به آنها تسلیم نمود (قرار نوشته ای میرغلام محمد غبار^(۵۰) امیر عبدالرحمن خان پنجه را که منطقه ای سرسبز و حاصل خیز بود به روسها - با آق تپیه، چمن بند، و چشمه ای سلیم - داد و هم امر کرد که با روسها جنگ نشود) و هم حق دادوستد تجارتنی را در سرزمین خود برای فرانسویان مجاز دانست؛ بالنتیجه لویی XVI دوام او را در تخت و پیتنام وعده داد؛ اینکه چه وعده و وعید بین طالب و امریکا و پاکستان رد و بدل گردیده است نه مردم افغانستان، نه کانگرس امریکا، نه وزیر دفاع امریکا و نه وزیر خارجه ای امریکا از آن خبر دارند و اما مردم با شهامت افغانستان در آتش وحشت و دهشت طالب ظالم در می گیرند.

موافقت نامه ای مهم دیگر که بین هوچی من رئیس جمهور، جمهوری دیموکراتیک ویت نام^(۲۰)، و موسیو Jean Sainteny نماینده ای خاص فرانسه بروز ششم مارچ ۱۹۴۶م امضا شد آزادی ویت نام را در چوکات اتحادیه ای فرانسه شناخت. کنفرانس جنوا^(۵۱) در سال ۱۹۵۴م که بنام موافقت نامه ای جینوا نیز یاد میشود بین اپریل ۲۶ تا جولای ۲۰ دوام یافت، میخواستند موضوعات باقیمانده ای جنگ کوریا و جنگ اول هندوچین را پایان بخشند. بلاخره، «بیمان صلح برای ختم جنگ ویتنام» در سال ۱۹۷۳م بین امریکا و ویتنام کمونست صورت گرفت.

ویت نام، شرقی ترین ساحه ای هندوچین میباشد که شامل کمبودیا، لاؤوس و جمهوری دیموکراتیک ویت نام در شمال است. طور مزاح نقشه ای آنرا مانند «بانگی» تصور کرده اند که در شانیه با دو کجاوه برداشته شده باشد یعنی در قسمت مرکزی نازک و در دونهایت پُرتر نمایان میگردد. این مزاح با موجودیت لاؤوس و کمبودیا در همسایگی آن بیشتر مصداق پیدا میکند. در ابتدا بنام «انام» زیادتر از طرف فرانسوی ها یاد میشدند^(۵۱). ویت نام قدیم شامل «تونکین» که مرکز آن هانوی (Hanoi)، «انام» که مرکز آن هیو (Huố) و «کوچین چین» که مرکز آن سایگون یا شهر هوچیم (Saigon) بوده امروز همه شامل یک مملکت سوسیالیستی کمونستی هستند.

ویت نام از بدو تاسیس دارای چندین امپراطور مقتدر بود. سیزدهمین و آخرین امپراطور شان باو دای^(۵۲) (Bảo Đại) که بنام «امپراطور انام» نیز یاد شده است تحت الحمایه ای هندوچین فرانسوی بود (آخرین پادشاه افغانستان محمد ظاهر شاه^(۵۳،۵۴) نام داشت استقلال خود را نگهداشت). جاپانی های فاشیست در سال ۱۹۴۰م بر هندوچین فرانسوی حمله برد^(۵۵) تا موجودیت غربیان سفید را از - ساحه ای شرق دور - پاک ساخته آن ها را خارج سازند. اول، تصدی های مدیریت فرانسوی را در ماه مارچ ۱۹۴۵م از بین بردند ولی امپراطور «باو دای» را با وجودیکه یکفرد فرانکوفیل (فرانسه دوست) بود گذاشتند تا به حکمروایی خود دوام دهد. باو دای با شکست جاپان در جنگ عمومی دوم به فرانسه تبعید شد و در سال ۱۹۴۹م دوباره برگشت و نام خود را بنام تولدی خود که Vinh Thuy بود تبدیل نمود؛ چون دیگر نمی خواست امپراطور باو دای نام گرفته شود (ظاهرخان در ۱۷ جولای ۱۹۷۳م زمانیکه در ایتالیا بود خود را تبعید نمود و در سال ۲۰۰۲م دوباره به افغانستان برگشت و لقب «بابای ملت» گرفت). باو دای منحیت یک همشهری ویت نامی همه ای عمر خود را در داخل وطنش گذراند و برای خود ارادیت آن در پهلوی «هوچی من» زحمات زیاد متحمل شد و همیشه بنظر احترام استقبال میگردد. نگو دین دئیم^(۵۶) Ngô Đình Diệm که معاون یا صدراعظم او بود باهم چندان رابطه ای خوب نداشتند ولی چون او از طرف اضلاع متحده امریکا حمایت میشد باو دای با وی گزاره میکرد.

در اولین سالگرد صدارت خود «دئیم» به روز هفتم جولای ۱۹۵۵م ریفرندم ملی^(۵۷) جهت طرز حکومت داری آینده و تعیین رئیس دولت را اعلام نمود. ریفرندم تقلبی در ۲۳ اکتوبر سال ۱۹۵۵م با کمک کلونل (Edward Lansdale) امریکایی صورت گرفت و رای ۴۵۰،۰۰۰ را ۶۰۰،۰۰۰ به نفع خود نشان داد. (در افغانستان هم با رای تقلبی سه صد هزار اشرف غنی برنده اعلان شد) و Bảo Đại را از صحنه ای سیاسی برای ابد خرج ساختند ولی به فامیلش اجازه داده شد که در ساختمان سیاسی کشور حصه داشته باشند. با هوچی من که او هم فرانکوفیل و رئیس حکومت مؤقت انقلابی و مقاومت بود همکاری نزدیک داشت. راستی باو دای، در بدست آوردن خود ارادیت ویت نام از فرانسه مساعی زیاد بخرچ داده است ولی بعضی ها به او نوکر بودن به دیگران را تهمت زده اند. در حالیکه مبارزات مدبرانه او با همراهی هوچیم اول با

کلونیالیست های فرانسه، بعد هنگام جنگ جهانی دوم با اشغالگران جاپان ، سپس با حرکت کمونستی هوچی من و باز دوباره با فرانسه دوام داشت (کاش شاه مخلوع افغانستان، حامد کرزی، میتوانست چنین کاری انجام دهد). باو دادی، بعد از برطرف شدن با رای تقلبی، به پاریس برگشت و در همانجا به روز اول اگست ۱۹۹۷م در یک شفاخانه ای عسکری وفات یافت (ظاهرخان شاه سابق به روز ۲۳ جولای ۲۰۰۷ در کابل وفات یافت و در مقبره ای آبابی شان در تپه ای مرنجان با اعزاز عسکری دفن شد).

ممکن متوجه شده باشید که Vinh Thuy سابق امپراطور و بعد رئیس دولت ویت نام یک هفته قبل از جنگ ویتنام یا جنگ دوم هندوچین که امریکا با متحدینش در آن رول مستقیم داشت و بروز اول نوامبر ۱۹۵۵م آغاز و بسال ۱۹۷۵م ختم یافت مانند شهادت احمدشاه مسعود^(۲۴) قبل از دخول عساکر امریکایی و متحدینش در افغانستان، با یک توطئه از بین برده شد. یعنی امریکا از موجودیت هردو «باو دادی و مسعود شهید قهرمان ملی» در موفقیت تطبیق پلان های خود هراس داشت. اقلأ مردم ویت نام به قهرمان آزادی خود از فرانسه احترام داشتند امپراطور سابق خود را که تا آخرین مرحله در بین شان بود به قتل نرسانیدند ولی در مقابل قهرمان آزادی افغانستان از روس و بعد پاکستان این قدرشناسی را زیر پا گذاشته شد و همسنگرانش با قاتلین او همکار و همدست و ملیونر شدند. از همینجاست که تا حال من از کدام تحقیقات مکمل در باره ای قتل قهرمان ملی احمدشاه مسعود نه شنیده ام و نه خوانده ام. از جانب دیگر کمونست های ویت نام، قدر زحمات هوچی من را درک کردند و شهر سایگون را بنام او تبدیل نموده به او زندگانی جاودان بخشیدند (درکابل چهار راهی را که سابق بنام پشتونستان بود بنام شهید احمد شاه مسعود تبدیل و مسما ساختند ولی معلوم نیست که با پشتونیزه شدن تدریجی افغانستان تا چه وقت دوام خواهد کرد) .

ویت نام با افغانستان علاوه بر مشابهت های فوق تشابهات زیاد تر و بیشتر دارد. به اساس mythology یا قصه های اساطیری اولین حاکم ویت نام Hùng Vuong لقب داشت که درسال ۲۸۷۹ ق.م سرزمین خود را بنیاد گذاشت. بعداً از سال ۱۱۱ ق.م تا قرن ۱۵م مستعمره ای چین شده بودند که سرزمین را بنام «نام ویت» یاد میکردند. تاریخ سرزمین ما هم بسیار قدیم و بنام آریانا یاد میشد. اولین شاه ما یما یا جمشید نام داشت، ابوالقاسم فردوسی بزرگ در حق جمشید^(۸) گفته است:

گرانمایه جمشید فرزند او	کمر بست یکدل پر از پند او
برآمد بر آن تخت فرخ پدر	برسم کیان بر سرش تاج زر
کمر بست با فر شاهنشهی	جهان گشت سرتاسر او را رهی
زمانه بر آسود از داوری	به فرمان او دیو و مرغ و پری
جهان را فزوده بدو آبروی	فروزان شده تخت شاهی بدوی

ویت نامی ها برای قرن ها از همسایه ای خود، چین، زجر و ستم ها دیده اند. همچنین افغانستان هم از همسایه ای «بریتیش اندیا» سابق و پاکستان امروز بارها هم از نظر مادی و هم معنوی ضررها دیده است. ویت نامی ها در قرن ۱۵م فعالیت های وطندوستی و ملیت پرستی بلند نمودند ولی مردم سرزمین افغانستان تا قرن ۱۶م نظام دولتی منسجم و منظم نداشتند. متأسفانه، عوض وطندوستی، خانه جنگی و خان سالاری اقوام غلجی و بارکزی ظهور کرد که تا امروز از شر بقایای برتش اندیا، نایب هایشان، خان سالاری ها و قوم دوستی ها به امان نبوده پارچه های اعضای بدن و طنداران مظلوم وبی چاره ای ما هر سو تیت و پاشان است؛ دهشت و وحشت و هراس بر مردمان سرزمین با شهامت افغانستان سایه افکنده است.

ویت نامی ها سه جنگ داشتند؛ بنام جنگ اول هندوچین، جنگ دوم هندوچین یا جنگ ویت نام و جنگ سوم هندو چین یا جنگ چین و ویت نام^(۱۷، ۱۸) درین اواخر، این سه جنگ به نام های جنگ اول که فرانسه برای هشت سال ۱۹۴۶ - ۱۹۵۴ م با قوای نشنالست ویت نام جنگید اما فرانسه موفق نبود، جنگ دوم برای کنترل ویت نام جنوبی بود که امریکا مداخله کرد و در سال ۱۹۷۵ م به ناکامی پایان یافت، جنگ سوم را حمله ای ویت نام بر کمبودیا میدانند. افغانستان هم سه جنگ با بریتش اندیا داشت که بنام جنگ اول با تباهی قشون انگریزها که فقط دونفر زخمی زنده مانده بود، جنگ دوم که در میدان میوند قندهار صورت گرفت و انگریزها شکست خوردند و جنگ سوم یا جنگ استقلال است که در «تل» و محاذات دیگر نبرد ها صورت گرفت.

در **جنگ افغانستان** با شوروی^(۵۸) که بروز ۲۴ دسمبر ۱۹۷۹ شروع و در ۱۵ می ۱۹۸۸ توقف یافت، بروز ۱۵ فروری ۱۹۸۹ م با خروج آخرین عسکر شوروی از افغانستان پایان یافت. قوای مقاومت مجاهدین از طرف امریکا، انگریزها، عربستان سعودی، قطر، امارات عربی، ایران، و ممالک اروپایی حمایت و کمک میشد در حالیکه رژیم کمونستی افغانستان از طرف روسیه، چین، کیوبا، آلمان شرق و دیگر ممالک کمونیستی حمایت و کمک میشدند.

در صحنه ای «**جنگ ویت نام جنوبی**»: امریکا و متحدینش چون کوریای جنوبی، استرالیا، نیوزیلاند، لاؤوس، کمبودیا (۱۹۶۷ - ۱۹۷۰ م)، جمهورییت خمیر (Khmer)، تایلند، فلپین به حمایت تایوان، برازیل، مالیزیا شرکت داشتند^(۹).

ویت کانگ^(۱۰) یا Việt Cộng یا «جبهه ای ملی آزاد» است که در ۲۹ دسمبر ۱۹۶۰ تاسیس و لیدر شان به اسم نگوین هوو ژوین (Nguyễn Hữu Xuyén) معلومات درباره اش بزبان ویتنامی نوشته شده است) موسوم بود، این جبهه طرفداران عظیم از مردم ویت نام جنوبی را با قوای مجهز نظامی در اختیار خود داشت. در افغانستان طالب ظالم قوای انتحاری دارد ولی همه ای مردم بجز اعضا و طرفداران ISI بصد شان است. ظلم و شکنجه ای طالب مانند ظلم و شکنجه ای کمونستهای ویتنام بود و هنوز هم دوام دارد. ویت کانگ از چندین فرقه با ایدیالوجی کمونیستی تشکیل یافته بودند؛ قسمیکه چندین فرقه مجاهدین زیرچتر اسلام بصد شوروی جنگ داشتند.

«**ویت نام شمالی**» بکومک ویتکانگ در جنگ ویت نام کامیاب شدند - (انترنت) و PRG (حکومت مؤقت انقلابی جمهورییت ویتنام جنوبی یا بصورت خلص به نام «جمهورییت ویت نام جنوبی» و در ابتدا از طرف دول کمونستی بحیث حکومت ویت نام جنوبی شناخته شده بودند)، پاتیت لاو (Pa thêt Lào) یا ملت لاؤوس، خمیر غوژ (سرخ)، چین، سویت یونین (روسیه)، کوریای شمالی با حمایت چکوسلواکیا، کیوبا، آلمان شرق، پولند، رومانیای، هنگری، بلغاریا، و سویدن از «ویت نام شمالی» حمایت میکردند.

بالآخره کمونست ها بسرکردگی هوچی من و قوماندانی «گیاپ» موفق و «جمهورییت دیموکراتیک ویت نام» تشکیل یافت. امریکا ۵۸،۲۲۰ کشته و یا مفقود داد و جنگ نوزده ونیم سال دوام نمود. در افغانستان امریکایی ها بعد از حادثه ای دلخراش ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ م با متحدینش به ضد کمونست نه بلکه این بار بصد طالب تروریست ظالم با عملیات نظامی از روز هفتم اکتوبر تا ۱۷ دسمبر ۲۰۰۱ م وارد افغانستان شدند و تا هنوز جنگ با این گروه طالب ظالم در موجودیت قشون امریکا و ناتو در سال ۲۰۲۰ م که

تقریباً اضافه از نوزده سال میشود، دوام دارد (۳۶). بنگرید در بالا در سال ۲۰۰۱م آمریکا با متحدینش در ظرف تقریباً شش هفته طالب ظالم را تار و مار کردند و مرحله ای اول پلان ستراتیژیک خود را آغاز نمودند. اکنون که این قدر مدت طولانی در جنگ اند و بلیونها دالر مصرف کردند و هزاران جوان از دست دادند چه دلیلی وجود دارد که آمریکا با عظمت نظامی خود میخواهد به طالب تروریست تسلیم شود؟ روزشنبه ۲۹ فروری سال ۲۰۲۰م مطابق ۱۰ حوت ۱۳۹۸ش آمریکا با طالب موافقت نامه ای خروج تدریجی عساکرش را از افغانستان امضا نمود؛ طالب آنرا فتح خود بر آمریکا اعلام کرد.

بگمان من، مرحله ای دوم ستراتیژی آمریکا و باندش با موفقیت قلبی اشرف غنی که با حمایت آمریکا، ملل متحد و چند فریبکار دیگر بسرکردگی ISI طرح شده بود با مساعی خلیلزاد به راه افتاد. با مقاومت سر تاسری مردم افغانستان به ضد تقلب و حمایت از رای های بیومتریکی و لیدرشپ داکتر عبدالله ممکن پلان شان در اثر روش نامناسب خلیلزاد و اشرف غنی به طرفداری پشتونیزه ساختن افغانستان ناکام شود. چون آمریکا در فن تقلب تخصص دارد حتما پلان حمایتی بعدی یا contingency نیز در آستین پنهان کرده است که آنها با حمایت از تروریست، طالب ظالم، که میخواست با استفاده از آنها زیر نام اسلام و اسلامیت مردم را خاموش نگاه دارند و خود ثروت های ملی و زیر زمینی ما را به سرقت برند،

برملا گردید؛ آنچه تا هنوز نامعلوم است متن سری موافقت نامه ای آمریکا با طالب ظالم است که آنها توسط ژورنالستان آمریکا پیدا و افشا خواهد شد.

از جانب دیگر، اگر صلح به میان بیاید، آمریکا با یکی از بیست گروه تروریستان صلح میکند این نوزده گروه تروریست های دیگر مشتمل اند بر: القاعده، IMU (حرکت اسلامی ازبکستان)، حرکت جهاد اسلامی، الکلبدین، الخالص، شبکه ای حقانی، لشکر طیبیه، لشکر اسلام، لوی شهید عبدالله اعظم، JEM (جیش -ای- محمد)، ETM (حرکت اسلامی ترک شرقی)، TTP (طریق طالبان پاکستان)، IEW (ممکن در هند باشند)، سپاه صحابه ای پاکستان، TNSM (طریق نفاذ شریعت محمدی - در پاکستان)، IJU (اتحادیه ای جهاد اسلامی شریک القاعده)، لشکر جنگوی، حرکت المجاهدین، و جبه ای ملا داد الله (انترنت).

قسمیکه دیده میشود اکثریت این تروریست ها که بعضی شان خود را با قتل و کشتار مردم مجاهد و راساً داخل به جنت میدانند در پاکستان مسکن و مراکز تربیتی دارند. بناء، آمریکا نه خود و نه مردم و نه سیاستمداران خوشباور افغانستان را و لوکه مستخدم و جیره خور شان اند، فریب دهند. پیمان صلح با یک بیستم این تروریست های ظالم، صلح نه بلکه تهیجیست که در بین این گروه ها تولید نموده بیشتر تشویق میشوند؛ تا به قتل و انتحار معصومان بی سلاح دوام دهند، اختتطاف مردمان ستمدیده را به راه اندازند، ویرانی و تخریبات و حریق ها را دوام دهند، عساکر و مردمان با عزت ما را بی عزت ساخته بر ناموس مردمان نجیب و شریف افغانستان مخصوصاً غیر پشتون و زیادتر تاجک و هزاره تجاوز بیرحمانه بعمل آرند و در اخیر هم با آمریکا صلح نمایند و شناخت پیدا کنند و غرور و جرأت شان را دوبالا ارتقا داده میتوانند؛ مسؤولیت آن بدوش آمریکا و پاکستان تکیه خواهد کرد.

من آنچه شرط بلاغ است بتو میگویم خواه از سخنم پند گیری خواه ملال

فرانسه ویتنام را در اواسط ۱۸۰۰م با در نظر داشت «مارکیت چین» توسط میسنری ها، کالونی خود ساخت و بعد از نفوذ عمیق و مطالعه ای مردم آن در ۱۸۸۷م ویت نام را به تصرف خود درآورد. در

روز ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۰ جاپان جهت دور ساختن غربیان از منطقه بر ویتنام حمله برد(۵۵). و تا شکست جاپان در جنگ عمومی دوم، جاپانی ها در ویت نام دست بلند داشتند (انگیز ها در افغانستان در حدود دو قرن دست بالا داشتند اما هیچوقت آرام نبودند و با قیام ها روبرو بودند).

کالونی ساختن هندوچین همزمان عصریست که هر مملکت اروپایی که قوای بحری داشتند بسوی شرق یا Orient رخ میاوردند چوروچپاول داشتند ومستعمره میگرفتند. اصلاً شرکت شرق الهند انگریزی(۵۹) بود که بصورت غیر رسمی نام های زیاد داشت و توسط John Watts که در دسامبر سال ۱۶۰۰م تاسیس شده بود مانند یک میشنری عمل مینمودند و به بهانه ای انزجار مردم در سال ۱۸۵۸م از طرف تاج و تخت انگریزی بسته شد. و لاکن چون وظیفه اش مهیا ساختن زمینه ای اشغال «دولت شاهی انگریز» در هند بود و با فتح پانی پت و شکست سک های مرهته از طرف احمد شاه درانی میسر گردید، لزومی برای موجودیت شان در هند دیده نمی شد؛ بگفته ای غبار « این جنگ عظیم یکی از بیفایده ترین کارهای احمد شاه شمرده شده است(۶۰) » که سبب موفقیت انگریزها و انداختن هند در چنگ آنها و غرس آفت در منطقه شد. سکهای مرهته از مخالفین سرسخت انگریزها بود و به متصدیان شرق الهند اجازه ای بیرون رفتن از بنگال را نمی داد. در اواخر جنوری سال ۲۰۲۰م فلم هندی بنام «پانی پت» روی پرده ای سینما ظاهر شد. سنجی دوت، در رول احمد شاه بابا بود که از طرف بعضی پشتون های بی خبر از تاریخ پانی پت، چندان مورد پسند قرار نگرفت.

قسمیکه در صحنه ای کار و زار ویت نام اول فرانسه، بعد جاپان و پسانتر چین و روسیه و بلاخره اضلاع متحده ای امریکا تاخت و تاز داشت که همه به نوعی شکست خوردند و به هدف نرسیدند؛ بر سرزمین ما هم اول انگریزها، بعد روس ها حمله آوردند که آنها هم به شکست مواجهه شده از افغانستان عزیز برآمده اند. بعد از شکست روسها، نایب انگریزها! پاکستان، القاعده و بعد طالب ظالم را بصد مردم افغانستان مسکن و تربیت دادند. بلاخره امریکا درین صحنه ای کاروزار داخل و با انگریز زاده ها و عرب ها یکجا زیر شعار کمک و تربیه ای عساکر افغانستان مرحله ای اول پلان ستراتیژیک خود را آغاز و به اعمالیکه بعضاً فکر میکنند شنیع بوده، دست زده اند.

در قدم اول آمادگی برای صلح بین امریکا و طالب؛ بعد از روزها سفر و مذاکرات طالب با خلیل زاد(۶۱) به موافقت سری رسیدند و آمادگی ملاقات با رئیس جمهور ترمپ در امریکا توسط پاکستانی ها تنظیم یافت. پرزیدنت ترمپ از پذیرش طالب ها و خلیل زاد در کمپ دیفیدس در اثر فشار نظامیان و سیاسیون و مردم که طالب را تروریست میدانند، ابا ورزید(۶۲،۶۳). از لابلای رسانه ها بر میآید که مذاکرات سری پشت پرده نتیجه داده است. ضمناً اشرف غنی بروز سه شنبه ۱۸ فروری ۲۰۲۰م بحیث برنده ای انتخابات بعد از پنج ماه جنجال اعلان شد(۶۴،۶۵) که از طرف داکتر عبدالله عبدالله بحیث کودتا معرفی گردید و حکومت قانونی خود را به اساس رای بیومتریکی اعلان نمود(۶۶،۶۷) اینکه چه عواقب با خود دارد منتظر باید بود.

در ویت نام هم چندین بار موضوع صلح به میان میآمد و اما فرانسویها که در ایالت کوچین چین در دلتای زیبا و کشتزارهای برنج تجارت و حیات مرفه داشتند همیشه موانع خلق میکردند. ادمیرال فرانسوی بنام d'Argenlieu درین را پیش رو بود. در افغانستان جنرالهای ISI پاکستانی، تا حال موانع صلح را با تشویق و تلقین طالبان که حکومت افغانستان را همکار امریکایی های کافر میدانسته اند خلق نموده است، بفکر من حتی بعد از «موافقت نامه ای دوحه» این خشونت ها در افغانستان دوام خواهد یافت. دلیل ناقص

طالب ظالم اینست که اول باید با بادر امریکایی دولت افغانستان صلح نمود و بعد با دولت و مردم افغانستان داخل مذاکره شد؛ درحالیکه جنگ و کشتار و انتحاری به شدت دوام دارد، یعنی میخواهند که هم غازی هم شهید و هم سلامت به خانه برسند که این «خیال است و محال است و جنون».

در اصل کرزی بود که نخواست با طالب راساً داخل مذاکره شود. او میدانست که بادر طالب پاکستان است و آنها اند که اعاشه و اباته ای شان را مهیا میسازند. وی موفق نشد ولی پاکستان این دوکتورین کرزی را به مقابل اشرف غنی استفاده نموده اشرف غنی را به طالب نوکر اضلاع متحده معرفی و تشویق نمود که صلح را با بادر غنی نه خود وی آغاز نمایند.

وینام به مقصد رسید و دولت کمونستی یک حزبی را تاسیس نمودند و مملکت خود را آباد و به اوج ترقی رسانید. طالبان هم میخواهند «امارت اسلامی یک حزبی» را رویکار آورند که افغانستان را صوبه ای پاکستان و مردمش را خوار و ذلیل سازند. کمونستهای ویت نام موفق شدند چون مردم با ایشان بود طالب ها تاهنوز موفق نیستند زیرا مردم تجارب تلخی را که بعد از عقب نشینی ستراتیژیک دولت شهید پرزیدنت ربانی و بقدرت رسیدن طالبان ظالم در کابل و اطراف مملکت به یاد دارند، فراموش نکرده به آنها اعتماد ندارند. مردم نمیخواهند ستادیوم سپورت دوباره ستادیوم زن کش ها شود. و با سر بریده ای مسلمانان بیگناه مثل توپ فوتبال کار گرفته شود. گمان نمیروود که به جز از بعضی پشتونهای اجنت ISI و طرفدار پاکستان، دیگر اقوام واقشار به شهادت افغانستان به امارت شان تن در دهند. و اگر میخواهند به زور و دهشت به قدرت برسند، باید زور و دهشت توقع داشته باشند.

تا حال امریکا در قسمت امضای موافقت نامه ای محیلانه ای طالب ظالم و بادران پاکستانی و اجنت هایشان قریب نخورده بود؛ یعنی تا کنون امریکا در میدان کار و زار قرن بیست ویک با دشمن مردم افغانستان؛ پاکستان و طالب های ظالم، مقاومت داشت. بعد از جنگ ویت نام امریکایی ها شکست خوردند و حاضر به موافقت نامه ای صلح شدند که تا حال مردم امریکا مخصوصاً عساکر مسن آن دوره از ان شکست رنج میبرند. با تأثرتأسف که این کار باز در افغانستان تکرار شد. متأسفانه، با پذیرش «کاهش خشونت» از طرف طالب، ترمپ «اجازه ای معامله ای مشروط با طالبان» را صادر کرد^(۶۷) که طالب انرا شکست امریکا تلقی می نماید؛ بعباره ای دیگر، امریکا به گروهیکه که خود بارها تروریست یاد میکرد، با موافقت با اعمال ناشایسته و ترور مردم به آن ها تسلیم میشود.

بروز جمعه ۲۸ فروری ۲۰۲۰م مطابق ۹ حوت ۱۳۹۸ش عتیق الله غزیزی عضو امور فرهنگی طالب در یک مصاحبه ای تیلیفونی بزبان پشتو با «تکی آسیا» بارها از «امارات اسلامی افغانستان» یاد نموده از حکومت همه شمول، امنیت و آرامی مردم سخن میگفت. غزیزی همچنین اظهار داشت که از نمایندگان دولت دعوت به عمل نیامده و با آنها مذاکره نمیکند.

در قرن ۱۷م گفت و شنود فامیلی اتحاد ویت نام را از هم درید (در افغانستان پسر کاکا و شوهر همشیره ای شاه اتحاد فامیل را پاشان ساخت). سلسله ای Le که از سال ۱۴۲۸م بر اریکه ای قدرت تکیه زده بودند و یکتعداد شاهان مقتدر عرضه داشتند در سال ۱۵۲۷م، یک جنرال باغی (مانند سردار داوود^(۶۸) و بعد ملا عمر^(۶۹)) یک سلطه ای جدید را بنام ماکس (Mac's) (در افغانستان اول جمهوریت داوود و بعد حکومت طالب) رویکار آورد ولی همیش از طرف مردم بنام زورسالار که سلطنت را به زور تصرف نموده بودند با ایشان برخورد میشد. بناء، به دوام حکمرانی ظالمانه ای خود موفق نشدند (حکومت سردار داوود و بعد طالب ظالم هر دو ناکام

شد). و همان بود که در سال ۱۵۹۲م سلسله ای «لی»^(۷۰) دوباره قدرت را بدست گرفت (طالب شکست خورد و پای امریکا داخل خاک افغانستان شد و ظاهرخان دوباره به وطن برگشت اما قدرت بدست نیاورد)

در سال ۱۷۷۱م برادران تی سن^(۷۱) (Tây Sơn) سر کردگی شورشیان ظالم را به ضد متصدیان ایالت بن دینه Binh Đình بدوش گرفتند (مانند برادران آل یحیی^(۷۲) که بصد غازی امان الله خان توطئه ها بستند). برای چندین سال با قبایل Nguyễn و Trịnh که چین «ترینه ها» را کمک میکردند جنگیدند (برادران نادر غدار تصدی ظلم و کشتار بر قرار ساختند). برادر مقتدر «تی سن ها» که گوین هیو^(۷۳) Nguyễn Huệ نام داشت و بنام Nguyễn Quang Bình نیز یاد شده لقب Quang Trung داشت خود را امپراطور اعلان نمود ولی قبل از وقتش به جوانی در سال ۱۷۹۲م وفات یافت (برادر مقتدر آل یحیی نادرخان^(۷۳) نام داشت با ضرب گلوله ای یک معلم به نام عبد الخالق هزاره قبل از وقتش به خاک غلطید و کشته شد). ولی باز ماندگان برادران تی سن به مقابل نگوین ها مقاومت نتوانستند و آنها قدرت را دوباره بدست گرفتند (مردم افغانستان میخواستند از طریق انقلاب قدرت را از چنگ آل یحیی بدست بیاورند اما وقتیکه دانستند که روسیه ای شوروی قصد تسخیر مملکت دارند از انقلاب صرف نظر نموده بصد آن اقدام نمودند).

مترافق همین زمان است که فرانسه از موقع استفاده میکند. شهزاده نگوین Anh به میسنری کاتولیک پییر پیگنو^(۷۵) Pierre Pigneau de Behaine بیشاپ ادران (Adran) رو آورده باو ملاقات کرد و هراس خود را از برادران تی سن با او در میان گذاشت. بیشاپ بلا تأمل به فرانسه برگشت و موافقت نامه ای برای کمک به شهزاده نگوین را در روز ۲۱ نوامبر سال ۱۷۸۷م با حکومت فرانس امضا نمود که بنام پیمان ویرسای^(۴۹) (Treaty of Versailles) یاد شده است. به اساس این پیمان قوای فرانسه برای کمک با شهزاده، باید داخل ویت نام میشد. ولی گورنر پاندیشیری^(۷۶) Pondicherry که از طرف لویی XVI مامور تطبیق آن بود نظر به اوضاع نامناسب خود فرانسه تعلل و درنگ ورزید. بیشاپ بدون ضیاع وقت قوای رضا کار را در حدود ۴۰۰ نفر از خود ویت نامی ها جهت کمک به شهزاده مهیا ساخت. بعداً از نتیجه ای فعالیت بیشاپ «شهزاده انه» بنام گیا لانگ^(۷۷) Gia Long، امپراطور، بر اریکه ای قدرت تکیه زد. (در افغانستان هم نادر خان باچنین گروه بیشاپ مانند به قدرت رسید. بعد امریکایی ها بکمک شورای نظر آمدند و بعد از پیمان منحوس «بن»^(۷۸) حامد کرزی^(۷۹) بکومک قشون امریکا بحیث رئیس حکومت مؤقت انتخاب و بعد رئیس جمهور خجالت تقرر حاصل کرد). درینوقت هندو چین شامل کمبودیا، لاؤوس، مالیزیا، برما، تایلند و ویت نام بود.

ادمیرال های فرانسوی بنام های شارنی^(۸۰) Leonard V. J. Charner و بونارد^(۸۱،۸۲) Louis Adolphe Bonard بر کوچین چین حمله برده این را به تصرف در آوردند و بونارد اولین گورنر رسمی نظامی آن منطقه شد. بعد از جنگ های خونین توانستند محبس چای هوا^(۸۳) (Chí Hòa) را در سال ۱۸۶۱م به تصرف در آورند که منتج به جنگ های گوریلابی شد (منشاء جنگ گوریلابی طالب ظالم از اینجا منشاء میگیرد نه استشهاد که برای فریب جوانان نادان پشتون های ما از آن استفاده کرده میروند).

در سال ۱۸۸۴م امپراطور هایپ هو^(۸۴) Hiệp Hòa مجبور ساخته شد که پیمانی را امضا کند تا فرانسه بتواند همه ای ویت نام را به تحت الحمایگی بیاورد (۹ سال بعد امیر عبد الرحمان^(۸۵) پیمان دیورند^(۸۶) را با انگریزها در سال ۱۸۹۳م امضا نمود و زمین های حیاتی مملکت را به انگریزها واگذار شد و بعد این خط، سرحد بین المللی بین افغانستان و پاکستان از طرف شاهان متعدد و رؤسای جمهور افغانستان و جهان شناخته شد).

در شروع سال ۱۹۲۷م در هانوی یک حزب سری از طرف جوانان رویکار آمد. تا نوامبر ۱۹۲۷م، پروفیسوران، سکرترها و ژورنالیست‌ها با آنها پیوستند و در اس‌شان یک پروفیسور جوان به نام نگوین تائی هوئ (Nguyễn Thāi Học)^(۸۷) قرار گرفت. هدف اس‌شان شناسایی مردم به نظریات جدید مخصوصاً از سن یات سین^(۸۸) Sun Yat-sen سیاستمدار، طبیب، و فیلسوف چینی است که اولین رئیس جمهور چین و لیدر کومینتانگ^(۸۹) Kuomintang حزب نشنالست چین بوده اورا «پدرملت» میدانند) بود. ارثیت فلسفه سیاسی او سه پرنسیپ مردمی چون «آزادی، حق مردم و معیشت مردم» را در بر داشت.

«نشنالیزم» یا آزادی از استعمار امپریالیست خارجی، «حق مردم» یا بعضی وقت دیموکراسی و «امرار معاش» مردم که بعضی اوقات سوسیالیزم نامیده میشوند. این گروه جوانان خود را بنام «حزب ملی ویت نام» مسما ساخته و میخواستند حزب اس‌شان به اساس مودل حزب کومنتانگ چین باشد.

طالب‌های ظالم هم به اساس پرنسیپ و هابیون عربستان سعودی حزب خود را تشکیل داده فلسفه ای سیاسی اس‌شان، انتحار، تخریب و اسلامیزم و هابی است چیزیکه که خود باور ندارند ولی این توهم را جهت فریب مردمان معصوم و خوش‌باور، «امارت اسلامی» نام داده اند؛ نظریات خرافاتی داشته اعضای اساسی اس‌شان (grassroots) مردمان جاهل بیسواد و اعضای بلند رتبه ای اس‌شان عضو استخباراتی پاکستان و انگریزها و امریکا و عرب‌ها بوده بصد افکار و نظریات جدید و مدنی و حقوق زن اند. پلان پیشرفت برای مملکت و مردم نداشته انتخابات را نمی پسندند. به قانون اساسی باور ندارند. ستادیوم سپورت را برای قتل زنان بیدفاع بکار میبرند و بر مردم جبراً ریش با معیار قطی کوکا کولا تقاضا دارند. نماز را به زور به مردم بارها ادا میدارند چون نمیدانند که در اسلام «لا اکره فی الدین» است و «آسان بگیرد و سختگیر نباشد». اگر میدانند و باز هم به ضد تعلیمات قرآنی به خلاف رفتاری میبزدازند؛ از دایره ای اسلام بر آمده توشه ای راه بصوب جهنم برشانه ای خود حمل نموده اند. اینست امر معروف و نهی از منکر که تقدیم کردم و هم:

اگر بینی که نابینا و چاه است وگر خاموش بنشیننی گناهست

ای دل مرو سوی خطر، گر میروی لرزان مباش
از رهبران غافل مشو، از دشمنان ترسان مباش
چون باکسی همراه شدی، از نیمه ای ره برنگرد
چون از پی مردان روی، دیگر ز نامردان مباش

رازق فانی

«شکست شب» صفحه ۵۶ میزان ۱۳۶۳ کابل

قسمت دوم

(از کاودایست تا پیمان فرانسه و جمهوریت دیموکراتیک ویت نام)

فرانسوی ها از حرکت ملی خواهانه ای سری جوانان ویت نام یکنوع تشویش داشتند. برای اینکه آنها و اجتماع را به جبهه ای دیگر متوجه سازند طرح مذهب جدیدی را توسط یک ویت نامی دوستدار فرانسوی ها آغاز نمودند. طوریکه، حاکم یک ناحیه ای تصدی فرانسوی بنام نگو وان شیو (۹۰) Ngô Văn Chêiu که از سال ۱۸۷۸ تا ۱۹۳۲ میزیسته در کوچین چین که بهترین علاقه ای تجار تی برنج است و فرانسوی ها به شغل های متعدد در آنجا مصروف بودند الهام میگیرد که او چشم مقدس Cao Đài عالیترین قدرت، خالق کائنات و رب النوع را در سال ۱۹۲۰ م دیده است و خود را از اولین پیروش در سال ۱۹۲۱ م قلمداد نمود. بعداً در سال ۱۹۲۶ م مردی که قراردادی فواید عامه و عضو «قونسل کالونی» بنام لو وان ترونک (۹۱) Lê Văn Trung بود که از ۱۸۷۶ تا ۱۹۳۴ م میزیسته این سکتور مذهبی را تعمیم بخشید و پیروانش کاودایست Cao daist نام گرفت. در ظرف چهار سال این مؤسسه ای مذهبی سه صد هزار پیرو پیدا کرد. ولی بعد از مرگ «لو وان» در نوامبر ۱۹۳۴ م آن «اورگنائزیشن مذهبی» به یک گروه فعال سیاسی و نظامی به مفاد فرانسوی ها مبدل گشت. در سال ۱۹۷۵ م یعنی بعد از امضای صلح پاریس اورگنائزیشن کاودایست ها لغو گردید؛ قسمیکه شرکت شرق الهند بعد از شکست سکه های مرهته توسط احمد شاه درانی (سدوزایی) لغو شد.

طالب ها با ۲۰ - ۳۰ هزار پیرو یا ملیشه ای معاشخور (missionary) داشته که به نام یک اورگنائزیشن مذهبی هستند اما نه مذهبی! چون از قرآن مجید و احادیث نبوی ﷺ پیروی ندارند. رهنمای شان پاکستان، انگریزها، روسیه، چین، اعراب و امریکایی ها بوده این ها اند که امور مالی تسلیحاتی و سیاسی شان را انکشاف داده تنظیم می بخشند؛ نمیدانم چرا «توکلنت علی الله» را فراموش کرده اند؟ این گروه مردمان

صلح نه بلکه قهرمانان قتل و کشتار اند و میخواهند با اسم «امارت» دولت اسلامی در مقابل جمهوریت اسلامی افغانستان، ترمرد نمایند.

انگریزها با برقراری در سرزمین هند در مقابل فعالیت های ترقی خواهانه ای شاه امان الله از توطئه ای مذهبی کار گرفت و افغانستان را به تباهی کشانید. همینطور وقتیکه علما و مدرسین مدرسه ای اسلامی در اغتشاش ۱۸۷۵م بعد از کشتن انگریزها توسط یک عسکر بنگلادیشی شرکت نمودند به مظاهرات پرداختند که متأسفانه اغتشاش با قتل عام و ناکامی شان پایان یافت. بعداً با دارالعلوم دیوبندی در سال ۱۸۶۶م سیستم ندریسی اسلامی را شروع کردند تا از نفوذ مسیحیون تازه وارد و روش زندگی غربیان مسلمانان را به امن نگه دارند؛ شعار شان «السنة والجماعة» بود. امروز، از پیروان این مدرسه که در کشتن و خونریزی انسانها مصروف اند و خلاف آیات قرآنی^(۹۲) «همانا هرکسی بکشد نفسی را بدون ارتکاب قتل یا فسادی در زمین پس چنان است که گویی کشته مردم را جمیعاً» که ارشاد شده است عمل دارند؛ از جمله لشکر جنگوی، طالب، تحریک طالبان پاکستان و سپاه صحابه چند نامی است که میتوان ذکر کرد.

طبیعیست که این فعالیت دیوبندی سبب تشویش انگریزها شد و بنام سید احمد خان^(۹۳) یک مرد شاهیدوست (Royalist) انگلیس ها را در علیگرازیالت اولترا پردیش هند برای تاسیس «مدرسة العلوم^(۹۴-۱۵)» حمایت نمودند که در آن با ذکر نام اسلامی مضامین عصری را نیز شامل ساخته به تدریس شروع کردند و سید احمد خان که از ۱۸۱۷ تا ۱۸۹۸م میزیسته، Sir Sayed Ahmad شد^(۹۴). بعداً با کومک آغا خان سوم یا Sir Sultan Mohamed Shah که از ۱۸۷۷ تا ۱۹۵۷م حیات داشت^(۹۵) مدرسه را به دانشگاه اسلامی علیگر یکی از دانشگاه مشهور هند با شعار آیت متبرکه ای قرآنی^(۹۶) «علم الانسان ما لم يعلم» (آموخت انسان را آنچه نمیدانست) است ارتقا بخشیدند. هدف سیاسی جوانان این کالج جدایی مسلمان ها^(۹۶) از هند بوده نام «گهواره ای جدایی مسلمانها» از طرف بعضی ها برای شان لقب داده شده است. ولی در پیشرفت علوم بشری و سائنس و طب در جامعه ای هند خدمات بس مفید به عمل پیاده نموده و از قسمت دوم آیت متبرکه ای فوق از قرآن مجید پیروی کرده اند: «..... وهرکه زنده بدارد اورا پس چنان است که گویی زنده کرده مردم را جمیعاً».

دیده میشود آنهائیکه در قدم اول نوکران انگریز معلوم میشدند باسیاست عالمانه به هدف جداساختن مسلمانها از هند کوشیدند و پاکستان ساختند و میسازند و به بشریت هم به خدمت خود دوام داده بین هند و مسلمان و مسیحی و بودیست و غیره فرقی قایل نشده زیر نام بشریت و انسان دوستی بکار خود دوام داده اند. و آنهائی را که فکر میکردیم برای احیای اسلام و کلتور های فارسی و عربی در هند مبارزه داشتند امروز از انسان کشهای درجه اول و بد نام ترین اند و عراده ای کراچی دهشت و وحشت انگریزها را در هند برای تخریب جوامع اسلامی در قرن بیست ویک به پیش میبرند. این روش نه خدمت به اسلام است و نه به مردم، در حقیقت در بد نامی اسلام که هدف انگریزها و متحدین مسیحی و یهودی شان است هر روز کمک مینمایند.

در ماه فروری ۱۹۲۹م یکی از اعضای کمونستان در هانوی از طرف یک محصل کشته شد (مانند قتل میراکبر خیبر قبل از انقلاب ثور). وقتیکه پولیس به تجسس پرداخت یکتعداد زیاد اسناد «حزب ملی ویت نام^(۹۷)» را که مخفف آن V.N.Q.D.D و از «جبهه ای ملی ویت نام» که از ویت کانگ است متفاوت است بدست آوردند و منتج به حبس تعداد زیاد اعضای شان گردید (حبس اعضای حزب دیموکراتیک خلق افغانستان

توسط حکومت سردار داوود خان) و حزب ملی ویت نام تصمیم گرفت که از شورش مسلح کارگیرد (انقلاب مسلح حزب خلق افغانستان). حزب ملی در ۲۵ دسامبر ۱۹۲۹م تاسیس و در ۳۰ اپریل ۱۹۷۵م منحل گردید؛ ولی میگویند هنوز هم در تبعید فعال هستند.

در ۸ سپتامبر ۱۹۳۲م باوادی^(۵۲) Bao Dai امپراطور جوان بعد از تحصیلات از فرانسه برگشت. در حقیقت این اولین امپراطور تحصیل یافته در تاریخ ویت نام بود که میخواست ویت نام را مدرن سازد. شاهی مشروطه که مردم آمر باشند بنیان گذاشت (اهداف غازی امان الله خان^(۹۸،۹۹) هم بعد از برگشت از اروپا همینطور بود). یک صدراعظم هم داشت اما همه قدرت حکومت داری بدست خودش بود و به کسی دیگر حق نمیداد که در آن قدرت شریک شود (در افغانستان این کار را هاشم خان^(۱۰۰،۱۰۱) میکرد). بلاخره فام کوینه^(۱۰۲،۱۰۳) Phạm Quỳnh که از ۱۸۹۲ تا ۱۹۴۵م حیات داشت و طرفدار شاهی مطلقه بود و زمانی در جریده ای خود از امپراطور انتقاد میکرد صدراعظم مقرر کرد و خود به شکار و عیاشی و شرکت در اجتماعات فرانسوی مشغول گشت (ظاهر خان هم در فرانسه تحصیل کرده پادشاه شد و در وقت سلطنتش افغانستان قانون اساسی پیدا کرد و دانشگاه ها افتتاح شد و امنیت و آرامی بود. اما تا دیر سال کاکاها از حکومت داری بررسی میکردند و از ظلم زیاد و محبوس ساختن و شکنجه دادن مشروطه خواهان و دانشمندان، همه ای فامیل نام بد و شهرت بد کمایی کردند).

پیروان تروتسکی (لیون تروتسکی^(۱۰۴)) یکفرد انقلابی، مارکسیست، تیوریست و سیاستمدار روسیه ای شوروی بود که نتوانست با ضدیت بمقابل ستالین موفق بدر آید. تروتسکی بر روز ۲۱ اگست ۱۹۴۰م در مکسیکو سیتی، مکسیکو به قتل رسید وی در سال ۱۸۷۹ تولد یافته است) در سال ۱۹۳۲م در سیگون تحت قیادت یک محصل جوان که از فرانسه برگشته بود و بنام تا توتاو^(۱۰۵) (Ta Thu Thâu) شهرت داشت و از ۱۹۰۶ تا ۱۹۴۵م حیات داشت، جمعیتی تاسیس نمودند ولی در همان سال از طرف پولیس مسدود گردید. یک سال بعد در فروری سال ۱۹۳۳م با یک آجندای رسمی حزب قانونی را تشکیل دادند و هدف شان «تعلیم کارگران» بود و هفته نامه ای زیر نام «La Lutte» یا «مبارز^(۱۰۶)» را نشر میکردند. در انتخابات بلدییه ای سال ۱۹۳۳م دو نفر از حزب شان موفق شدند. تا توتاو، در اکتوبر ۱۹۴۵م در یک اغتشاش گرفتار و با صدها نفر به قتل رسید. در یک روایت دیگر ۱۷٪ رای را گرفتند اما چوکی برایشان در قونسل داده نشد.

در کابل یکی از مشروطه خواهان داکتر عبدالرحمن محمودی^(۱۰۷) فارغ التحصیل اولین دوره دانشکده ای طب کابل بود که با میر غلام محمد غبار در دوره ای هفتم شورا وکیل شدند داکتر محمودی مبارزات دامنه دار با نشر «ندای خلق^(۱۰۸)» دوام داد که به مذاق دولت برابر نبود و جریده ای ندای خلق بعد از چندین شماره که به سیستم گسستنر طبع میشد، مسدود گردید. محمودی یک هفته قبل از مرگ او در شفاخانه ای علی آباد زمانیکه محصل طب بودم بستر بود فکر میکنم در شفاخانه جان به حق سپرد و مردم کابل را سوگوار ساخت، حکومت به جز فامیل محمودی دیگران را اجازه ای شرکت در مراسم تدفین و ترحیم وی نداده بود.

بین سال های ۱۹۳۱/۳۲ «حزب ملی ویت نام^(۱۰۹)» به چین عقب نشینی نمودند و تحت نظارت کومینتانگ^(۸۹) در نانکینگ جابجا شدند. این دو کمونست برای یک مقصد با هم یکجا شده بودند: هر دو از فرانسه نفرت داشتند (مانند نفرت طالب از غنی و نفرت مردم از هردوی شان). بناء مراکز تعلیماتی و تبلیغاتی در طول سرحدات شمالی تونکین تاسیس نموده با وجود تعقیب پولیس با این محراقها در ایالت «تونکین» به فعالیت خود دوام میدادند (مانند نفرت علنی پاکستان از تاجکان و ایجاد مراکز جاسوسی و سرمایه گذاری در طول سرحدات شرقی افغانستان با ترویج پول کدار)

بروز ۲۷ دسمبر ۱۹۴۰م جاپانی ها به اساس موافقت نامه ای ۲۲ دسمبر شروع به حرکت بصوب هیفانگ Hai Phong نمودند که در حقیقت «تهاجم خموشانه» جاپانی ها در هندو چین بود (مانند نفوذ آی اس آی از طریق طالب در افغانستان که صورت گرفته و دوام دارد).

بروز ۸ سپتامبر ۱۹۴۱م Nguyễn Ài Quốc (هوچی من^(۱۰۹)) در محضر عام در تونکین اعلام نمود که یک حرکت ملی جهت «جنگ با فاشیست های جاپانی و فرانسه» تا به وقت آزادی ویت نام که بصورت ساده «ویت من^(۱۱۰) Viet Minh» گفته میشود، تنظیم داده است. ویت من، در ۲۵ اکتوبر اولین اعلامیه ای عمومی خود را بسمع همگی رسانید که حاوی مطالب ذیل بود: «ویت من، متوقع است که تمام احزاب اجتماعی، همه واحد های انقلابی، همه اقلیت ها یکه بحد عناصر فاشیستی فرانسه با هم همکاری دارند، متحد شوند؛ زیرا، اهداف فرانسوی ها تخریب، استعمار و امپریالیزم فاشیستی است». هدف هوچی من (ویت من) تاسیس «جمهوریت دیموکراتیک ویت نام» بود. درینوقت ویت نام متشکل از سه مملکت یا سه Bo بود: Bac Bo یا تونکین، Trung Bo یا انام و Nam Bo یا کوچین چین. (و اما زمامداران خاین ملی افغانستان، پاکستان را که از مردم ما نفرت داشتند برادران نامیدند و از نفوذ شان چشم پوشی کردند و به طالب موقع دادند تا ادعای امارت اسلامی در مملکت جمهوری اسلامی افغانستان نمایند). فرانسه در ۸ دسمبر ۱۹۴۱ از طریق کمیته ای لندن به «جاپان اعلان جنگ» داد که «جنگ اول هندو چین^(۱۱۱)» است.

تحت رهنمایی یک قانوندان جوان ۳۳ ساله بنام Pham Ánh که وزیر جوانان مقرر شده بود و معاون او که Ta Quang Buu (بزبان پیتنامی معلومات داده شده) نام داشت فعالیت های جوانان را مخصوصاً در کوچین چین تحت رهنمایی یک داکتر طب بنام Phạm Ngọc Thạch (امروز تحت این نام دانشگاه طب^(۱۱۲)) در هوچی من سیتی وجود دارد و در باره ای خودش بزبان ویتنامی معلومات نگاشته شده است) حمایت نمود و انکشاف داد. اورگنائزیشن شان اسم «جوانان عاقبت اندیش» را که خلص آن T.N.T.P بود انتخاب کرد.

«حزب دیموکراتیک خلق^(۱۱۳)» در افغانستان در یک کنگره ای حزبی به اثر پیشنهاد داکتر نجیب^(۱۱۴) به «حزب وطن» تبدیل شد و بعد «سازمان جوانان» و «جوانان پیشاهنگ» برای جذب آنها بوجود آمد (تماس شخصی). وزارت اطلاعات و فرهنگ تحت قیادت سید مخدوم رهین^(۱۱۵) شعبه ای جوانان داشت که در راس آن یک معین مؤظف بود ولی جوانان نظر به بیکاری و شرایط نامناسب زندگی راه گریز را به امید آینده ای بهتر در پیش گرفتند. متأسفانه عده ای کثیر شان غرق دریای مدیترانه گردید و یا در ایران به بهانه های مختلف بدار آویزان شدند. امید جوانان افغانستان برخیزند و بیدار شوند و راستی افغانستان عزیز را ستاره ای آسیا بسازند و وطن را از شر فسادکارن اداری و اجتماعی و جاهلان انتحاری دوست و مسلمان کش پاک نمایند.

در روز ۲۰ اگست ۱۹۴۵م قدرت به «ویت من» رسید و بروز ۲۱ اگست کمونسست ها در قریه ها و شهرها عمارات دولتی را متصرف شده سیاست را بدست گرفته با انجمن محصلین یکجا شدند و در ۲۴ اگست سال ۱۹۴۵م در اثر فشار کابینه Bảo Đại (امپراطور) مخصوصاً به مشوره ای مشاور ارشدش Phạm Khắc Hòe (به زبان ویت نامی معرفی شده است) تصمیم به تبعید گرفت تا در برابر حصول خود ارادیت کشورش مانعه ای ایجاد نشود (ظاهر خان بزور شوهر همشیره اش داوود خان در یک کودتا مجبور به تبعید شد).

تغییر رژیم به آسانی صورت گرفت و تعبیه ای رژیم انامی مردم را نوید آرامی و آزادی میداد. ولی با تغییر رژیم عصر انقلاب نیز آغاز گردید. ویت من تمام کدرهای خود را برای تقویت جنگ گوریلابی از بین برد تا در مقابل فرانسوی ها آماده ای دفاع از خود باشند.

در هر دفتر ویت من، جوانان ویت نام مفرر شد. در مکاتب آموزش زبانهای فرانسوی و انگلیسی نسبت با لسان جاپانی تشویق میشد. درینوقت دانشمندان چیز فهم همه محبوس بودند به استثنای احزاب کمونستی و احزاب سیاسی مربوط به آنها (خلق و پرچم تا توانست، متعلم، محصل، دانشمند و استادان را به قتل رسانیدند). کابینه از یکسوم مشکل عدم موجودیت مردان مجرب و با استعداد و کار فهم داشت (خلقی ها و پرچمی ها این مشکلات را نداشتند زیرا مشاورین متعدد روس آنها را درامورملکی و نظامی و اکادمیک کمک و رهنمایی میکرد) و از جانتب دیگر مشکل پروپاگندهای استخبارات جاپان^(۱۶) که Kenpeitai (کینپیتای) نام داشت و طرفداران شان بصد فرانسه بوده نفرت را بین «زرد و سفید» دامن میزدند (مثل تفرقه اندازی پاکستان بین پشتون و غیرپشتون) روبرو بودند.

واما واحدیکه بقدرت بود یکنواخت نبود. کمیته ای آزادی خواهان، متشکل از یونت های مختلف بود. یکی، گروه کمونست های «محافظین قدیم» و رفقای هوچی من کسانی بودند که سالهای زیاد در چین، روسیه و در هندوچین فعالیت های سیاسی داشتند و اکثراً جنجال برانگیز و ضد فرانسه بودند و آنهائیکه از ماسکو آمده بودند تعداد شان به ۶۰ نفر میرسید. گروه دومی، معلمین مکاتب و کدرقانونی حزب کمونست وابسته به جمهورخلق بودند؛ این گروه در باره ای ویت نام معلومات کافی داشته بسیار کم خارج از وطن سفر کرده فقط هنگام جنگ در چین چند مدتی سپری نموده بودند، لاکن برای جنگ های دوامدار و سری آماده نبودند. گرچه که اکثراً مارکسیست بودند ولی در کلچر فرانسوی تربیه شده و فرانسه برایشان دشمن ارثی نبود. (طالب هم میخواد موقعیت خود را بدون قطع رابطه با پاکستان، روسیه و چین دوام داده پلان شان طوربست که اگر همه عساکر امریکا و ناتو از افغانستان خارج نشوند بصد آنها برای سالهای متمادی جنگ را دوام میدهند). و جماعت سومی، گروهی حاصلین بود که یکتعداد شان تکنالوجست بوده تحصیلات فرانسوی داشتند و مربوط حزب دیموکرتیک هوچی من بودند. ولی این سه گروه باهم مساوی نبوده همه قدرت بدست کمیته ای عالی مرکزی و پولیتبورو قرار داشت.

در اواخر اگست سال ۱۹۴۵م بود که چینایی ها با چهار قشون عسکری^(۱۷) خود و با ستون های پیاده و سوار چون قشون چنگیز داخل شهر تونکین شدند. ویت من آنها را دوست خود گفته به آغوش باز استقبال نمودند. هوچی من پلان داشت تا توسط چین اول جاپان را خلع سلاح کند، بعد توسط فرانسه چین را از ویت نام خارج سازد و در اخیر از فرانسه به نعقیب رسیدن به آرزوی خود ارادیت، استقلال بدست آرد. (قشون روسیه را کمونستها نیز رفیق خود میگفتند که به مرگ حفیظ الله امین رفاقت تمام شد و اگر خداناخواسته امارت طالبی موفق شود پاکستانی ها را چون دوست خود در داخل خاک افغانستان استقبال خواهند کرد).

در زمان تهاجم چینایی ها در ویت نام فقر و فاقگی بحدی رسید که مردم جواهرات و کالا های خود را برای یک قرص نان میفروختند. تمام سرکها با علامات و کرکتر های چینایی مستور بودو هونل ها ، سینما ها تجارت و هرچیز مورد علاقه ای شان قرار گرفته بود، مال خود میساختند. هانوی روز بروز مانند یک شهر چینایی شکل میگرفت.

گرسنگی زمان جنگ های داخلی در کابل و دیگر ولایات بعدی رسیده بود که مردم طفل خود را می فروختند و پروفیسورها گدایی میکردند. اکنون شهرهای سرحدات شرقی و جنوبی روز به روز مانند شهرهای پاکستان میشوند. حکومت بیکفایت نظر به مفاد شخصی مانند فرانسوی ها در کوچن چین هیچ اقدامی جهت جلوگیری ازین تهاجم نکرده است حتی در زمان کمونست ها این نوع گرسنگی و چنین بی تفاوتی وجود نداشت.

اجنت سیاسی چین بنام سیاو وین^(۱۱۷) Siao Wen یک شخص مشهوریست که فعالیت های او بین سال های ۱۹۴۲ - ۱۹۴۴م نزد چینیایی ها قابل تذکر و اهمیت است. این مرد قصیر الاندام وظیفه داشت تا هرچه زودتر «هدف حرکت ملی» را براه بیاورد تا ویت نام تحت نفوذ چین درآید و (برای پاکستان این کار را یک تعداد لیبران پشتون کردند و خان عبدالغفارخان رول عمده داشت) برای رسیدن به این هدف «وین» بحیث «چیف خدمات سیاسی سری قشون متهاجم چین» مقرر گردید. «وین» به هوچی من مشوره داد: **«زمانیکه پیمان به مرحله ای اخیر رسید، باید از طرف یک حکومتی که نظریات سیاسی تمام اقشار را نمایندگی کرده بتواند امضا شود نه فقط توسط چند نفر هیأت ویت من».**

اگر طالب هوشیار میبود و استادان زیرک میداشت اول موضوع را با اشرف غنی^(۱۱۸) که تا کنون به ساز شان رقصیده بود یک جا تصمیم میگرفت و بعد با امریکایی ها مذاکره را شروع مینمود. اشرف غنی در وقت دولتداری خود با طالب کمک های فراوان بشمول رهایی هزارها محبوسین شان نمود و برای منع عملیات قوای امنیتی بر مواضع عملیاتی شان، اوامر صادر میکرد. داکتر نجیب به افغان و پشتون خود اعتماد نکرد و به چه سرنوشتی دچار شد. طالب بگفته های استخبارات پاکستان سرخم میکنند و با برادران خود در حکومت افغانستان مذاکره نمیکند ولی با کومک پاکستان با امریکا موافقت نامه امضا میکند که شرم آور است.

در اثر سهل انگاری جاپانی ها که مسؤول نگرهبانی مواضع فرانسوی ها بودند صد ها نفر شورشیان انامی در ساحه نفوذ نموده محل رهایش اروپایی ها را در، ارج، شهر Herault به تصرف درآورده در روز ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۴۵م سه صد نفر Eurasians را اختطاف نموده ۱۵۰ نفر را به قتل رسانیدند (دراثر سهل انگاری و حکومتداری ناکام غنی داعش و طالب این نوع اعمال ظالمانه را بارها مرتکب شده دوام میروند).

بروز ۵ اکتوبر ۱۹۴۵م جنرال لو کلیر^(۱۱۹) Le Clerc فرانسوی به سایگون رسید و با استقبال گرم پذیرفته شد. او در جریان گفت و شنودی که بین کمونست ها و فرانسوی ها روان بود اعتنا نکرد. این جنرال عقیده داشت که: **«ویت نامی ها آنقدر به فرانسوی ها ضرر رسانده اند که برای صلح جای نموده است».**

طالب ها هم آنقدر ظلم و ستم و ضرر مالی و جانی و معنوی به مردم افغانستان رسانیده اند که جای برای مصالحه نموده اند. حتی در حین مذاکره با امریکایی ها عسکر شان را به قتل رسانیدند که به اساس آن نرمپ ملاقات را با ایشان رد نمود. بعداً قتل عساکر امریکایی باز صورت گرفت و این بار نظر به ضروریات سیاستمداران قصر سفید، امریکا حاضر به موافقت خروج تدریجی عساکر خود از افغانستان شد. بعضی ها این موافقه را شکست امریکا در برابر تروریست قلمداد کرده اند.

جنرال لوکلیر پلان داشت تا از مردم انام یک بلاک طرفدار فرانسه جهت مقابله با ویت من مهیا سازد و هنگام ضرورت با قوای نظامی و مردمی تفوق فرانسوی را برقرار سازد. پاکستان هم یک بلاک ضد مردم افغانستان را با گروه طالبان تشکیل داده و از آنها به مقابل و طرفداران و خواهران و برادران شان استفاده میکنند، اما کجاست شعوریکه درک کند؟ متأسفانه اکنون که موافقت نامه امضا شد؛ پاکستان بار منت خود را بر دوش طالب و امریکا نهاد. وزیر خارجه اش قبل از امضای موافقت نامه در برابر خبر نگاران اظهار داشت که: «بدون کومک پاکستان نه طالب و نه امریکا به این مرحله میرسیدند» این امکانیت بیشترتر میگردد و تقاضا های پاکستان از امریکا سیر ارتقایی میگیرد.

گروپ کلونل جکی ماسو^(۱۸) Jaques Massu هم رسید. انگریزها قرار و عده وسایل ترانسپورتی ضروری را در Kandy (شهر کلان در مرکز سری لانکاست، سیلون سابق) تحویل دادند و خود از صحنه خارج شدند. لوکلیر، پلان چیف آف ستاف خود را که تهیه کرده بود پسندید و تائید کرد. این پلان دو هدف داشت؛ هدف اولی این بود که مقر کمیته ای ویت من در کمبودیا اشغال شود تا بتواند مواد ضروریه را بدون مشکلات به سیگون برسانند. هدف دومی تصرف مرکز کاودایست ها بود که سبب اخلال در فعالیت جبهه ای ملی شده میتوانست. بلا تأمل عملیات آغاز گردید و بروز ۸ نوامبر کاودایست ها از مقاومت صرفنظر کردند و راه بطرف کمبودیا باز شد.

در ماه نوامبر ۱۹۴۵ در انام جنوبی ۷۴٪ مردم طرفدار فرانسه بودند و آرزو داشتند که با عدم روش خشونت آمیز زودتر به هدف «خود ارادیت» خود نایل آیند. امروز هم کلمه ای «تتقیص خشونت» تیر دشمن مردم افغانستان را به هدف رسانید!

در افغانستان احصائیه صحیح در دست نیست اما از شواهد بر میآید که اکثریت مردم طرفدار امریکایی و ناتو اند تا از شر پاکستان و طالب وداعش به امن باشند؟؟ ولی به اساس موافقت نامه ای امریکا با طالب عساکر امریکا افغانستان را به تدریج ترک می نمایند و باید مردم افغانستان برای دفاع در مقابل تجاوزات پاکستان و طالب ظالم آمادگی داشته باشند. ترمپ عقیده دارد: «با برآمدن عساکر امریکا از افغانستان، طالب قدرت را بدست میگیرد؟؟؟». در عین زمان، اعلامیه ای مشترک امریکا و روسیه امارات اسلامی را نمی پذیرد.

قوای ماسو بطرف شمال بحرکت افتاد و به سرزمین Moi رسید. مردم آن که در عمق جنگل پنهان بودند هر روز دانسته و یا نا دانسته حیات خود را بیشتر کوتاه میساختند. در روز اول دسمبر حرکت بسوی حوالی دور دست «موئی» که منبع ذخایر تسلیحاتی ویت من بود آغاز یافت و در نبرد^(۱۲۰) که بنام نبرد Ban Me Thuot (بزرگترین شهر سرزمین های مرکزی ویت نام جنوبی) شهرت دارد این محل را به تصرف درآورده به انام و کوچین چین یکجا نمود.

در حوالی دسمبر ۱۹۴۵م در شهر هانوی (در شمال) قانون نبود مبارزات دوامدار تسلیحاتی بحد ویت من (کمونست) ها و متحدین شان ظهور نموده بود. هر حزب قوای نظامی خود را مهیا می ساخت. هر حزب قوای ضربوی، چورو چپاول و زورگویی خود را داشت (گلبدین، وحدت، دوستم، ستر جنرال عطا محمد نور، وکلا، سناتور ها و طالب همه تاکنون قوای دهشت افکن زیر نام بادی گارد و غیره دارند که از بودجه ای دولت و مالیات مردم زحمت کش معاش میگیرند در حالیکه طفلکان کابل از گرسنگی بر خوراکه ای عقب و پتیرین لب نهاده بفکر طمع آن مزه ای رویایی دارند).

بروز ۱۹ دسمبر ۱۹۴۵ م قوای پیاده نمبر شش به شهر Nha Trang جاهیکه نیم ملیون فرانسوی سکونت داشتند و معروض به خطر ویت من بودند جهت حمایت شان موصلت ورزید. واما قوای ماسو در Khanh Hoa (سواحل مرکزی در جنوب) ناکام بود. در Đà Lạt به جاپانی ها که اکنون تحت نظارت فرانسوی ها بودند وظیفه داده شده بود که از فرانسوی ها معروض به تهدید حمایت نمایند که وظیفه ای خوب انجام دادند.

در جنوب، قوای پیاده ای ششم از Vinh Long (ولایتی است در دلتای دریای میکانگ) بطرف جنوبغرب حمله نموده شهرها را یکی بعد دیگر به تصرف درآوردند. Ca Mau (جنوبی ترین ایالت ویتنام) آخرین استحکام ویت من در ۵ جنوری ۱۹۴۶ م شکست خورد و به تصرف درآمد.

ویت من مجبور شدند که متفرق شده با گروپ های خورد ملاقات نمایند. درین و وقت قادر به جنگ رویاروی نبودند. جنگ های گوریلابی را آغاز و باعمل انتحاری پل ها سرک ها را سبوتاژ مینمودند (به عباره ای دیگر به استشهاده شروع کردند). چیف های احزاب مختلف مانند حزب استقلال، را از بین بردند (طالب ظالم و القاعده^(۱۲) احمدشاه مسعود، جنرال داوود، پرزیدنت استاد برهان الدین ربانی... و دیگران را یکی بعد دیگر ترور نموده از بین بردند). ویت من، حتی در بین آب های مزرعه ای برنج پنهان میشدند و از طریق پایپ ها هوا میگرفتند. اسلحه و غذا نداشتند. غذای خود را از طریق غذا های زباله که از تایلند میآمد و یا از محلیکه در جنگل اسلحه میساختند تهیه میکردند. کمیته ای عالی نام بو Đông Nam Bộ که منطقه ای جنوب شرق ویت نام است هم به یک جزیره رفتند و تنها کمونست ها باقی ماندند.

با وجود هدایت هانوی که به مقاومت دوام داده شود ده هزار ویت من در جنوری ۱۹۴۶ اسلحه بر زمین گذاشتند (یک تعدد بسیار کم طالب این کار را کرده اند). بروز ۵ فروری ۱۹۴۶ م جنرال لوکلیر فرانسوی اعلان نمود که: « آرام ساختن کوچین چین و جنوب انام تکمیل شد». ولی اصلا پرابلم سیاسی و نظامی در هانوی بود که باید حل میشد.....(پرابلم اصلی افغانستان در پاکستان است!! که باید در آنجا حل و فصل گردد نه در روسیه، هند، ایران، چین و یا قطر).

ویت من، حاضر شد که به فرانسه امتیازات کلتوری و اقتصادی بدهد ولی sin qua non یعنی مطلقاً ضروریست که در مقابل برای ویت نام حق خود ارادیت قابل شوند. اگر پذیرفته شود ویت من حاضر به مذاکره میشود. طالب با امریکا با sin qua non با مفکوره ای امارات اسلامی داخل مذاکره شد ولی تا حال موفق نیستند زیرا این تقاضای مطلق شان مورد پسند مردم نیست؛ در موافقت نامه از امارات اسلامی ذکر شده طوریکه: « امارات اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده به حیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است». ولی یک عضو امور فرهنگی طالب در یک مصاحبه ای تیلیفونی خود با «تگ آسیا» چندین بار از امارات اسلامی افغانستان نام برد. آیا به همان مفکوره میخواهد باز داخل خاک افغانستان شوند؟ امکان دارد و احتمال آن میرود که وعده ها جزء همان متن های موافقتنامه باشد که به آن اجازه ای نشر داده نشده است.

زمانیکه موریس وایل^(۱۹) Maurice Weil رئیس محکمه ای مرافعه در سیگون مقرر شد وی قبل از جنگ اقامت گاه «کونفوجیوس» را که به اساس عنعنه ای سکاتلندی تاسیس نموده بود در آنجا انامی ها و فرانسوی ها ملاقات میکردند (امریکا اقامتگاه قطر را برای ملاقات های طالب و امریکایی ها تاسیس نمود).

گروهیکه از کمونست های قدیم و پیشقدمان حزب بودند و از جمله ای رفقای اولی هوچی من هم بودند برای از بین بردن رژیم موجوده ای وقت هدف داشته میخواستند پروگرام ها و نظام ۱۸۴۱م یعنی امپراطوری را دوباره رویکار آورند (طالب هم میخواهد به نظام قبل از اسلام برگردد؛ انتخاب نباشد، به زن احترام قایل نشود. و سندیوم سپورت برای کشتار زن ها استفاده شود نه برای سپورت...)

هوچی من و حزبش برای آرامش مردم و برای اتحاد در مملکت اقدام نمودند. هوچی من مانند سالهای ۱۹۳۰ خود که حزب را تاسیس نموده بود عقیده داشت که: «تاسیس حکومت با قوای جابر و ظالم ناممکن میباشد». (با تأثر، طالب فکر میکند با کشتار مردم بر آنها امارت تاسیس میکند و حکومتداری مینماید) مردم برای پذیرش چنین حکومتی که بر اساس عنعنه و روحیه ای آن باشد آماده نبودند (عتنه ای دهشت و وحشت با پیراهن و تنبان کوردیپلوماتیک مورد پسند مردم نیست) ولی ویت نام آهسته آهسته بسوی سوسیالیزم که فکر میشد با بنیاد دیموکراسی عیار شده است، روان بود.

هوچی من برای اینکه اتحاد ملی را استحکام بخشد با کتولیک ها از در همکاری پیشآمد نمود. در وقت هوچی من جامعه ای کاتولیک انکشاف یافت تعداد پیروان شان به دو میلیون (۱۰٪ نفوس) رسیده بود. وطندوستی کتولیک ها آشکار بود. بیشاپ ها میگفتند: «کتولیک ها نه تنها حق دارند بلکه مسؤولیت دارند که برای مملکت خود مبارزه نمایند و در عین حال به حضرت مسیح و هم مملکت خود صادق بمانند». هوچی من با قدرت بزرگ چرچ انام، قدرت بزرگ روحانی به مردم بخشید و بروز کرستمس به مسیحیون پیام میفرستاد (اگر حزب کمونست افغانستان این روش میداشت و طالب هم با مردم هزاره و اهل تشیع با سر بریدن ها رویه نمیداشت، ممکن موفق میبودند. نه با ظلم و ستم و نه با قتل عام و نه سوختن مساجد و مکاتب و ویرانی پایه های برق امکان دارد که قلب مردم بدست آورده شود. مردم افغانستان بارها قتل عام شده اما باز از زیر خاکسترها و ویرانی ها سر بلند نموده اند). اصول های مشکل بر مردم وضع گردید و بیشاپ درین باره از عاقبت نا هنجار آن بحکومت هوشدار داد. بدین ملحوظ هوچی من با فرمان نمبر ۳۴ خبر داد: هرکسیکه مراکز کلتوری چرچ ها و یا مناره ای آن صدمه برساند شدید ترین سزا میبیند (طالب ظالم این تظم و صدمه رساندن ها را به مراکز و مساجد اهل تشیع مملکت انجام میدهد، میسوزاند، تخریب میکند و به قتل می رساند؛ دیده شود بعد از امضای موافقت نامه باز چه نوع دهشت و وحشت بکومک پاکستان روی دست دارند).

برای هفته ها جهت طرح پیمان فرانکو – ویتنام (۱۲۲۰۱۲۳) کلمه به کلمه و جمله به جمله بحث و مذاکره صورت میگرفت ولی اکثر آبی نتیجه میماند زیرا طرفین به عین لسان سخن نمیزدند. نماینده فرانسه از سایگون هدایت میخواست. دو طرف با کلمه ای «خود ارادیت» به توافق نمیرسیدند (و با طالب کلمه ای امارات که ب فکر من احتمالاً در یک موافقه ای سری به آن نایل شده اند). نماینده ای خاص فرانسه بروز ۱۸ فروری ۱۹۴۶م به سایگون جهت ملاقات نزد کمشنر عالی سرپرست رسید. نماینده قبلاً بروز ۱۴ فروری به پاریس تیلیفون زده جریان را راپور داده خواسته بود که برای رسیدن به توافق ضروریست که کلمه ای «خود ارادیت» فوراً در پیمان داخل شود. قسمت بزرگ موافقتنامه به پاریس از طریق تیلیگراف بحکومت تقدیم گردید (خلیلزاد رفت و آمد های زیاد به امریکا و دیگر ممالک داشت و پیام ها به وزارت خارجه ای امریکا میفرستاد). چون گرفتن جواب زمان زیاد را در بر میگرفت سر پرست کمشنر عالی به نماینده مخصوص فرانسه در قسمت مذاکره هدایت داد تا پیمان را قبل از ماه مارچ تکمیل نماید (فرانسه پلان حمله بر ویت من داشت و میخواست پیمان تا قبل از فصل بارش و طوفانها که برای سوق و اداره ای کشتی های قوای بحری مساعد نمی باشد هرچه زودتر تصمیم گرفته شود).

بروز ۲۴ فروری ۱۹۴۶م در «قصر موزیم ماورای بحار» چین در حضور Siao Wen (نماینده ای چین) موافقت نامه بین فرانسه و چین تصمصیم گرفته شد Union Government of resistance یا «حکومت اتحادیه ای مقاومت»^(۱۲۴) را بریاست «هوچی من» با ده عضو کابینه تاسیس نمودند و وزیران کابینه هم تصمصیم موافقتنامه را امضا کردند. وزارت خانه ها بین ویت من و حزب دموکراتیک (DCD) و گروه بیطرف تقسیم شد. یک گروه مشاوریت تحت ریاست مشاور ارشد Vinh Thuy (امپراطور Bảo Đại) به شمول مردمان شهیر و مجرب که استعداد مشوره به حکومت داشتند، به میان آمد (فکر میکنم کرزی آرزو داشت به این مقام مشاور ارشد تعیین گردد و چون وی به این توقع اش موفق نشد با رئیس جمهور غنی سردی نشان داد. کرزی به ضد محمد اشرف غنی به پروپاگند شروع و از داکتر عبدالله عبدالله در انتخابات طرفداری کرد). در عین زمان، نشنلست ها هم به ویت من، پیوست. بروز ۲۶ فروری ویت من اعلان کرد که مواد مندرجه ای موافقت نامه را بعداً نشر میکنند.

داکتر نجیب کوشید با مجاهدین یک جا شود اما موفق نشد. وی ملاقات های سری با نماینده های مجاهدین در شهرهای مختلف لیبیا و عراق داشت. به احمدشاه مسعود وزارت دفاع را پیشنهاد نمود که نپذیرفت. نجیب میخواست مجاهدین در چوکات حکومتش با او یکجا شوند و یکجا روند مملکت داری به پیش ببرند (تماس شخصی). متأسفانه، اشرف غنی هم میخواست طرح ناکام داکتر نجیب را تکرار نماید و میخواست داکتر عبد الله عبدالله تحت زعامت او استخدام شود که تا حال مؤثر نیافتاده است.

بروز ۲۵ فروری ۱۹۴۶ رئیس هوچی من امکانیت مذاکره ای مستقیم بین فرانس و ویت نام را با نماینده ای فرانسه بحث کرده خاطر نشان ساخته بود که: موقف ویت نام «خود ارادیت و همکاری» است. نماینده فرانسه اظهار داشت: فرانسه حقیقتاً میشناسد و معتقد است که: ویت نام حق حکومتداری، یک پارلمان، یک سیستم سرمایه گذاری، اقتصادی و نظامی را که به اتحادیه ای فرانسه پیوند داشته باشد. (پاکستان میخواست از طریق طالب، افغانستان را با شرایط فوق جزء لر و بر خود سازد) همچنین موضوع نمایندگی در ممالک خارج را تحت بحث قرار دادند. هر دو جانب موافقه کردند که ضروریست تا یک فضای رفاقت آمیز و دوستانه قبل از شروع مذاکرات بعمل آید تا مذاکرات بیک نتیجه ای خوب پایان یابد. شرط دیگر برای شروع مذاکرات اعلان آتش بس از طرف همه جبهات بود.

طالب عوض ایجاد فضای دوستی با امریکا با کشتار خود دوام داده عسکر امریکا را به قتل رسانیدند. امکان دارد در حالیکه مذاکره ای صلح در میان بود ISI پاکستان این حمله را قصداً بر عسکر امریکا طرح ریزی نموده باشد تا مبادا صلح و آرامی در افغانستان که به مفاد شان نیست به میان آید. بدیعیست که پاکستان در ظاهر همکاری و صلح برای افغانستان در جوامع بین المللی بیان میدارد که راستین نیست و طالب نباید به آنها اعتماد کند. حال یک فضای شناخت طالب تولید شده از موقع استفاده نموده فقط با دولت افغانستان داخل مذاکره شوند و آتش بس اعلان کنند و به مشوره های پوچ پاکستانی وقعی نگذارند.

بروز ۲۸ فروری سال ۱۹۴۶م «موافقت نامه ای چین و فرانس» امضا شد. فرانسه قیمت زیاد پرداخت تا حاکمیت او بر ویت نام از طرف چین شناخته شود (آیا امریکا چنین یک تفاهم سری با پاکستان از طریق طالب دارد که حاکمیت افغانستان را به پاکستان محول سازد؟). فرانسه از امتیازات خود در شانگهای، تیینتسین، هانکو، و کانتون گذشت. فرانسه «کوانگ چیو» را تسلیم نمود، خط آهن یوننان Yunnan را به چین به فروش رسانیده تحویل داد. هکذا، برای چین در هندوچین فرانسوی تسهیلات زیاد قایل شد..... (اینست راه

داد و گرفت در مذاکره و فرانسه همه ای این تسهیلات را از خاطر موفقیت پلان عملیات نظامی شان قبل از ۳۱ مارچ پذیرفتند). ولی به اجنت ها اعتماد شده نمیتواند....

هوچی من که حمایت چینی ها را تمنا داشت و از طرف اجنت چین از موافقتنامه ای چین و فرانسه اطمینان داده شده بود فکر میکرد ستاف چین زمینه را تا موافقت «خود ارادیت» ویت نام از طرف فرانسه زمینه را برای فرانسویان مشکل میسازد ولی عکس العمل چینی چنین بود که: آنها کنترل همه چیز را در دست ندارند. «کنفرانس مقدماتی» برای موافقت نامه ای فرانسه و ویت نام بروز ۶ مارچ ۱۹۴۶م آغاز گردید. هیأت هایی از دو جانب در کنفرانس شرکت نمودند: از طرف حکومت جمهوری فرانسه نماینده ای شان موسیو سینتینی^(۱۲۵) Jean Sainteny در ویت نام، هیأت کمشنر عالی فرانسه تحت کمشنر عالی فرانسه ادمیرال جارج تییری دانجیلو^(۱۲۶) d'Arginlieu که از ۱۸۸۹ تا ۱۹۶۴م میزیسته رسماً از جمهوریت فرانسه نمایندگی داشت. از طرف ویت نام به نمایندگی از پرزیدنت هوچی من و هیأت مخصوص شورای وزرا فو هانگ خان^(۱۲۷) Vū Hông Khanh که از ۱۸۹۸ تا ۱۹۹۳ حیات داشت حصه گرفته بود، روی موضوعات مورد علاقه بحث نموده مسوده ای به امضای هیأت عالی رتبه تهیه نمودند که بنام «پیمان فرانسه و جمهوریت دیموکراتیک ویت نام» و هم «موافقت نامه ای هوچی من و سنتینی» نیز یاد شده است؛ شامل ماده های ذیل بود:

۱- حکومت فرانسه آزادی دولت جمهوری ویت نام را می شناسد که دارای حکومت، پارلمان، عساکرو سیستم سرمایه گذاری خود بوده جزء از فیدریشن هندوچین و اتحادیه ای فرانسه باشد. تذکر باید داد که «سه مناطق انامی» یعنی کوچین چین، انام و تونکین باید باهم یکجا شوند. حکومت فرانسه خود را متعهد میداند تا تصمیمی که از طریق مشوره ای آرای مردم در ریفریندم حاصل میشود، پیمان را تصویب کند.

۲- حکومت ویت نام باید زمانیکه به اساس موافقت نامه ای بین المللی قشون فرانسه جای قشون چین را میگیرد اعلان کند که: آماده است با احترام و آغوش باز از قشون فرانسه استقبال می نماید. یک پیمان متمم به این موافقت نامه ای مقدماتی اضافه خواهد شد تا وسیله ای که چگونه توسط آن عملیات عوض نمودن قشون اجرا گردد، بمیان آید.

۳- تشریحاتی که در بالا طرح گردیده است، به مجردیکه بین گروه های عالی مقام موافقت کننده، رد و بدل شد و امضا گردید، فوراً در معرض اجرا قرار خواهد گرفت. همه ای معیارات ضروریه جهت توقف خشونت ها در حوزه به میان آمده، دوام عساکر در مواضع مربوطه ای شان فعال شده، یک فضای رفاقت آمیز و صمیمی جهت آغاز مذاکرات که ضروریست، باید ایجاد شود. این مذاکرات مخصوصاً در موارد ذیل بحث میکند:

الف- روابط دیپلوماسی ویت نام با ممالک خارجه.

ب- قانون آینده ای هندوچین.

ج- علایق کلتوری و اقتصادی فرانسه در ویت نام.

هانوی، سایگون ویا پاریس برای کنفرانس آینده انتخاب شده میتواند.

محل امضا: هانوی ۶ مارچ ۱۹۴۶ م
امضا کنندگان: سنتینی (از طرف فرانسه)
هوچی من و فوهانگ خانه (از طرف ویت نام).

ضمیمه:

پیمان مقدماتی که بین جمهوریت فرانسه و حکومت ویت نام و پارتی هائیکه درینجا مؤظف اند چنین درک شده است که:

۱- تعویض عساکر مشتمل است بر:

الف- ده هزار ویت نامی ها با افسران شان که تحت قوماندانده ای آمران نظامی ویت نام اند.

ب- پانزده هزار فرانسوی بشمول قوای فرانسه که در سرزمین ویت نام در شمال موازات ۱۶ موقعیت دارند؛ این یونت ها باید متشکل از مردان فرانسوی الاصل از وطن مادری به استثنای عساکریکه اکنون محبوسن جاپانی را محافظت میکنند، باشد. تمام قوا تحت قوماندانی جنرال فرانسوی و معاونیت افسران ویت نامی میباشند. پیشرفت، تطبیق و استفاده از این قوا در طول کنفرانس بدوش ستاف های دوجنرال تا پیاده شدن قوای فرانسه محول میگردد.

۲- عناصر فرانسوی به سه یونت مؤظف میشوند:

الف- یونت مسؤل محافظت محبوسین جاپانی. در ظرف ده ماه وقتیکه وظایف این یونت به پایان رسید این یونت رخصت میگردد.

ب- یونت مؤظف دوام نظم با همکاری قوای ویت نامی بوده امنیت سرزمین ویت نام را بدوش میگیرند هر سال ۲۵ فیصد توسط قوای ویتنامی تنقیص داده میشوند و وظایف شان در ظرف پنج سال تکمیل میگردد.

ج- یونیتی که مؤظف به دفاع از قرار گاه های ویت نامی بودند به قشله هایشان فرستاده میشود. زون واحد های نظامی برای شان تعیین و توضیح میگردد.

۳- حکومت فرانسه وعده میدهد که محبوسین جاپانی را به مقصد نظامی استعمال نمیکند.

بروز ۶ مارچ سال ۱۹۴۶ در هانوی امضا شد.

امضا کنندگان: سنتینی، سالان (Sainteny, Salam)

فو نگوین گیاپ (Vo Nguyen Giap)

در حوالی شفق دم صبح روز ۷ مارچ عکس العمل ها با غال مغال ها به صدا درآمد. اعلامیه ای که هنگام شب بین هوچی من و سنتینی فرانسوی امضا شده بود از طریق رادیو پخش و دفعتاً ویت نامی ها را سرسام آراز خواب شیرین بیدار ساخت. این دو نفر نزد مردم با مورال دشمنان توجیهه شدند. ابلاغیه از مردم تقاضا داشت تا از «عساکر فرانسوی دوستانه استقبال نمایند زیرا آنها قرار پیمان بین المللی جهت خلع قشون چین در ویت نام آمده اند».

خوشبختی اگر خواهی، از خواب گران برخیز
همگام ز جهد خود، با دور زمان برخیز
از موج خروش آموز، آماده ای طوفان باش
چون سیل هجوم آور، آری تو چنان برخیز
در روشنی عرفان، بر جهل و شقاوت تاز
در رشته ای علم و فن، فوق همگان برخیز
از صاعقه سبقت گیر، بر تیرگی غالب شو
چون رعد ز سوز دل، فریاد زنان برخیز

الحاج سید امیر انصاری
دیوان اشعار، صفحه ۱۴۲ سال ۱۳۹۳ شمسی

قسمت سوم

(خطابه ای گیاپ تا فریندم تقلبی در ویت نام جنوبی)

هوچی من، نظر به تحولاتی که رخ داد وقت نیافته بود تا موافقه ای همه احزاب را بدست بیاورد. ولی ویت من وقت راضایع نساخت؛ در بعد از ظهر ۷ مارچ با اتحاد جمع غفیری در برابر تیاتر جاهیکه هوچی من و حکومت او دلایل امضا کردن پیمان را به مردم شریح میکردند شرکت نمود. تقریباً صد هزار نفر جمع شده بودند. گیاپ که نام مکمل آن Võ Nguyên Giáp است بحیث بزرگترین سترانتیژیست نظامی اوایل قرن بیست شناخته شده است در چندین عملیات های نظامی و کنفرانس های تاریخی شرکت نموده یک ژورنالیست مجرب هم بود که مضامین زیادی را در قید تحریر درآورده است. تعلیمات نظامی نداشت معلم تاریخ در اکادمی فرانسوی زبان بود و به حیث وزیر داخله ای هوچی من، قوماندان نظامی ویت من، قوماندان عسکری مردم ویت نام و وزیردفاع ویت نام ایفای وظیفه نموده است و در ۲۵ اگست ۱۹۱۱م تولد و در سال ۲۰۱۳م به عمر ۱۰۲ سالگی وفات یافته، به سخنرانی آغاز نمود(۲۳).

شهیداحمد شاه مسعود قهرمان ملی افغانستان یکی از بزرگترین لیدرهای گوریلای قرن بیست شناخته شده است وبا جوسف بروز تیتو، هوچی من و شیگوارا اورا مقایسه نموده اند و من در این لست اسم گیاپ را اضافه میکنم(۲۴).

درین اجتماع عظیم، گیاپ اولتر از همه اقرار نمود که: اکثر مردم بضد این موافقت نامه بوده تعجب کرده اند که چطور اولین کار حکومت امضای پیمانی باشد که چنین طرحی را در بر داشته باشد؟ بعد با خطابه ای جذابی که چرا حکومت مجبور به امضای چنین پیمان شد شروع نموده گفت: « قبل از هرچیز دیگر، در عرصه ای بین المللی یک قوه ما را بسوی مقاومت میراند و قوت دیگرما را مجبور میساخت که از خشونت دست بکشیم».

متأسفانه اکنون این عمل در افغانستان در جریان است قوت های متعدد خارجی میخواهند انتخابات را به نفع خود بچرخانند ولی امید مردم در قرن ۲۱ بیدارتر شده باشند و به انتخابات تقلبی تن در ندهند. نیویارک تایمر بروز سه شنبه ۱۸ ماه فروری ۲۰۲۰م اشرف غنی را با رای ۵۰،۶۴٪ برنده و داکتر عبدالله را با رای ۳۹،۵٪ ناموفق اعلان نموده نوشته اند که: «طرف مقابل هم خود را برنده اعلان کرده است» که معلوم میشود رای تقلبی را قبول نکرده اند^(۱۲۸). گیاپ به گفتار خود ادامه داده گفت^(۱۲۹):

«امریکا جانب فرانسه و انگریزها را گرفت. نظر به مقاومت قهرمانانه؛ قوای ما در هر جا شجاعتمندانه بدون ترس و وهم جنگیدند و توانستیم که کنفرانس مقدماتی را برگزار سازیم. در آن کنفرانس یک تعداد شرایطی بود که ما به آن موافق بودیم و هم شرایطی بود که ما قناعت نداشتیم و پذیرش آن برای ما لذت بخش نبود. ولی فرانسه جمهوریت دیموکراتیک ویت نام را بحیث یک مملکت آزاد شناخت. آزادی، خود ارادیت نیست؛ زیاد تر از «خود ارادیت» است اما استقلال نیست. یکبار که آزادی حاصل شد بعد ما برای استقلال به مبارزه میپردازیم و تا که به استقلال کامل نرسیم این مبارزه دوام خواهد یافت (چک های بسیار بلند). ویت نام آزاد! حکومت دارد، پارلمان دارد، سرمایه گذاری دارد، بعباره ای دیگر تمام وظایف امور داخلی ما بدست خود ماست. همچنین ما قوای نظامی خود را خواهیم داشت که میتوانیم انرا نگاه کنیم و قوت های خود را از دیاد بخشیده وسعت دهیم (طالب ظالم هم به همین فکر است و فکر میکنند ISI پاکستان زمینه را برای شان مهیا میسازد و هم متأسفانه با قوا های خارجی در وطن افغانستان آزاد نیست!). فرانسه میخواست کوچین چین را نگاه کند ولی حکومت ابلاغ نمود که اگر هر یک از KY ها از هم جدا شوند ما تا دم آخر مقاومت خواهیم کرد (طالب ادعا دارد: آنچه میخواهیم داده نشود تا صد سال جنگ میکنیم؛ تقاضای ویت نامی ها قاعده ای اساسی مردمی داشت و از طالب ها سست و بی بنیاد بوده جنبه ای مردمی ندارد و با نوکری پاکستان در ریشه ای خود تیشه میزنند). در آخر نماینده ای فرانسه وعده داد که اتحاد هر سه KY ها از طرق ریفرنند فیصله خواهد شد. ما میدانیم که نتیجه ای ریفرنند چه خواهد بود (گیاپ از موفقیت خود در ریفرنند متیقن بود. برعکس طالب در صورتیکه پاکستان پتان ها را قاچاقی نفرستد، ریفرنند را میبازد). آیا هرکس در ویت نام نمیخواهد که انام، کوچین چین و تونکین یک مملکت باشد؟! (چک های کر کننده)». گیاپ به گفتار خود دوام داده اظهار داشت:

«اکنون بیائید در باره ای آن مواردیکه موافق نبودیم سخنی چند به عرض رسانیم. اول- در پیمان، خلع سلاح قوای عسکری جاپانی توسط قوای عسکری فرانسه بود. در موافقت نامه بسیار موارد برخلاف خواسته های ما بود؛ ولی امضا شد. باوجودیکه میدانستیم ویت نامی ها آنرا بصد ما استعمال نموده سوء استفاده میکردند، ما باید این تصمیم را می پذیرفتیم. سوال پیدا میشود که چرا حکومت به قوای فرانسوی اجازه ای دخول به ویت نام داد؟ حتی اگر ما موافقه هم نمیکردیم آنها برمیگشتند. چین همراهِ فرانسه یک پیمان امضا کرد که در اثر آن قوای فرانسه جای قوای چین را میگیرد. فرانس هم درین قسمت با از خود گذری هایش ضرر زیاد متقبل شد. روی این دلیل بود که ما با برگشت فرانسه موافقت نمودیم ورنه پیمانی با چین نمی داشتیم. آنهایکه موافق نیستند معنی استقلال تام را نمیدانند و آنرا فقط تبصره ای روی کاغذ می نگارند. زمانی است که ما باید قایم مقام یا برجا بایستیم و هم وقتی میرسد که ما باید کمی عقب نشین باشیم.... ما مقاومت را نخواستیم مدت بیشتر دوام دهیم زیرا موقف بین المللی به مفاد ما نبود».

طالب در مرحله ای که هستند دوبار باید فکر نمایند و تعقل فرمایند و حالت خود را ارزیابی کنند، نباید زیر سایه ای پاکستان به خواب غفلت بروند، سفرها میکنند، مهمانی های مجلل نصیب میشوند و در هتل های لوکس بودوباش میداشته باشند اما غافل ازینکه این ها همان دشمنانی اند که درمقابل شان

جنگیده اند و در آنها عقده تولید کرده اند. شما دشمن شان بودید. آنها دشمن را بزودی فراموش نمی کنند؛ طالب را برای مقصد خود استعمال میکنند نه برای خیر طالب و نه خیر مردم افغانستان... لطفاً بیدار شوید! این موافقت نامه نزد بعضی ها کامل نبوده برای مردم افغانستان قابل پذیرش نمیدانند.

گیباپ دوام داده میگوید: «فرانسه موافقت نامه را با چین امضا کرد. قسمیکه اشاره کردیم اضلاع متحده و بریطانیای کبیر طرفدار فرانسه شدند ما تقریباً تنها ماندیم. اگرما مقاومت میکردیم همه ای این قدرت ها بضد ما عمل میکردند (فکر میکنم استادان پاکستانی طالب ها ازین مقوله ای تاریخی باخبر بودند و آنها را با امریکا، روس، ایران و چین و هند آشنا ساختند تا در آینده به ضدیت شان نپردازند ولی گمان نمی کنم که این سیاستمداران به وعده های خود با وفا بمانند). همچنین حرکت انقلابی ما همگانی و با متفق آراء نیست. اکثرا مقاومت را جدی نگرقتند. اگر مقاومت را دامنه دار میساختیم آنها دور میشدند و روحیه ای مقاومت تبخیر میکرد. (اگر طالب دوام دهد نه تنها این دو رویداد رخ خواهد داد بلکه اکثریت افراد شان کشته خواهد شد و هم سربازانتحاری پیدا کرده نمیتوانند زیرا مردم اکنون درک کرده اند که به ناحق و با وعده ای دروغین فریب داده شده اند) در یک برخورد نظامی عساکر خود را از دست میدادیم وحتی مملکت خود را از دست میدادیم و تنها یک منطقه ای خورد برای ما میماند. اگر مقاومت میکردیم شجاعانه و قهرمانانه میبود ولی مردمان ما متحمل مشقات، سختی ها و صدمات جبران ناپذیر میشدند؛ نتیجه ای مطلوب بدست نمی آوردیم».

اکنون میدانیم که چرا امریکا با طالب و طالب با امریکا مذاکره را در میان گذاشته اند؛ در مانده و در مانده طلب اند. طالب میدانند که کمک ها و حمایت کم شده میرود زیرا امریکای ترمپ پول نمیدهد، عربستان چون به مشکلات خود مصروف است ازینگونه مصارف شان خالی میکند، دولت هم عسکرقوی و وطندوست و جنگی و منابع سرشار دارد. ولی طالب جز انتحاری و زوال خود چیزی دیگر درافق نظلم خود نمی بیند. اضلاع متحده مبخواهد از زمینه ای صلح نام نهاد برای انتخاب ترمپ در دور دوم به مقابل دیموکرات ها استفاده کنند. این صلح بین امریکا و طالب است(۲۰۱۳) و فقط یک هفته تنقیص خشونت با خود دارد و بس که با تبصره های منفی از طرف مردم افغانستان بدرقه گردیده، تفبیح شده است. معهدا، موافقت نامه امضا شد. نکته ای مهم دیگر اینست که طالب سالها با جمعیت اسلامی و احمدشاه مسعود جنگید، صلح باید اول با آنها میشد نه با امریکا.

سخنرانی گیاپ مثال خوبیست که نشان میدهد چطور یک لیدر مستعد رابطه ای خود را با مردم خود قایم میسازد، چگونه ذهن مردم خود را درک میکند، چطور برای قناعت شان دلایل عرضه مینماید و شفاف عمل نموده کوتاهی خود را از مردم خود پنهان نمیکند. این درک و این احساس قدرت او بود که نفوذش را در قلوب و مغزها جا داد؛ چون دربین مردم از بین مردم و مبارزه برای مردم برخاسته بود. در افغانستان که تا حال لیدر ملی ندارند سبب ان اینست که از خود مردم واز بین مردم لیدران نیامده اند؛ آنهائیکه از اروپا و امریکا بر شانته های مردم تحمیل شده اند لیدرهای ساختگی اند که امریکا و انگریز و جرمنی و پاکستان و ایران و روس از آنها لیدران کاغذی ساخته اند و حتی بعضی شان را تا حد «کشمش» لقب داده اند. اینها که نوکران معاش خور بیگانگان شمرده میشوند نه لیدران ملی، زیرا عشق قلبی و ضمیری به مملکت ندارند در اکثر جوامع ملی و بین المللی حتی از بزبان آوردن کلمه ای افغانستان خجالت میکشند. هر چیز وهرجا مناسب باشد و یا نباشد باید «افغان» یاد شود چون برایشان تدریس شده که این بهترین پالیسی «تفرقه انداز و حکمرانی کن» میباشد. یعنی عوض ملت افغانستان، حکومت افغانستان، مردم افغانستان، سفارت افغانستان؛ ملت افغان، حکومت افغان، مردم افغان و سفارت افغان اظهارمیدارند که شرم آوراست. به ایتصورت آنچه کسانی که خود را افغانستانی یا جزء کتله ای

مردمان افغانستان نمیدانند با افغانستان چه سرو کاری دارند؟ آنچه لیدران وطندوست و مجاهدین حقیقی را که از ته ای دل برای پیشرفت و آبادی و رفع مناقشات مساعی بی شائبه داشتند ترور کردند و از بین بردند تا مفسدین و نوکران خود را جهت اهدای سرزمین افغانستان به ایشان و برای دزدی ثروت زیرزمینی چندین تریلیون دالر مردم افغانستان بر آریکه ای قدرت تکیه دهند تا درب دزدی شان باز بماند. ثبوت این ادعا، حمایت امریکا، ملل متحد و دیگر دوستداران تقلب؛ از قهرمان تقلب، غنی است!

ازینجاست که بیت نام امروز با لیدران شایسته و خوب خود یکی از پیشرفته ترین ممالک جهان هم در آبادی کشورش و هم در تکنالوجی شناخته شده است. نام آن لیدرها بخط زرین نوشته شد و ازین لیدرهای کاذب و خاین چون ورق سیاه در لابلای اوراق تاریخ افغانستان، دایم ثبت و منفور خواهد ماند.

گیاپ گفت: در سال ۱۹۴۵م ما مستقل بودیم ولی هیچکس استقلال ما را نشناخت. نشست های ما با فرانسه تنها درب شناخت بین المللی را برای ما باز نمود (کنفرانس طالب با امریکا تا حدی برایشان درب بین المللی را باز ساخت). ما میدانیم که به اراده نیک چین حساب کرده میتوانیم. چین و ما مانند «لب و دندان» هستیم (طالب هم خود را با پاکستان چنین فکر میکند....).

ادمیرال آرچینلو کمشنر عالی فرانسه در بیت نام، بصد موافقت نامه بین ویت نام و فرانسه بود؛ موافقت نامه ای که جنرال لوکلیر با مذاکرات طویل و ثقیل به آن نایل آمده بود، علم مخالفت بر افراشت. او بی پرده بروز هشتم مارچ ۱۹۴۶م جنرال لوکلیر را خطاب قرار داده گفت: «من تعجب میکنم! بلی! من تعجب میکنم! که فرانسه چنین یک قوای با شهامت و جنگی دارد ولی «چیف آن عوض جنگ، گپ میزند و مذاکره میکند!»^(۱۳۱) (این امر بر روش امریکا در قرن ۲۱ با افتخارات قویترین قوای نظامی جهان که ادعا دارند مصداق پیدا میکند و به یک گروه تروریستی تسلیم میشوند و با کشتار مردم در درب بگرام مرکز فعالیت های نظامی امریکا، هنوز هم با طالب ظالم حرف از صلح میزند به عوض اینکه آنها را سرکوب نمایند... ولی بهانه ها زیاد است) آرچینلو به ایجاد موانع آغاز نمود. به اینصورت متصدی اداری فرانسه بصد ویت من و چیف آن به برخلافی خود دوام داد. ریفرندم کوچین چین را ادمیرال یک عمل تحمل ناپذیر و ضد آزادی آنها و انحراف از وعده ها دانسته یک تحریک ناپسندیده به ضد حاکمیت فرانسه شمرد^(۱۳۲) (موافقت نامه ای اضلاع متحده با طالب ظالم هم بصد حاکمیت افغانستان است).

در رور ۱۴ مارچ وزیر «موتیت»^(۱۳۳) که اسم مکمل آن Marius Moutet (یک دیپلمات سوسیالیست فرانسوی و وزیر کالونی ها بود که از ۱۸۷۶-۱۹۶۸م حیات داشت) در پاریس تائید نمود که کوچین چین یک دولت آزاد با قانون اساسی خواهد بود. در حقیقت، با این گفتار آتش جنگ های گوریلابی را شعله ور ساخت.

تا این وقت مردم آرام بودند، مردمانیکه به زور توسط «ویت من» تخلیه شده بودند به گروپ های خورد دوباره به خانه های خود برگشتند و لی بقایای تخریبات گوریلابی های ویت من از دور نمایان بود. آب نبود، روشنایی برق وجود نداشت، چند خانه اینجا و آنجا دیده میشد، فرنیچر کم پیدا بود و امکانات طبی در عمل پیاده نبود. سرتا سر مملکت همه جا ویران شده بود. اگر منطقه ای کوچ نشینان کمتر ضرر دیده بود از خاطر اشغال عساکر فرانسوی بود. تخریبات در غرب «خارج از باور» بیان شده است. تمام سرک ها تخریب بود. به مسافه ای چندین کیلومتر سرک های قیر شده با سامان تیز توته توته شده بودند. تمام پل های سنگی و آهنین ویران به نظر میرسید. خطوط تیلگراف از بین برده شده و پایه های آن با سیم هایش مقفود الاثر دیده میشد، در شهر تقریباً همه خانه ها به آتش کشیده شده بودند^(۱۳۴) (همه اعمال شنیع

و حالات زجر دهنده ای که ذکر شد امروز در قرن ۲۱ از طرف طالب ظالم بر مردم مظلوم افغانستان با خشونت تام تجربه شده است).

در ۲۴ ماج ۱۹۴۶م جین سنتینی^(۱۲۵) Jean Sainteny یک سیاستمدار فرانسه که در اواخر جنگ جهانی دوم به ویت نام فرستاده شده بود تا تسلیمی قوای جاپانی را بپذیرد و وظیفه داشت تا ویت نام را دوباره به هندوچین فرانسوی ملحق سازد، خواست هوچی من را به ادمیرال آرچینلو درکناره ای جهیل هالانگ^(۱۲۵) Hạ Long Bay یعنی «اژدهای نازله» یا descending dragon که معنی دارد، معرفی نماید. هوچی من، ادمیرال را یک انسان مؤدب و رفیق یافته بود. وی درین ملاقات اصرار ورزید که موافقت نامه باید قبل از فرستادن به پاریس امضا شده بعد به پاریس سفر کنیم. ولی ادمیرال موافقت نکرده گفت: «باید از طرف دولت دعوت شوید تا به پاریس رفته بتوانید وهم فرانسه حاضر نیست پرابلمی را مورد بحث قرار دهد که تا هنوز روشن نیست» (دوراوول مذاکرات طالب و امریکا هم ناکام شد^(۴۲)).

کمونست ها دفتر «خزانه ای مرکزی^(۱۳۶)» باز نمودند تا برای دولت پول جمع نمایند؛ این امر را با ظلم و شکنجه از مردم بدست می‌آوردند (شش کلاه های^(۱۳۷) امیر عبدالرحمان خان متهم به این عمل شنیع اند) در ماه می ۱۹۴۶م اطاقهای زجر و شکنجه که در حیطة ای ملکیت دانگ مین Dong Minh از لیگ آزادی خواهان نشنلست بود کشف گردید. درینجا جاپانی ها و فرانسوی ها شکنجه میشدند و کشته میشدند (مانند دهشت سرای زیر خانه های غرب کابل با سینه های بریده شده ای زنان، کشتار گاه زیر زمینی شفاخانه ۴۰۰ بستر دولت، شکنجه خانه ای ششدرک و شمشه تو و سپینه شگه ای گلبدین و محابس دیگران).

سر از اول سپتامبر ۱۹۴۶م از نظر سیاسی، انقلاب، لازم دید تا احزاب سیاسی چون حزب استقلال که هنوز رسمی نشده بود، حزب نشنالیست طرفدار جاپان مخصوصاً Đại Việt (نام قدیمی ویت نام بین سال های ۱۰۵۴ - ۱۴۰۰م و باز بین سالهای ۱۴۲۸ - ۱۶۰۴م بود) را غیرقانونی اعلام نموده لیدرهای شان را محبوس ساختند. ستیشن رادیو را در Bạc Mai به تصرف در آوردند. همه وسایل طباعتی و تاسیسات طباعتی را با تمام کاغذ های که آماده طبع بود ضبط نمودند^(۱۳۸) (طالب بارها چنین کرده اند تلویزیون را به دار آویزان کردند، تیپ های سمعی و بصری را به آتش کشیدند و بر بوظلهای واین و ویسکی در صحن هتل کابل (سیرینا) بولدوزر راندند). کمیته ای مقتدر مرکزی و پولیتیبوری حزب تمام وسایل معلوماتی را منحصر بخود ساخت. تیم ژورنالیستهای خود را که به روش مارکسیست بنویسند و پروپاگندهای کارگری و تهیجات به میان آورند، مقرر نمودند. در ظرف چند هفته ماشین قوی پروپاگندی آغاز و به راه انداخته شد.

پاکستان و ISI ماشین پروپاگندی طالب ظالم اند. حتی زنان عضو جمعیت اسلامی پاکستان بنام زنان تجارت پیشه ای افغانستان میخواهند از طریق مصاحبه های تلویزیونی آمدن طالب را به خیر مردم افغانستان معرفی سازند - پروگرامیکه هفته ای ۱۹ اکتوبر ۲۰۱۸م از یکی از تلویزیون های خارجی بزبان انگلیسی پخش شد - در حالیکه زنان افغانستان؛ سنگساری، بی عزتی، کشتن در ستادیوم کابل، قمچین زدن های بند پای و موانع در تحصیل درس و تعلیم از طرف طالبان ظالم را هیچوقت فراموش نمیکنند و دوران طالبی را همیشه تقبیح مینمایند، چگونه امکان دارد طالب را به خیر خود و مردم بدانند؟ ظهور دوباره ای طالب ظالم، قطعاً بخیر مردم افغانستان نبوده بلکه برای نوکری و خیر ISI پاکستان با خون بهای مردم افغانستان طرح شده است.

بروز ۸ سپتامبر ۱۹۴۶م فرمان نمبر ۱۴ صادر و خبر داد که در ظرف دو ماه انتخابات برای اسامبله ای ملی صورت گرفته در آن هر مرد و زن سن هژده و بالاتر از آن شرکت کرده میتواند^(۱۳۹) (طالب ضد رای گیری و انتخابات است ولی در اثر مداخله ای یوناما در انتخابات ۶ میزان سال ۱۳۹۸ش کمتر مداخله داشتند).
 نشنالست ها فکر میکردند در انتخابات کمونستها از راه تقلب اکثریت میگیرند فلها به مردم هدایت میدادند که رای ندهند. طالب ظالم هم ضد رای دادن است چون میدانند که مردم از آنها نفرت داشته موفق نمیشوند. کلک های رای دهندگان را در انتخابات سابق قطع کردند ولی آن جوانان طرفدار دیموکراسی با همان انگشتان قطع شده ای خود باز در انتخابات آمدند و رای دادند. ولی نتیجه ای انتخابات از ۶ میزان به ۶ عقرب و به ۱۵ عقرب و به ۲۳ عقرب و ۲۲ دلو ۱۳۹۸ش، ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۴۱ق و ۱۱ فروری ۲۰۲۰م بدون اعلان آرای مردم فقط با فریب دادن مردم از طرف کمیسیون انتخابات و بعد کمیسیون شکایات بروز سه شنبه ۱۸ فروری به مفاد سرپرست دولت اشرف غنی با رای های تقلبی خارج از رای های بیومتریک، کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات برهبری دو خانم، برنده اعلان شد که با مخالفت داکتر عبدالله عبدالله روبرو گردید و در بالا از آن ذکر شد. این بی حرمتی به رای مردم عدالت خواه و مساوات جوی افغانستان است، که در روز انتخابات از ضرر عایدات بخور و نمیر آنروز خود گذشتند و حملات طالب ظالم را بدوش گرفتند؛ چگونه امکان دارد با عقل سلیم، رای تقلبی و فریب کارانه را بپذیرند؟

این بود چند مثالی از موضوع افغانستان، طالبان، امریکا و ویت نام؛ مشابهت سیاسی ویت نام در اوایل قرن ۲۰ تا قرن ۲۱ با ظهور طالب ظالم و حملات گوریلابی شان مترافق رویداد های ضمنی نگاشته شد. فرق مهمی که بین حملات گوریلابی طالب ظالم و ویت من وجود دارد اینست که حملات گوریلابی ویت من برای بدست آوردن خود ارادیت شان از ممالک مهاجم جاپان و فرانسه و چین بود و پیمانها می بستند تا بتوانند که به هدف برسند. احمد شاه مسعود اولین موافقت نامه ای خود را با روس ها برای آتش بس مؤقتی امضا نمود تا پلان نفوذ خود را گسترش دهد و بعد در سال ۱۹۹۲ش «پیمان پشاور^(۱۴۰)» را که یک موافقت نامه ای صلح برای تاسیس «حکومت جمهوری اسلامی» به اشتراک همه گروپ های مجاهدین در دوره ای بعد از شکست کمونست ها بود امضا کرد و وظیفه ای وزارت دفاع بدوش گرفت. ویت من، حملات گوریلابی استشهادی را به باداران طالب ظالم الهام داد و طالب این عمل شنیع غیر اسلامی را برای کشتار مسلمانان افغانستان سال ها دوام داده اند ولی اکنون در اثر نبودن انتحاریون این حملات کمی تنقیص یافته است. اما تا هنوز حملات گوریلابی طالب و کشتار اطفال معصوم توقف نیافته است؛ آیا صلح با چنین جانیمان ممکن و دایمی بوده میتواند؟؟؟ سوالیست که امریکا باید به مردم افغانستان جواب دهد. پمپو، وزیر خارجه ای اضلاع متحده، طی اضای موافقتنامه گفت:
 « این پیمان صلح نیست».....

بعد از اینکه کمونست ها در شمال ویت نام موفق شدند و بر مردم ظلم و ستم بیحد روا داشتند؛ ده ها هزار نفر را اعدام نمودند^(۳). نشنالست یا ویت کانگ در هانوی در اواخر سالهای ۱۹۵۰م به جنگ های گوریلابی آغاز نمودند تا حکومت نکو دین دنیم^(۴) Ngo Dinh Diem را که با تقلب و به کمک امریکایی ها به قدرت رسیده بود از بین ببرند و هم در حوالی سال ۱۹۶۰م بود که روسیه با ویت نام شمالی پیمان کمک های بیشتر نظامی امضا کرد. بناء، دویت دی هایزنهور، سی و چهارمین رئیس جمهور امریکا هم حمایت جدی خود را برای Diem و ویت نام جنوبی ابلاغ نمود. جنگها خونین با استفاده از قوای زمینی، بحری و هوایی و استعمال بمب نپام و ایجنت آرنج آغاز یافت.....(امریکا نباید اشتباه آیزنهاور را تکرار کند

و از افراد بی ثبات و منفور مردم چون طالب ظالم و لاکه قدرت نظامی دارند، حمایت کند. و هم طالب بداند که امریکا تا زمانی از آنها حمایت میکند که تمام اهداف شدن برآورده شود)

ولی حملات گوریلایی مجاهدین و خصوصاً شهید احمد شاه مسعود به لیدرشپ پروفیسور برهان الدین ربانی سابق رئیس جمهور شهید و فقید افغانستان برای آزادی وطن از تهاجم کمونست ها و روسها و طرفداران شان بود و چون مردم با آنها بود، موفق شدند. و هم خاطر نشان باید ساخت که حملات گوریلایی مسعود و هم سنگرانش مانند حملات گوریلایی ویت من ظالمانه نبود هدف شان روسهای مهاجم بود و با روس میجنگید و اسیران شان را با عزت نگاه مینمودند. متأسفانه تخریبات کابل از طرف پیروان ویت منی با راکت پرانی و ویرانی و سبوتاژ تاورهای برق و ترور دانشمندان و و وطندوستان بوقوع پیوست و ویرانی افغانستان را از ویرانی ویت نام بدتر ساختند. ویت نام آزاد و مترقی شد و افغانستان تا هنوز استقلال ندارد، با طالب میجنگند و سی ونه^(۱۴) (۳۹) مملکت در افغانستان عسکر خود را پیاده کرده است. ولی سر پرست دولت بر خود میبالد که مملکت استقلال دارد. مانند یک مستعمره، هرکس از امریکا هر وقتی که بخواهند بدون مراعات روابط بین المللی در میدان هوایی بگرام فرود میآید... و رئیس جمهور افغانستان را در نیمه ای شب با پیراهن و تنبان از پهلو همسرش احضار میکند.

در آخر، دشمنان مردم افغانستان طالب و انتحاریون را خلق کردند که اکثرآ جوانان نورسیده ای پشتون افغانستان و پتان پاکستان اند و بیخبر از فریب ISI و با خوشبآوری صرف طعام با پیامبر اسلام ﷺ در جنت برای کشتار مسلمانان افغانستانی به میان آورده اند. برای ترس از اینکه پلان تهاجم امریکا و انگریز به نزدیک شدن به سرحدات روسیه و چین از یکسو و دستبرد شان به ثروت های زیر زمینی و «اوپیم» افغانستان از جانب دیگر به موانع روبرو نشود احمد شاه مسعود را توسط القاعده جهت کمک به حامیان طالب که با امریکایی ها بیشتر همکاری داشته باشند به قتل رسانیدند^(۱۴)؛ مثلیکه باودای آخرین امپراطور ویت نام را که هنوز هم محبوب مردم بود برای اینکه کدام مانعه برای شان ایجاد نکند او را با یک ریفرندم تقلبی به طرفداری معاونش Diem در سال ۱۹۵۵م چند روز قبل از تهاجم امریکایی ها و متحدین شان بصد کمونست های ویت من، برای ابد از ساحه ای سیاست دور ساختند ولی در پاریس و سایل راحتش را فراهم نمودند.

باودای، خوش بخت بود که کشته نشد و لی احمد شاه مسعود در اوج شجاعت و وطندوستی و دیدگاه آینده ای مدرن و مترقی برای مردم افغانستان بروز یکشنبه نهم سپتامبر ۲۰۰۱ در خواجه بهاؤالدین ولایت تخار به عمر ۴۸ سالگی از جانب راپورترهای دروغین الجیریایی جام شهادت نوشید و آرزو ها و امید های خود را با خود در قعر زمین فرو برد. امریکا چند روز بعد به شبانه روز ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م حملات هوایی را به انتقام حملات القاعده در امریکا بر افغانستان آغاز نموده بمب ها ریخت که تا حال به نوع دیگر دوام دارد ولی امپراطور سابق ویت نام در بستر نرم و آرام شفاخانه ای عسکری فرانسه به روز ۳۰ جولای ۱۹۶۹م به عمر ۸۳ سالگی جان سپرد.

از جوشش و از مستی، از قهر و زبردستی
در کوره ای خود هستی، کم دیده چو من آتش
با دوست چو جان پاکم، با غیر چه بیباکم
یک جا همه تن آیم، یک جا همه آتش
خود سوزی و خود سازی، در آتشم انداری
آنگه به طننازی، گویی که مزن آتش

رازق فانی

شکست شب صفحه ۴۸، تابستان ۱۳۶۷ کابل

قسمت چهارم (از جنگ ویت نام تا پیمان صلح پاریس)

جنگ ویت نام^(۱۴۳) یا جنگ دوم هندوچین، یک جنگ طویل‌المدت بود که نوزده و نیم سال را در بر گرفت در روز اول نوامبر ۱۹۵۵ شروع و بروز ۳۰ اپریل ۱۹۷۵ با امضای پیمان صلح پاریس به قیمت هنگفت مالی و قربانی ده‌ها هزار جوانان امریکایی و ویت نامی و تخریب ویتنام بحد حکومت کمونست کوریای شمالی و بطرفداری کوریای جنوبی پایان یافت. یک عملیات نظامی ناکام بود و در آخر همه سرزمین ویت نام به تصرف کمونست‌ها درآمد.

لیندین جانسن^(۴۵) که معاون رئیس‌جمهور جان اف کینیدی بود بعد از مرگش رئیس‌جمهور شد. وی برای اینکه ویت نام شمالی را برای مذاکره تشویق کند «عملیات Rolling Thunder یا غرش رعد^(۱۴۴)» را که بروز دهم مارچ ۱۹۶۵ م شروع شده بود به روز دهم نوامبر ۱۹۶۸ م توقف داد. بلا تأمل ویت نام شمالی حاضر شد که توقف کامل بمباردمان را مورد بحث قرار دهد. به این ارتباط اولین ملاقات تیم های هانوی و جانسن بروز دهم می ۱۹۶۸ م صورت گرفت. هیأت هانوی، بسرکردگی شوان توی^(۱۴۵) و هیأت امریکا با سفیر W. Averell Harriman که از ۱۸۹۱ تا ۱۹۸۶ م می زیست و بنام The Wise Man یا «مرد عاقل» در سیاست لقب گرفته بود^(۱۴۶) همراهی داشت.

برای پنج ماه، در مفاهمه تاخیر رخداد زیرا ویت نام شمالی توقف کلی بمب‌ریزی امریکا را تقاضا میکرد و جانب امریکا میگفت باید ویت نام شمالی هم در عین زمان، فشار و خشونت و تشدد را بالای ویت نام جنوبی تنقیص دهد (فعلا تقاضای امریکا از طالب هم همین است که به حیث قدم اول به آتش بس تنقیص خشونت نشان

دهد ولی طالب به خشونت و حمله ای انتحاری خود دوام داده است). بلاخره بروز ۳۱ اکتوبر ۱۹۶۸م بود که جانسن بر توقف بمب ریزی موافقت نمود و بحث و مذاکره ای جدی آغاز شد. ولی بروز دهم نوامبر ۱۹۶۸ بود که اننا شینولت^(۱۴۷) Anna Chennault راپورت‌ر یک جریده ای شنکهای چین بحیث نماینده ای نکسن برای قایم نمودن رابطه با لودوث تو^(۳۰) Lê Đức Thọ عضو پولیتبورو ویت نام شمالی مؤظف گردید. وی با سفیر ویت نام جنوبی به تماس آمده اطلاع داد: «همین حالا از امر خود در البوکرکی ایالت نیومکسیکو شنیدم که نکسن برنده ای انتخابات میشود و تو باید به امر خود «تو» بگویی که کمی بیشتر حوصله کند». اننا، که نام اصلی وی چن شینگمی است Chen Xiangmei بعد از ازدواج با یک جنرال قوای هوایی امریکا هنگام جنگ جهانی دوم در چین که بین سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵م مؤظف بود و کلیر شینولت Claire Chennault نام داشت «اننا» اسم فوق را پذیرفت. این میانه روی وی بعد ها چون یک عمل خلاف قانون انتخابات امریکا بود برایش جنجال ها خلق نمود. بدین ترتیب مذاکره ای صلح را که یک رئیس جمهور دیموکرات شروع نموده بود از طرف گروه جمهوری خواهان تازه به قدرت رسیده لگد مال گردید. نکسن، فکر میکرد با صلح در ویت نام ممکن لیندن جانسن جایزه ای نوبل صلح بگیرد و افتخار بیشتر نصیب دیموکراتها شود، پس چرا خودش به این افتخار نایل نگردد؟ اما دغل کاری و مردم فریبی همیشه برنده نیست و پسانها روش های غیر دیموکراتیک و متکبر نکسن به بد نامی تاریخی و به استعفایش از مقام ریاست جمهوری امریکا منجر گردید (فعلا درافغانستان تقلب کاری ها، مردم فریبی ها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۸ غنی را برنده اعلان نموده که با مخالفت های شدید روبرو است).

نکسن^(۴۶) در انتخابات ۱۹۶۸م موفق شد و در جنوری ۱۹۶۹م بعد از مراسم تحلیف رسماً بحیث رئیس جمهور امریکا بکار آغاز نمود. W. Averell Harriman را برطرف کرد و به جایش هنری کبوت لادج^(۴۸) Henry Cabot Lodge Jr. که از ۱۹۰۲ – ۱۹۸۵ حیات داشت، مقرر ساخت که بعداً او هم از وظیفه سبکدوش شد و بعوض دیفید بروس^(۴۹) David K.E. Bruce که از ۱۸۹۸ – ۱۹۷۷ میزیست، از تقاعد دوباره خواسته شد و به ویت نام جهت مذاکرات صلح از طرف امریکا مؤظف گردید. درعین زمان جبهه ای ملی یا ویت کانگ^(۱۰) (NLF)، حکومت سرپرست موقت^(۱۵۰) یا PRG را در ویت نام جنوبی تاسیس نمودند تا بحیث حکومت در مذاکرات حصه گیرند.

ادعای طالب^(۵۱،۴۸۰) هم همین است؛ که آنها زمانی حکومت افغانستان بدست داشتند و باید به همان سویه با ایشان رفتار شود. ولی حکومت داری شان ظالمانه و بصد آزادی مطبوعات، حقوق زن برای کار و تحصیلات، تخریب آثار باستان مخصوصاً بامیان^(۱۵۲) و مخالف منشور ملل متحد بود؛ و راستی یک حکومت مردمدار نبودند. کدام پلان مدرن برای بهبودی اقتصادی و اجتماعی و اکادمیک مملکت نداشتند و تا هنوز هم ازین نوع پلان ها سخنی بزبان نمی‌آورند. بجز از سه مملکت عربستان سعودی، پاکستان و امارات عربی کسی دیگر حکومت شان را برسمیت نشناخت و منفور جوامع بین المللی با حمایت و نگهداری اسامه بن لادن قرار گرفته بودند. اکنون با میلان ترمپ برای بیرون ساختن عساکر امریکا از افغانستان پلان صلح را در میان گذنشته اند. ولی کانگرس و مردم امریکا طالب را تروریست میدانند؛ خاصاً که سالها در لست سیاه ملل متحد بحیث تروریست ثبت شده اجازه ای سفر نداشتند و محدودیت های زیاد برایشان وضع شده بود^(۴۸). ب فکر من پیمان آتش بس مؤقت و صلح نا پایدار بجز تسلیمی امریکا به یک گروه تروریست شناخته شده ارزش دیگر نخواهد داشت و در نظر جهانیان ضعف امریکا را وانمود خواهد ساخت. بروز سه شنبه ۱۱ فروری ۲۰۲۰م نیویارک تایمز خبری در رسانه ها به نشر رسانید که ترمپ اجازه ای مشروطه به معامله ای صلح با طالبان داده است^(۴۷) و NBC News شرط را وعده ای تنقیص violence (خشونت) گفته است. دو روز قبل دونفر عسکر امریکا در جلال آباد کشته شد

و اشاره شده که امید این آخرین قتل عساکر اضلاع متحده در افغانستان باشد. بعباره ای دیگر خود را به کوچه ای حسن چپ زده اند. در دور اول مذاکرات موافقتنامه ای نام نهاد از طرف ترمپ فسخ گردید زیرا که طالب یک عسکر امریکا را کشته بود. ممکن قتل دو نفر عسکر اضلاع متحده به مقایسه ای قتل یک نفر عسکر شان آنقدر ارزش نداشت که با طالب ظالم، مذاکره ای صلح توقف یابد.

طالب با نماینده ای خاص اضلاع متحده آقای خلیلزاد مذاکرات را به پایان رسانیدند و با شور و شعف طور سری روانه ای امریکا شدند تا در «کمپ دیفید» در جوار قصر سفید موافقت نامه نام نهاد را به امضای پرزیدنت ترمپ برسانند و شکست امریکا را در برابر تروریست های ظالم طالبی تجلیل نمایند. رئیس جمهور امریکا دونالد ترمپ در اثر فشار کانگرس و رسانه های امریکا که نباید تروریست در کمپ دیفید بیاید و با بهانه ای قتل آن عسکر از ملاقات با ایشان ابا ورزید و تیم طالب جگرخون و پس سر خاریده به قطر برگشتند^(۶۲). ولی در تلاش اند که باز به امریکا برگردند. لکن شرایط امنیتی در شرق میانه با امر قتل قاسم سلیمانی^(۱۵۶) قوماندان نظامی شهیر ایران در اوایل روز جمعه دهم جنوری ۲۰۲۰م در حوالی میدان هوایی بغداد از طرف پرزیدنت ترمپ مشکلات خلق نموده همه منتظر اند که ایران چه قسم انتقام خواهد گرفت و امریکا چه نوع آتش بحران را در منطقه شعله ور خواهد ساخت.

بروز شنبه ۱۵ فروری مطابق ۲۶ ماه دلو ۱۳۹۸ش ساعت ۱۰:۳۰ صبح کولوراده صدای امریکا پروگرام دری خبر داد که بروز شنبه ۲۲ فروری سال ۲۰۲۰م کاهش خشونت قدم اول بصوب آتش بس اعلان میگردد و اگر این روش را تمام طرف ها عملی ساخته بتوانند یروز شنبه ۲۹ فروری موافقت نامه ای صلح بین اضلاع متحده و طالب ها در دوحه مرکز قطر امضا خواهد شد. بعد اگر محبوسین طالب آزاد شد یک هیأت همه شمول، ده روز بعد از آن بروز سه شنبه دهم ماه مارچ مذاکرات بین الافغانی با طالب آغاز میگردد. خلیلزاد^(۶۱) گفته است برای کامیابی صلح باید همه افغانها متحد شوند (کاش میگفت همه مردم افغانستان). اشرف غنی^(۶۴) در کنفرانس امنیتی میونخ اظهار داشته بود که اول جنگ باید خاتمه یابد که این هم یک آزمایش بزرگ است که آیا طالب انتخابات را بحیث یک میکانیزم اساسی برای مردم افغانستان می پذیرند یا نه. همچنین با طالب در باره ای خروج عساکر امریکایی یحث و مذاکره نیز صورت گرفته است. سیزدهمین منشی عمومی ناتو ینس ستولتنبرگ^(۱۵۳) Jens Stoltenberg از طریق صدای امریکا گفته است: «نیروهای این پیمان افغانستان را ترک نمیکند اما اگر طالبان به کاهش خشونت در آنکشور پابند بماند نیروهای ناتو کاهش خواهد یافت. روز یکشنبه ۱۶ فروری یک جنرال متقاعد، در پروگرام قبل از ظهر تلویزیون فاکس گفت: «طالب مدار اعتبار نیست. میخواهند ما برآئیم تا مانند ویت نام شمالی دو سال بعد حکومت را از بین ببرند» (ویت نام شمالی بکومک روسها جنگ را دامن زدند. طالب این عمل شنیع و منحوس را بکومک پاکستان آغاز خواهد کرد و مسؤولیت آن کاملاً بدوش امریکا خواهد بود).

رادیو آزادی بروز یکشنبه ۲۷ دلو در رسانه ای اجتماعی فیسبوک خبری نشر کرده نوشته اند: «اشرف غنی، در اجلاس امنیتی میونخ در جرمنی گفت: «هنوز هم تصمیم به پاکستان مربوط است. آزادی ملا عبد الغنی برادر به مفهوم حمایت پاکستان از پروسه ای صلح افغانستان نیست. او یک فرد است. ما خواستار بحث صادقانه ای که دو جانب دارد هستیم؛ «یکی مسدود ساختن پناهگاه های طالبان و دوم تفاهم مشترک در باره ای امنیت منطقوی». همچنین دوام داده اظهار داشته است: «طالبان نه تنها رسماً از شبکه ای القاعده خود را دورکنند بلکه مهم است از همه شیکه های تروریستی فاصله بگیرند که به همسایه های افغانستان تهدید را متوجه ساخته اند».

اشرف غنی در ابتدا بسیار جدی بود. میگفت: محبوسن طالب موضوع افغانستان است و ما در حق محبوسین طالب تصمیم میگیریم و حتی اگر آزاد هم شوند مسایل اداری و قضایی پنجهزار نفر در ظرف ده روز مشکل است. لاکن بعد از رفت و آمد های خلیلزاد اشرف غنی* قرار اطلاعاتیه ای «پژواک نیوز»، شام روز چهارشنبه ۱۱ مارچ فرمان رهایی محبوسین طالب را صادر نمود. یک روز بعد مشاور ارشد غنی داکتر فضلای به پژواک نیوز گفت این رهایی به اساس موافقت نامه برای تامین صلح صورت گرفته و به اساس کدام تعهد با امریکا نمی باشد.

فسمیکه از طریق رسانه ها خبر داریم روسیه هم از موافقت نامه ای صلح طالب با امریکا که در حقیقت تسلیمی امریکا به این گروه «تروریست» است حمایت کرده است. به فکر من، برای روسیه حمایت از «ویت من» که با جنگهای گوریلائی، امریکا و متحدینش را به «پیمان صلح پاریس» مجبور ساخت، بخاطر زنده ساخته است و قسمیکه در آن زمان کامیاب شدند اکنون هم در تلاش آن اند تا گروه گوریلائی «طالب» را بمقابل امریکا تشویق نمایند و با «موافقت نامه ای دوحه» تسلیمی امریکا و ناتو را به جنگ های گوریلائی قرن ۲۱ جشن گیرند.

در پروگرام دری «صدای امریکا» خبر داده شد که بساعت ۷ و پنج دقیقه ای روز ۱۱ فروری (حوالی ساعت ۱۰:۳۳ دهم فروری وقت کولورادو) حمله ای انتحاری (برای بار چهارم و بعد از سه ماه آرامی) در مقابل دروازه ای دانشگاه نظامی مارشال فهیم (حوزه ای پنجم) رخ داد که شش نفر بشمول دو غیر نظامی و ۱۳ نفر مجروح باقی گذاشت. همایون افغان، ژورنالیست محبوب که کوچه های کابل را معرفی میکند اجازه نداشت که به محل حادثه برود اما انفجار به اندازه ای قوی بود که چند کوچه دور تر شیشه کلکین یک نانوایی را شکست و پای شاگردش را مجروح ساخت؛ وزارت داخله هم خبر فوق را تأیید کرد. چنین معلوم میشود که با امضای این «پیمان نام نهاد صلح با طالب» عساکر اضلاع متحده ارین بیشتر کشته نخواهند شد اگر مردم افغانستان کشته شدند موضوع بین خود افغانها تلقی میگردد. پمپو وزیر خارجه ای امریکا در مصاحبه ای مطبوعاتی سه شنبه ۲۵ فروری ۲۰۲۰م بیان داشت: «معامله با طالب جزء پالیسی سه گانه ای رئیس جمهور ترمپ یعنی ۱- ریالیزم، ۲- قدرت و ۳- احترام بوده است. دیده میشود که قتل غیر نظامیان مردم ستم دیده ای افغانستان دوام خواهد یافت. زیرا این پیمان مانند یک بینی خمیری برای پرزیدنت ترمپ است تا برای برد انتخاباتی خود یک عمل مثبت صلح طلبی در روابط خارجی عرضه کند؛ نه کمک برای مردم افغانستان. اما موافقت نامه بروز شنبه ۲۲ فروری امضا شد.

ویت نام شمالی برای سه سال اصرار داشت که امریکا باید نگوینفان تیو^(۱۵۴) Nguyễn Văn Thiệu رئیس جمهور ویت نام جنوبی (۱۹۲۳ - ۲۰۰۱م) را برطرف سازد و به عوض آن کسی را که مورد پسند هانوی باشد مقرر کند ورنه کدام موافقت صورت نخواهد گرفت (پاکستان هم میخواد سیاستمداران یا قاتلین مردم که مورد پسندش میباشد باید در کرسی های حکومت داری افغانستان تقرر یابند نه تاجکان). کسنجر و نکسن نمی خواستند حکومت ویت نام جنوبی را با دریافت یک موافقه از دست بدهند مخصوصاً که NFL نتوانست آنها را با قوت اسلحه شکست دهد. و اما تقاضای ویت نام شمالی را هم نادیده نگرفتند و درباره اش بحث و مذاکره داشتند. ماریلین بی ینگ^(۱۵۵) Marilyn B. Young که از سال ۱۹۳۷ تا ۲۰۱۷م حیات داشت و مؤرخ روابط خارجی امریکا و پروفیسور تاریخ در دانشگاه نیویارک بود نگاشته است: «محتوی پیشنهاد هانوی بصورت سیستماتیک از تقاضای اولیه تحریف میشد و کسنجر آنرا جهت زمینه

ای برای برطرف ساختن «تیو» پخش میساخت» حقیقت موضوع با declassify شدن ۲۵۹ صفحه «خلاصه ای مذاکرات صلح کسنجر- تو»^(۲۱) بیشتر واضح میگردد.

درین مرحله، مورال قوای زمینی امریکا سیر نزولی داشت و تدریجاً بسوی مناطق ساحلی عقب نشینی مینمود. برای دوسال نه به عملیات نظامی تهاجمی و نه به ضد جنگ مستقیم شرکت داشتند. معاهده ای موافقت نامه ای پاریس خواهان رخت بر بستن تمام قوای موجوده بشمول قوای هوایی و بحری امریکا و متحدینش از ویت نام در مقابل آزاد ساختن اسیران جنگی هانوی بود (یعنی قوایت را از سرزمین من خارج کن و من محبوسین تانرا آزاد میسازم. ولی طالب میگوید امریکا قوای خود را از افغانستان خارج کند و هم محبوسین قاتل و انتحاری طالب را از محبس افغانستان آزاد سازد). تهاجم مستقیم امریکا در ویتنام ختم شد و برای کمتر از یک روز جنگ بصورت مؤقت بین سه گروه متخاصم توقف یافت. این موافقت نامه از طرف مجلس سنای امریکا تصویب نگردید (فعلاً طالب یک هفته قرارداد تنقیص خشونت دارد که امید از طرف کانگرس امریکا مورد بحث قرار گیرد؛ بحث شد اما بی نتیجه).

بروز هشتم می سال ۱۹۷۲م پرزیدنت نکسن یک امتیاز بزرگ به ویت نام شمالی قایل شد و اعلان نمود که آتش بس را به عوض یک شرط قبلی آزادی اسیران برای عقب کشی قشون خود، می پذیرد. یعنی امریکا قوای خود را از ویت نام جنوبی بدون اینکه ویت نام شمالی عین کار انجام دهد به عقب میکشاند. این امتیاز، وقفه را از بین برد و منتج به حل مشکلات مذاکرات در چند ماه آینده شد.

ویت نام شمالی با حمله ای که Nguyen Hue نام داده بودند و در غرب بنام Easter Offensive «تهاجم ایستر»^(۱۵۷) و در ویت نام جنوبی «بهار با شعله های آتشین» یاد میشد، آغاز نمود. «پروگرام ویتنامی ساختن»^(۱۵۸) نکسن یک پالیسی بود که به اساس آن قوای ویتنام جنوبی مجهز، تربیه و وسعت میافت تا با قدرت قابل وصف محاروبی بتواند به جنگ دوام دهند و در عین حال به تدریج امریکا قوای خود را از آن مملکت خارج سازد. این پالیسی نکسن، ویت نام شمالی را در هراس افکند. ازین جهت، ویت نام شمالی هم تصمیم گرفت تا قبل از آتش بس؛ ساحه ای بیشتر زمین را تحت کنترول خود در آورد، ضربه ای شدید به قوای ویت نام جنوبی و اضلاع متحده وارد سازد و مفکوره ای ویتنامی ساختن امریکا را نابود کند. این جنگ بین قوای مردم ویت نام (قوای نظامی ویت نام شمالی) و قوای جمهوریت ویت نام (قوای نظامی ویت نام جنوبی) و قوای نظامی امریکا در ۳۰ مارچ آغاز و تا ۲۲ اکتوبر ۱۹۷۲م دوام یافت.

مردم افغانستان از پشتونیزه ساختن مملکت توسط یگ گروه معدود افراطیون پشتونیزم در هراس اند و پلان دارند در مقابل آن به مبارزه پردازند چون افغانستان مربوط به همه اقوام و اقشار سرزمین است نه چند نفر نوکران پاکستان که تفوق طلب، ظالم، قاتل و تخریبگران اند.

امریکا به جواب حمله ای ویت نام شمالی، عملیات دفاعی^(۱۵۹، ۱۶۰) (linebacker) را از نهم ماه می تا ۲۳ اکتوبر ۱۹۷۲م به منظور دفاع از ویت نام جنوبی، با حملات بسیار شدید قوای هوایی به راه انداخت که مانع رسیدن ویت نام شمال بصوب جنوب گردیده صدمات زیاد بر ویت نام شمال و جنوب وارد ساخت. همچنین درین مرحله، ویت نام شمالی هراس داشت که اگر مساعی نکسن در صورت دیتانت (détente) عایق با ایجاد روش دوستانه) رابطه ای امریکا را با قدرت های بزرگ کمونسنت اتحاد جمائیر شوروی و جمهوریت مردم چین که قوای نظامی ویت نام شمالی را حمایت میکردند، بهبود بخشد، آنها به انزوا کشانیده خواهد شد. بتاء، تو^(۲۰) (Thø) عضو پولیتبیورو در یک نشست با کسنجر^(۲۹) تمایل نشان داد که

در صورت به قدرت ماندن حکومت سایگون مذاکرات میتواند به مرحله ای نهایی منجر گردد (آیا طالب هم نوع این تقاضای سری داشت؟). در ظرف ده روز مذاکرات سری توانست که آخرین درافت (مسوده) را طرح نمایند. (طالب ها هم گفته اند که ده روز بعد از امضای موافقتنامه هیأت مذاکره از طرف حکومت تعیین و آزادی محبوسین روی مذاکرات بین الافغانی بحث میشود). کسنجر در واشنگتن اعلان نمود که «صلح نزدیک است». ولی «تیو»^(۱۵۴) رئیس جمهور ویت نام جنوبی مذاکرات سری را نه پسندید و طرح را بدون تغییرات لازمه قابل پذیرش نیافت.

بهر صورت، تعداد وفیات در طول زو خورد از ۱۹۶۵م به اینطرف بی نهایت از حد تحمل خارج شد (اضافه از پنجاه هزار) و در داخل امریکا جنگ ویتنام را قبول نا پذیر ساخت. بناء، حوالی خزان ۱۹۷۲م بود که فشار بی نهایت زیاد بر نکسن وارد آمد تا از جنگ دست بکشد. بالنوبه، امریکا ویت نام جنوبی را سخت تحت تقاضای شدید قرار داد تا پیمان صلح را باوجود دست نیافتن به امتیازاتی که «تیو» طلب داشت امضا کند. نکسن به مردم ویت نام جنوبی وعده داد که به کمک های بیشمار امریکا دوام میدهد، چون در انتخابات نکسن با موفقیت سرتاسری انتخاب شده بود فکر میشد که به وعده ای خود وفا میکند. با استفاده ازین تجربه مردم افغانستان هم با فشار های سرتاسری و شرکت همه اقشار میتوانستند بر امریکا فشار بیاورند که با طالب ظالم و تروریست شناخته شده از معامله گری بحد مردم افغانستان دست بردار شود که متأسفانه ناوقت است. زیرا پرابلم انتخابات ریاست جمهوری را به استفاده از دو خاتم آمرین کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات متصدیان دولتی را بخود مشغول ساختند و موضوع صلح نام نهاد را با طالب که اصلاً یک موافقت نامه برای خروج عساکر امریکا از افغانستان است طبق آمال به پایان رسانیدند.

نکسن، برای اینکه جدیت وعده ای خود را به «تیو» نشان دهد عملیات دفاعی دوم^(۱۶۱) Linebacker II که شامل بمباردمان شدید بر ویت نام شمالی بود در دسامبر ۱۹۷۲م امر داد. همچنین نکسن، سعی ورزید تا قوای ویت نام جنوبی را از از ماه می تا دسامبر ۱۹۷۲م زیر عنوان عملیات «زیاد تر و حتی بیشتر» (Enhance and Enhance Plus) با مقادیر عظیم سامان و لوازم و مواد نظامی تقویت بخشد^(۱۶۲). هدف دیزاین این عملیات آن بود که ویت نام شمالی را بر میز مذاکره نگهداشته و نگذارد که میز مذاکره را ترک کند و هم ادعای پیروزی کامل نداشته باشد. وقتیکه حکومت ویت نام شمال موافقه نمود که بحث «تکنیکی» را با امریکا از سر بگیرد، بروز ۳۰ دسمبر نکسن امرتوقف بمباردمان را در موازات بیستم^(۱۶۳) 20th parallel که یک حلقه ای دایروی عرض البلد است که ۲۰درجه به شمال خط استوا قرار دارد (۱۶۳) صادر نمود. با تعهدات اضلاع متحده که از جنگ دست میکشد (و بعد ازینکه نکسن ویت نام جنوبی را تهدید نمود که اگر موافقت نکند امریکا آنها را تنها گذاشته از صحنه خارج میشود) تیو رئیس جمهور ویت نام جنوبی چاره ای دیگر جز رضائیت به موافقه نداشت؛ آن وقت بود که امریکا با شدت حملات هوایی و تهدید، حریف را به میز مذاکره مجبور ساخت و برایشان موقع نداد که ادعای پیروزی کامل نمایند؛ متأسفانه اکنون حریف امریکا که یگ گروه تروریست ظالم بد تراز ویت من، انتحاری تر و ظالم تر اند، امریکا را به زوربه اثر فشار روسیه و چین و پاکستان و عرب ها به میز مذاکره کشاتید. ساعتی قبل، بروز امضای موافقت نامه ای دوحه یک گروه از طالب ها با بیرق های سفید مزین با کلمه ای طیبه بدوش منظم روان بودند. در میان سرک ستانکزی یا خواندن سوره ای مبارک نمبر ۱۱۰ النصر «اذا جاء نصرالله و الفتح...» همقطاران خود را از فاتح بودن شان تبریک گفت و سخن از امارات اسلامی افغانستان به زبان میآورد.

راستی تعجب آور است که چقدر گذشت زمان بر حوادث و رویدادها رو میگذرد. در سال ۱۹۷۲م اضلاع متحده ای امریکا که قدرت و عظمت داشت با تهدید و استفاده از قوای هوایی غران و خشن دشمن را مجبور به میز مذاکره ساخت. لاکن در سال ۲۰۱۹م یک گروه تروریست که عبارت از طالب ظالم است امریکا را با «تهدید حملات انتحاری برای صد سال» به زور به میز محاکمه میکشاند و قوماندانانش اقرار میکند که با جنگ نمیتوانند بر دشمن غلبه یابند. جای تأسف است که بلیونها دالر مصرف میشود و هزاران فرزند امریکا با انفجارات پارچه پارچه میشوند ولی به دشمن جواب دندان شکن داده نمیشود. این روش جنرال امریکایی سخنان ادمیزال دانجیلورا که به جنرال لوکلیر در هشتم مارچ ۱۹۴۶م در هانوی گفته بود بخاطر زنده ساخت که اظهار داشت: «من تعجب میکنم! بلی من تعجب میکنم که فرانسه چنین یک قوای با شهامت و جنگی دارد ولی چیف آن عوض جنگ (که وظیفه ای آنست)، گپ میزند و مذاکره میکند». کرچه جنرالها مستقیماً درین مذاکرات بین طالب و امریکا دخیل نیستند ولی در پس پرده یک تعداد معدود شان، که نمیدانم چرا؟ مشوق تسلیمی امریکا به یکدسته تروریست ها اند (آیا لابیست های پاکستان موفق شدند؟). چیف است که به عوض موفقیت حملات هوایی شبانه روز ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م امریکا در مقابل طالب در ظرف چند روز، امروز امریکا ضعف نشان میدهد و عقب نشینی میکند و میگذارد طالب که دشمن شان است اعلان پیروزی کند. فکر میگردم پریزیدنت دونالد ترمپ از جنرالان خود بیشتر میداند.

بروز ۱۵ جنوری ۱۹۷۳م پریزیدنت نکسن اعلان کرد که فعالیت های حمله بر ویت نام شمالی را به تعلیق درآورده است. کسنجر و تیو بروز ۲۳ جنوری با هم ملاقات نموده و پیمانی را که تقریباً مانند پیمان سه ماه قبل بود امضا کردند.

این پیمان بروز شنبه ۲۷ جنوری سال ۱۹۷۳م برای به میان آوردن صلح در ویت نام و ختم جنگ در آنجا در «قصر مجیستیک» پاریس امضا شد. مفاهمه گران این موافقتنامه از طرف امریکا هنری کسنجر Henry Kissinger و از طرف ویت نام شمالی لودوس تو Lé Đức Tho بود. این موافقتنامه از طرف حکومت جمهوری دیموکراسی ویت نام (شمالی)، جمهوری ویت نام (جنوبی)، اضلاع متحده ای امریکا و حکومت انقلابی مؤقت (PRG) که از انقلابیون اصیل ویت نام جنوبی نمایندگی داشتند، پذیرفته شد. اما موافقت نامه ای ۲۰۲۰م اضلاع متحده و طالب از طرف مردم افغانستان پذیرفته نشد.

عنوان: پیمان صلح پاریس (۲۷)

پیمان در نه (۹) فصل ۲۳ ماده در ۱۲ صفحه در انترنت نشر شده است و نیویارک تایمز انرا در شماره ای روز ۳ مارچ ۱۹۷۳ در صفحه ای شش (۶) خود هم به چاپ رسانیده است.

موافقت نامه جهت ختم جنگ و برگرداندن صلح در ویت نام.

طرفین شرکت کننده در کنفرانس پاریس در موضوع ویت نام: با در نظر داشت ختم جنگ و برگرداندن صلح به اساس احترام برای حقوق اساسی و ملی مردم ویتنام و حق مردم ویتنام جنوبی برای تعیین سرنوشت و برای تشریک مساعی درپایدار ساختن صلح در آسیا و جهان به مواد و مدارک ذیل موافقت کرده اند که آنها را محترم شمرده تطبیق مینمایند.

فصل اول- حقوق اساسی مردم ویت نام در ماده ای اول تذکر یافته است.

فصل دوم- قطع خشونت و عقب نشینی قشون از ماده ای دوم تا هفتم نگاشته شده است. ماده ای سوم جزء الف، ب، ج؛ دارد.

فصل سوم- اعاده ای اسیران پرسونل نظامی و ملکی خارجی با رهایی اسیران و محبوسین پرسونل

ملکی ویت نام. ماده ای هشتم که سه جزء الف، ب، ج؛ دارد.

فصل چهارم- مساعی مردم ویت نام جنوبی برای حق تعیین سرنوشت خود شان. از ماده ای نهم الی چهارده بوده ماده ای نهم سه جزء الف، ب، ج؛ دارد. آر تیکل ۱۲ هم اجزای الف و ب؛ دارد.

فصل پنجم- ترمیم سیاسی دوباره ای ویت نام و رابطه بین ویت نام جنوبی و شمالی. در ماده ای ۱۵ با اجزای الف، ب، ج، د ذکر شده است.

فصل ششم- کمیسیون مشترک نظامی، کمیسیون بین المللی کنترل و نظارت، کنفرانس بین المللی. از ماده ای ۱۶- ۱۹ بوده ماده ای ۱۶ دارای اجزای الف، ب، ج، د؛ میباشد. ماده ای ۱۷ اجزای الف، ب، ج؛ دارد. ماده ای ۱۸ دارای اجزای الف، ب، ج، د، ه، و، ز، ح، ط؛ میباشد

فصل هفتم- درباره ای کمبودیا و لاؤوس. ماده ای ۲۰ است که حاوی اجزای الف، ب، ج، د؛ است.

فصل هشتم- رابطه بین اضلاع متحده وجمهوریت دیموکراتیک ویت نام. دوماده ای ۲۱ و ۲۲ دارد

فصل نهم- موضوعات دیگر. در ماده ای ۲۱ با تشریحات ذیل نگاشته شده است:

این موافقت نامه بعد از امضای نمایندگان با اقتدار طرفین که در کنفرانس پاریس در باره ای ویت نام شرکت کرده اند در معرض اجرا قرار میگیرد. تمام طرف های علاقمند باید جداً این موافقت نامه و پروتوکول آنرا تطبیق نمایند. در پاریس در این روز بیست و هفتم جنوری یکهزار و نهصد و هفتاد و سه به زبان های انگلیسی و ویت نامی میباشد که متن انگلیسی و ویت نامی هر دو مساویانه مؤثق اند.

*برای حکومت اضلاع متحده ای امریکا امضا کرد: ویلیم پی راجر^(۱۶۴) William P. Rogers وزیر خارجه (سکرتر دولت).

*برای حکومت جمهوریت دیموکراتیک ویت نام امضا کرد: Nguyen Duy Trinh (بیوگرافی بزبان ویتنامی ۱۹۱۰ - ۱۹۸۵م) وزیر خارجه.

*برای حکومت جمهوری ویتنام (هنگام جنگ) امضا کرد: ترن فان لم^(۱۶۵) Tran Van Lam وزیر خارجه.

برای حکومت مؤقت انقلابی جمهوریت ویت نام جنوبی (ویت کانگ) امضا کرد: خانم نگوین تایی بن^(۱۶۶) Nguyễn Thị Bình وزیر خارجه.

نوت: منبع انترنت این معلومات را از آدرس ذیل اقتباس کرده است:

http://en.wikisourcr.org/w/index.pho?title=Paris_Accords&oldid=7152624

واینست خلاصه ای توقعات از پیمان فوق:

- *خارج شدن تمام قوای امریکا و متحدینش در ظرف شصت (۶۰) روز
- *موازی با آن رهایی محبوسین جنگ
- *پاکسازی ماین ها در بنادر ویت نام شمالی از طرف اضلاع متحده
- *آتش بس از طرف ویت نام جنوبی و خط کشی دقیق بین مناطق تحت کنترل کمونست ها و حکومت (ویت نام جنوبی).
- * «آشتی ملی و هماهنگی» با کمونست ها، حکومت و گروه بیطرفان، تا آزادی های دیموکراتیک تطبیق و انتخابات آزاد در ویت نام جنوبی برگزار شود.
- *تاسیس « کمیسیون مشترک نظامی» که متشکل از چهارگروه سیاسی (ویت نام جنوبی، ویت نام

شمالی، کمبودیا و لانوس) و کمیسیون بین المللی کنترل و نظارت باشد. این کمیسیون از: کانادا، هنگری، اندونیزیا و پولند تشکیل شده بود و وظیفه داشتند تا آتش بس را تطبیق نمایند. هردو گروه سیاسی و کمیسیون نظامی باساس اتفاق آراء عمل نمایند.

*برآمدن قوای خارجی از لاؤوس و کمبودیا

*منع اعطای لوازم حربی به ویت نام جنوبی به استثنای ترمیم و تعویض پرزه جات.

*توقف فرستادن بیشتر پرسونل نظامی به ویت نام جنوبی

*کمک مالی امریکا «جهت التیام زخم های جنگ» در تمام هندوچین.

پیمان صلح بین طالب و امریکا بروز شنبه ۲۹ فروری ۲۰۲۰م مطابق ۱۰ حوت ۱۳۹۸ و ۵ رجب المرجب ۱۴۴۱ق به امضا رسید. بفر من، امکان دارد درین تیاتر سیاسی که امریکا دایرکتر و ملل متحد و اتحادیه ای اروپا معاونین آن بوده با چند اکتورآماتور که خلیلزاد نویسنده ای درامه است آرزو بسر می پروراندند تا داکتر عبدالله عبدالله رئیس جمهور منتخب با رای های بیومتریکی را در رول «دئیم» رئیس جمهور ویت نام جنوبی آورده او را مانند سالهای پار و پرار روی صحنه ای تمثیل شان بیچاره ظاهر سازند. یعنی در اثر فشار بید به یک نوعی که متصدیان سیاسی، اقتصادی، نظامی و استخباراتی امور خارجی امریکا و پاکستان قبلاً طرح نموده بودند، از او درین رول به نفع اشرف غنی با رمزهای زورسالاری و تقلب، جبراً استفاده کنند.

خوشبختانه! با تزویری که داشتند موفق نشدند. داکتر عبدالله عبدالله سیاستمدار متبحر و مجرب از سالها به این طرف برای این روز آمادگی داشت و دشمنان فکر میکردند که او را باز فریب داده میتوانند و ندانستند که فریب خوردن های مصلحتی آن روزها زمینه ای برای نا مصلحتی امروز و موفقیت سرتاسری مردم افغانستان بود. حال میدانیم که چرا سوالات دوستان را به صبر و حوصله توصیه میکرد. گمان نمیکنم این فرصت طلایی را که همه اقوام و اقشار مردم با او است رایگان از دست دهد. پالسی «درب باز» او برای مذاکرات هم از پختگی های سیاسی اوست.

همه خدام صادق افغانستان موفق، سرفراز، با عزت و دز پناه حضرت الهی باد.

شهر من بتو می اندیشم

محبت رفته از یاران کابل
نکرده هیچکس دردش دوایی
بهر سو مردمانش خوار گشته
صفا و مهر جایش را سپرده
زمستانش همه با برف زیبا
همه جا در خیالش میسرایم
کجا بردند آرامش ز قلبم
ز بارانه و چارچته خبر نیست
خرابات و سرچوکش تباه شد
مرا شب ها بردچرت و خیالش
خداوند دعا دارم هزار بار
همه جا ساغر و امش تباه شد

غم و ماتم شده پیمان کابل
بجز چورو چپاول نان کابل
ر بوده شهرتش، دزدان کابل
برای درد و غم گریان کابل
غریب و بینوا حیران کابل
برای مردم مستان کابل
شوم یکسر همه قربان کابل
کجا شد آن همه شیران کابل
ز دست ظلم نامردان کابل
بسوی کوجه ای خوبان کابل
برای مرد وزن پیران کابل
بده ساقی می از عرفان کابل

بکن انصاریا امشب دعایی

شود نور محبت شان کابل

المذنب میر محمد صابر انصاری

آسترالیا، سدنی، منلی بیچ ۲۰۱۵/۱۷/۱

قسمت پنجم و اخیر (از ما بعد پیمان صلح پاریس تا در در دل با جوانان)

مفاهمه ای که به پیمان صلح پاریس انجامید در سال ۱۹۶۸م آغاز یافته بود و بعد از یک تاخیر دوامدار، قسمسکه بیشتر نذکر رفت، به پایه ای تکمیل رسید. در اثر این پیمان، کمیسیون کنترل بین المللی (ICC) به کمیسیون بین المللی کنترل و نظارت (ICCS) تعویض شد تا موافقت نامه با نظارت پیمان موفقانه تطبیق شده بتواند (الف) ۱۶۶). مذاکره کنندگان این موافقت نامه که در بالا از آنها نام برده شد به جایزه ای نوبل صلح در سال ۱۹۷۳م مفتخر گردیدند؛ کسنجر جایزه را با شوق تمام پذیرفت ولی Tho جایزه ای نوبل را رد کرد.

پیمان صلح پاریس با برآمدن امریکا در زدو خورد های ویت نام مؤثر بود. اما شرایط موافقت نامه توسط هر دو حکومت های ویت نام شمالی و جنوبی به نظرا هانت دیده میشد. کمونست ها نفوذ خود را در منطقه وسعت بخشیدند ولی کدام عکس العملی از طرف امریکا دیده نشد و تا اخیر سال ۱۹۷۳م تمام ساحه ها را تحت کنترل خود در آوردند. قوای نظامی ویت نام شمالی تدریجاً زیر بنای نظامی خود را در منطقه ای تحت کنترل خود اساس گذاشت که پسان توانستند حمله ای موفقانه بر کوریای جنوبی فرو بیاورند و مملکت استقلال خود را از دست بدهد. بعداً، تقریباً بلا تأمل و بزودی جنگ از اثر برخورد های جانبین دوباره در ماه مارچ ۱۹۷۳ شروع شد. (مذاکره ای امریکا جهت صلح با طالب بدون درج ماده ای آتش بس پایدار بی معنا بوده بعد از مدتی نظر به عدم اعتماد در قول طالب ها و هم اضلاع متحده برخورد ها و جنگ ها آغاز خواهد یافت).

ریچارد نکسن، سرّی به تیو رئیس جمهور ویت نام جنوبی و عده داده بود که اگر ضرورت بیافتد امریکا فوراً قوای هوایی خود را جهت حمایت از آنها فعال خواهد ساخت. در ماه جون ۱۹۷۳م کانگرس امریکا فعالیت های نظامی را در ویت نام، کمبودیا و لاؤوس منع قرار داد و تصمیم گرفتند که اگر رئیس جمهور فکر میکرد رفتن به جنگ ضروری باشد باید اول موافقه و تائید کانگرس را بدست بیاورد. در عین زمان، تا ماه اگست ۱۹۷۳م تقریباً ۹۵٪ قوای امریکا و متحدینش از هر دو ویت نام ها بر آمده بودند. نکسن در ۱۹۷۴م استعفا داد و در اوایل ۱۹۷۵م ویت نام شمالی آخرین ضربه ای نظامی خود را بر ویت نام جنوبی حواله کرد. کانگرس امریکا بودجه ای برای دفاع از ویت نام جنوبی تهیه ساخت ، تیو استعفا داد و در یک بیانیه ای رادیویی و تلویزیونی خود امریکا را به خیانت و وعده خلافی متهم ساخت. بفر من، با امضای موافقت نامه با طالبان و حصه ندادن دولت در مذاکرات؛ دونالد ترمپ رئیس جمهور اضلاع متحده به عین موقعیت نکسن قرار گرفته است.

همچنین، با خموش ماندن ترمپ در برابر حمله ای ترک بر کردها در سوریه که بروز نهم اکتوبر ۲۰۱۹م در منطقه ای «روژاوا» کردستانی ها صورت گرفت این نوع آوازه ها بلند شد؛ کرد ها امریکا را با بیرون کشیدن قوای خود از سوریه، به تنها گذاشتن و قتل عام خود توسط قوای مهاجم ترک، متهم ساخت. ترمپ سخت از طرف دیموکرات ها و جمهوری خواهان کانگرس تحت فشار قرار گرفت^(۱۶۷) و مایک پنس، معاون او اظهار داشت که پرزیدنت با ترکیه به تماس آمده تقاضای توقف تهاجم و آتش بس نموده که باید هرچه زودتر اعلان کند. در نتیجه، توقف پنج روزه ای حملات ترکی بر مواضع کردها صورت گرفت^(۱۶۸).

در افغانستان، دلبلیو بوش چهل و سومین رئیس جمهور امریکا بعد از اینکه امریکا از طریق مردم افغانستان انتقام جنگ ویت نام را از روس ها گرفت صحنه ای بعد از جنگ را ترک گفت، و خلای بزرگ را جهت فعالیت پاکستان بار آورد و زمینه ای جنگ های نیابتی^(۴۵) شان را تسهیلات یخشود و رفیق صمیمی پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان گردید. بالنتیجه، جنگ داخلی شعله ور شد^(۱۶۹) (مشرف بروز ۱۷ دسامبر ۲۰۱۹ از طرف محکمه ای مخصوص بجرم خیانت و تخلف از قانون اساسی پاکستان به مرگ محکوم شد^(۱۷۰،۱۷۱) حتی پخش شده است که اگر قبل از اعدام فوت کند جسدش باید برای سه روز در محضر عام آویزان بماند^(۱۷۲). مخالفین او از این فیصله استقبال نموده اند^(۱۷۳) اما ارتش پاکستان آنرا غیر قانونی شمرده نپذیرفته است^(۱۷۴)). در نتیجه، جنگ های داخلی^(۱۶۹) بین فرقه های مختلف که هر کدام حامی خارجی خود را داشت مشتعل و کابل زیبا ویران و مردمان نجیب آن تبعید گردیدند. این جنایت مخصوصاً توسط گلبدین بچه خوانده ای جنرال محمد ضیاء الحق رئیس جمهور و قوماندان نظامی پاکستان از همه برتری داشت، کابل با باران راکت های او ویران و تخریب گردیده «قصاب» و «راکتیار» کابل موسوم گشت^(۱۷۵). حکومت پرزیدنت پروفیسور ربانی^(۱۷۶) تا ظهور طالب دفاع کرد و نگذاشت که افغانستان صوبه ای پنجم پاکستان شود^(۳۷،۳۸). با حکمرانی مؤقت طالب زیر نام «د افغانستان اسلامی امارات^(۱۷۷)»، افسران و اربابان پاکستان آزادانه بداخل مرز افغانستان مانند امریکایی های امروز رفت و آمد داشتند، تجارت میکردند و صاحب ملکیت شدند. در حالیکه طفل مهاجرین افغانستان را در مکاتب و دانشگاه های خود اجازه نمیدادند؛ تنها آنهائیکه وضعیت اقتصادی خوب داشتند در موسسات شخصی درس میآموختند.

بروز ۳۰ اپریل ۱۹۷۵ سایگون به کومک ویتکانگ به تصرف ویت نام شمال درآمد. در اوایل صبح ۲۹ اپریل تخلیه ای آخرین گروپ دیپلوماتها، پرسونل نظامی و ملکی توسط هایکوپترها از سایگون شروع و در ظرف ۲۴ ساعت تکمیل گردید. بتاريخ دوهم جولای ۱۹۷۶م ویت نام شمالی و جنوبی با هم یکجا

شدند و «جمهوریت سوسیالیستی ویتنام»^(۹) را تشکیل دادند. قرار موافقت نامه ای اضلاع متحده با طالبان، آنها در ظرف ۱۳۵ روز تخلیه ای عساکر خود را شروع نموده در ظرف ۱۴ ماه همه عساکر خود را به تدریج از افغانستان بیرون میسازد؛ ولی همه مشروط به، کردار و روش طالب ها، رقم زده شده است.

به اساس خبر مؤرخ ۴ مارچ ۲۰۲۰م مطابق ۱۴ حوت ۱۳۹۸ بی بی سی، دو روز بعد از امضای موافقتنامه طالب ها در ظرف ۲۴ ساعت طالب به ۴۳ حمله علیه نیروهای امنیتی در ۱۵ ولایت افغانستان دست زده شانزده نفر از نیروهای امنیتی را به قتل رسانیده اند و گفته اند که بر نیروهای خارجی حمله نمیکنند. (ولی عساکر مسلمان را که از خاک خود به مقابل ظالمان و متمردين دفاع میکنند بشمول افراد ملکی و اطفال معصوم و بی گناه به قتل میرسانند و خود را شیخ الحدیث و مفسر قرآن هم میدانند). در مقابل در اثر درخواست قوای امنیتی، قوای هوایی امریکا بر آنها در ولسوالی نهر سراج ولایت هلمند بمب ریخت (انترنت – آیفون). اینست روش شان و آنست جواب که نمی دانم تا چه وقت دوام خواهد یافت.

جنگ از ویت نام یک خرابه ساخت. بین ۹۶۶،۰۰۰ تا سه میلیون و هشتصد هزار مردم درین جنگ کشته شدند. بعد از جنگ، ویت نام شمالی به کشتارهای دسته جمعی جنوبی ها از ترس اینکه میادا امریکا و ممالک غربی دوباره مداخله کنند، دست نزد. ولی سه صد هزار افراد ویت نام جنوبی را در کمپ های نام نهاد «تعلیم و تادیب دوباره»^(۳۳) رهنمون ساخت. در آنجا این اسیران شکنجه میشدند، غذا خیلی ها کم بود و یا هیچ برای شان مهیا نمیشد، فاقگی در میان اسرا به اوجش رسیده بود، امراض گوناگون شیوع داشت ولی مداوا میسر نبود، بآنهم این مظلومان به کارهای شاقه با جبر و شکنجه گماشته میشدند. در عین حال صنایع و فارم های زراعتی اشتراکی بوجود آوردند. بعد در سال ۱۹۷۸م بر کمبودیا حمله بردند و بعد از تصرف فنم پن Phnom Penh حکومت را خلع و حکومت طرفدار خود را جانشین آن ساختند و نام کمبودیا را به «جمهوریت مردم کمپوچین»^(۱۷۸) مبدل ساختند که تا ۱۹۸۹م قدرت بدست داشتند. این تهاجم که بکومک روس ها پیاده شده بود ناخوشی چین را بوجود آورد که با عواقب وخیم و دلخراش بدرقه گردید؛ امروز بنام «سلطنت کمبودیا» شهرت دارد.

در ششمین کانگرس ملی^(۳۴) حزب کمونست ویت نام (CPV) سیاستمداران ریفورمیست تصمیم گرفتند که «پاسداران کهنه» یا old guard باید با یک لیدر شپ جدید تعویض گردد. ریفورم خواهان به سرکردگی مرد ۷۱ ساله بنام نگوین فان لینه^(۱۷۹) Nguễn Văn Linh (۱۹۱۵ – ۱۹۹۵م) که سکرتر جنرال جدید حزب تعیین شده بود و در وقت جنگ لیدر ویتکانگ بود، به کار آغاز نموده بنام «گوربچوف ویتنام» شهرت گرفته است. ریفورم مارکیت آزاد بنام «نوآوری یا Renovation» رویکار آمد. با دقت تام انتقال «اقتصاد پلان شده» به «مارکیت اقتصادی متمرکز به سوسیالیستی» تبدیل و تنظیم گردید (در افغانستان بدون دقت، اقتصاد بازار آزاد با مشاورین ارشد رئیس جمهورکزی به میان آمد و ناکام پایان یافت). پروگرام «نوآوری» سبب تغییر در قدرت و تشکیلات اولیای امورنگردید. حکومت ملکیت فارم های شخصی و تاسیس فاریکه ها را تشویق نمود، از طرف حکومت تسهیلات در امور اقتصادی رخداد و سرمایه گذاری خارجی رواج یافت؛ این اصلاحات و پروگرامهای ریفورمی توانست که اقتصاد ویت نام را در ساحه های مختلف تولیدات زراعتی، صنعتی، ساختمانی، صادرات، و سرمایه گذاری خارجی پیشرفت های قابل وصف نصیب ساخته اقتصاد ویت نام را قوی و مترقی سازد. چون چهل و ششمین بزرگترین مملکت در اقتصاد جهان ظهور کرد و در لست ثروتمندترین ممالک در ردیف ۱۲۰ قرار گرفت. عمده

ترین تولیدات ویت نام زراعت و برنج و بوکسایت (Bauxite) که در تولید آلومینوم بکار میرود، بوده از شرق ویتنام بدست میآید.

معهدا، اقتصاد ویتنام با تنقیص کمک های روسیه، از بین رفتن بلاک شرق، کولپس اتحاد جماهیر شوروی و تحریم بعد از جنگ از طرف امریکا سیرقهقرایی گرفت که با آزادی سالم تجارت و چندین بار تغییر در ارزش اسعاری پولی، ازدیاد در صادرات و پالیسی انکشاف اقتصادی دوباره به پا ایستاد. ویت نام امروز یکی از ممالک مترقی دکنالوجیکی در جهان است. در نمایش موتر ۲۰۱۹ م موترهای ساخت ویتنام به نمایش گذاشته شده بود. مارکیت موتر ویتنام بسیار کوچک است ولی از سریعترین پیشرفت در جنوب شرق آسیا بشمار میرود.

اقتصاد افغانستان متکی بر امداد ممالک خارجی و یک نوع سرمایه گذاری خارجی با رایحه ای NGO یا موسسات غیر دولتی^(۱۸۰) است. کدام تولیدات عمده ندارد. قالین افغانی که زمانی بازار خوب داشت نظر به قالین های ماشینی و تبلیغات خراب پاکستان شهرت خود را ازدست داده است. لباسهایی که از پوست قره قل به اروپا و امریکا صادر میشد از باعث ظهور «حیوان دوستان^(۱۸۱)» نیز از فروش باز ماند. صدور نباتات طبی به بذر خاشخاش و تولید اوپیوم تبدیل شد و افغانستان ۹۰٪ تولید کننده ای آن در جهان معرفی گردید. توریسم را جنگ های داخلی و طالب ظالم و القاعده و داعش به صفر تقرب داد. درخت های جلغوزه را پاکستانی ها قطع و با خود بردند ولی در سال ۲۰۱۹ م اشرف غنی خبر داد که تولیدات جلغوزه صادرات خوب بطرف چین بود. همچنین پاکستان و بالخاصه چین معادن مس ما را به تاراج برده اند. میوه های ما که از طریق پاکستان باید به هند برسد نظر بدشمنی پاکستان با مردم افغانستان هم چندان خوب نیست، قاچاق اوپیوم و تریاک و چرس که تجارت سالم نیست، دزدی معادن ما و فروش آن به بازار خارج ثبت اوراق دولت نبوده عایدات آن جیب قاچاق چیان و شرکای خارجی شان را پر ساخته است. از گمرکات هم عایدات به سرقت میرود. تهدید بی امنیتی، عدم موجودیت زیر بنا یا infrastructure {با تعریف: ترانسپورت، انرژی (برق)، تیلیکمیونیکیشن مناسب، آب آشامیدنی و sanitation، هوای پاک، صحت و تعلیم و تحصیل} فساد بیحد، همه اقتصاد راستین مملکت را متضرر ساخته است. امید روزی این همه موانع رفع گردیده و افغانستان عزیز چون ویتنام بلکه بهتر تر به پای خود بایستد.

بروز یکشنبه سوم نوامبر ۲۰۱۹ م نور محمد ظهوری از پکتیا در Afghanistan my Passion نوشت:
«در کوه موسوم به «ترخه اوبه» ولسوالی گومل ولایت پکتیکا جاهیکه دولت وجود ندارد نظامیان پاکستان به همکاری چند قُلدر محلی چند کیلومتر داخل خاک افغانستان در حال نصب سیم خاردار اند، این کوه را که سالانه ملیونها افغانی عایدات جلغوزه دارد ودر ضمن یک معدن بزرگ کرومایت نیز در آنجا موجود است شامل حکم روایی خود ساخته است....». از دولت خواسته است که اقدامات فوری و جدی کند. اما اشرف غنی و متصدیان اموردولتی اش در گودال تقلبات انتخاباتی برای مفاد شخصی غرق بوده تمامیت ارضی افغانستان را فراموش نموده اند که قرار قانون اساسی افغانستان به مسؤولیت تحلیفی خود و قانون اساسی مملکت ناکام مانده مانند جنرال مشرف مستحق محاکمه ثابت شده میتواند..

در افغانستان، مردم آنچه در روی سرک و جمع و جوش می بینند فکر میکنند مملکت اقتصاد خوب دارد. اشرف غنی توانسته است مردم را با این دوکانداری های شخصی فریب دهد و خود خزانه ای دولت را بگودال نیستی غرق ساخته به تاراج ببرد. برای اقتصاد مملکت GDP (Gross Domestic Product) که اندازه نمودن تمام تولیدات یک مملکت است^(۳۵) مهم بوده طریقه ایست که متخصصین اقتصاد معیار

صحنی بودن اقتصاد ممالک مربوطه را اندازه میکنند. این امر هر چهار ماه از طرف «بیروی احصائیه ای کارگری امریکا» و دیگر مؤسسات مطالعه میشود. برای افغانستان ارقامی که تهیه شده مشکوک به نظر میخورد. درجه ای نموی سالانه ای GDP حقیقی افغانستان در سال ۲۰۱۸م منفی ۰،۲۰ (-0.20) نظر به سال ۲۰۱۷م راپور داده شده است. وهم افغانستان از جمله ای فقیرترین و کمترین انکشاف یافته ای ممالک در جهان درج گردیده است. فساد اداری در مملکت^(۱۸۲) سرسام کننده بوده در سال ۲۰۱۹م به اساس راپور منبع رسمی در جمله ۱۸۰ ممالکی که فساد اداری کمترین دارند افغانستان در ردیف ۱۷۳ قرار داشت^(۱۸۳). که نشان میدهد فساد اداری به مقایسه ای زمان حامد کرزی کمی بهترتر شده و هم اقتصاد یک اندازه به تدریج نظریه کمک ها و سرمایه گذاری های خارجی روبه بهبودی پیشگویی شده است. بنظر من باوجودیکه در اقتصاد بیسواد استم با پول گزافی که در افغانستان سرازیر شد باید پلانهای اقتصادی موثر برای رشد GDP به مراتب بهتر تر از ویت نام طرح و تطبیق میگردید. متخصصین اقتصاد اگر درین قسمت روشنی بیاندازند بهترتر خواهد بود.

و اما در مقابل، ویت نام که بعد از تخریبات سرتاسری مملکت دوباره خود را در لست ممالک بزرگ جهان جایگزین ساخت فقط از نتیجه ای زحمت کشی مردم و رهنمایی لیبران وطن دوست شان بود که در افغانستان با چند نفریکه با انگستان تعداد شان حساب میشود نمیتوان به آن سویه رسید. بلیونها دالر به افغانستان سرازیر شد؛ میگویند در افغانستان مقدار زیاد آن پول ها توسط ممالک کمک کننده و NGO هایشان دوباره به ممالک مربوطه برگشت لکن اگر لیبران و دولتمران صادق و وطن دوست، نه خارجی دوست، میداشتیم مانع این برگشت میشد و متخصصین وطن دوست افغانستانی که در سر تا سر جهان آماده ای خدمت بودند و سالها آمادگی برای باز سازی افغانستان از روز مهاجرت به دنیای خارج داشتند نه تنها موقع داده نشد بلکه بعضی پلان هایشان کاپی و به خود شان سگ شوی و دو پاسپورته تاپه زده شد. در حالیکه همین دو پاسپورته های وطن دوست، اقتصاد و تکنالوجی را در پاکستان، هندوستان، اسرائیل و ویت نام بنیاد گذاشتند و به اوجش رسانیدند.

مجاهدین^(۱۸۴) ایتلاف هفتگانه در پاکستان و ایتلاف هشتگانه در ایران به مبارزه علیه روس متهاجم قد علم نموده بودند. پاکستان و باندش نمی گذاشت که مجاهدین صاحب یک لیبر مقتدر باشد در عوض با تفرقه اندازی میان شان از یکسو، و نداشتن قدرت دیدگاه سیاسی خود مجاهدین از جانب دیگر، مجاهدین نتوانستند یک لیبری انتخاب کنند که آینده ای این طرح مناقفت امیز پاکستان را تحلیل نماید و آماده ای اتفاق و باز سازی ملک خود با آبله ای کف دست خود باشند. مجاهدین تاجکی یک لیبر محبوب داشتند و آن احمدشاه مسعود^(۲۴) بود که متأسفانه بحیث یک مرد تاجک مورد قبول پاکستان و انگریزها قرار نداشت؛ ضیاءالحق بچه خوانده ای خود، گلبدین را بحیث لیبر می تراشید که با القاب «راکتیار» و «قصاب کابل» بجز باند خودش مورد قبول هیچکس نبود.

در اخیر، فشار مجاهدین و دونالد ریگن^(۴۰) چهلمین رئیس جمهور امریکا سبب شد تا گوربچوف^(۳۹) رئیس جمهور جدید روسیه خروج عساکر خود را طور یک جانبه از افغانستان اعلان نماید. «پیمان صلح ۸۸ افغانستان درجینیوا^(۱۸۵،۱۸۶،۱۸۷)» یا Afghanistan Geneva Accords 88 بروز ۱۴ اپریل ۱۹۸۸م بین افغانستان و پاکستان امضا شد. امریکا و روسیه این پیمان را ضمانت کردند. روسیه اخراج عساکر خود را از ۱۵ می ۱۹۸۸ شروع و تا ۱۵ فروری ۱۹۸۹م تکمیل نموده تمام عساکر خود را از مرز افغانستان خارج ساخت^(۱۸۸،۱۸۹،۱۹۰).

این پیمان که بین ممالک، روسیه، امریکا، پاکستان، جمهوری افغانستان و ملل متحد امضا شد دارای سه ضمیمه، اعلامیه ای ضمانت، موافقت نامه ها، یک یادداشت تفاهم (MOU) و تبصره های وزرای خارجه ای روسیه و امریکا میباشد^(۱۸۷).

این پیمان خیانتی است که در حق مردم باشهامت افغانستان روا داشته شده است. هیچیک از ممالک فوق به تعهدات خود وفا نکرد. پاکستان خلاف تعهد عدم مداخله و عدم تعرض، به جنگ های نیابتی دست زد و طالب را برای قتل مردم افغانستان و تخریب ملک تربیه و با کمک دیگران تجهیز مالی، لوژیستیکی و تسلیحاتی نموده برای مردم دهشت خلق کردند و جوانان ما را فراری ساختند. اصلاً پیمان را با جمهوریت افغانستان یا حکومت داکتر نجیب امضا نمودند که دیگر وجود نداشت. روسیه ای شوروی USSR که از تطبیق پیمان ضمانت کرده بود از بین رفت و جایش را فیدراسیون روسیه^(۱۹۱) یا روسیه گرفت. امریکا بعد از خروج عساکر شوروی هم افغانستان را ترک گفت و افغانستان را درشعله های جنگ داخلی نه اینکه تنها گذاشت بلکه طالب را بکومک حامد کرزی خلق نمود و تلفات مالی و جانی را در میدان کار زار جنگ نیابتی پاکستان^(۴۵) سبب شد. امید روزی جوانان قانوندان ما خلاف رفتار این پیمان را به محاکمه ای بین المللی بکشانند و نگذارند که حق مردم افغانستان از حقوق تاریخ شان بی تکلف فروبرود.

درست است که رژیم انقلاب کمونست ها از شروع تا اخیر تحت لیدرشپ پشتون ها بود و هم راست است که تبعیض خود را در برابر زبان فارسی دری نشان میدادند. آنها در حالیکه به فارسی سخن میگفتند فراموش کرده بودند که پشتو و فارسی هر دو زبانهای ملی افغانستان است و باید بزبان فارسی هم آن پیمان در همان مراحل اول در اختیار مردم افغانستان گذاشته میشد. چرا درین پیمان تنها پاکستان از مجاهدین وکالت داشت در حالیکه بزرگان و نویسندگان و دانشمندان و سیاستمداران نخبه ای افغانستان همه در انوقت در پاکستان مسکن گزین بودند؟ سوالیست که تا کنون نزد من لا جواب مانده است.

استخبارات امریکا فکر میکرد که رژیم کمونستی بریاست داکتر نجیب الله بعد از ۳-۶ ماه از خروج عساکر روسی سقوط خواهد کرد (زما پکتیا) ولی این حدس آنها مصداق پیدا نکرد. چون حکومت داکتر نجیب از خود علایم سقوط نشان نداد، بینظیر بوتو^(۳۷) صدراعظم پاکستان و سفیر امریکا در پاکستان رابرت بی اوکلی^(۳۸) Robert B. Oakley «پلان تصرف جلال آباد^(۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲)» را طرح نمودند. ایندو دشمن مردم افغانستان هرکدام هدف نواختن طبل خود داشت: امریکائی، میخواست انتقام گریز عساکر خود را از ویت نام بگیرد و عساکر روسی را مانند عساکر امریکا در روز تخلیه ای ویتنام از هیلیکوپترها آویزان ببیند تا سرافگندگی و خجلت روس ها در جهان برملا گردد. بینظیر بوتو، میخواست یک حکومت اسلامی در افغانستان تاسیس کند که مانند یک صوبه ای پاکستان بوده جلال آباد مرکز ولایتی آن باشد؛ بوتو پروفیسور عبدالرسول سیاف را صدراعظم و گلبدین حکمتیار امیر حزب اسلامی را بحیث وزیر خارجه آن ایالت مد نظر گرفته بود (زماپکتیا و Encyclopedia).

بروز ۵ مارچ ۱۹۸۹م « عملیات تصرف جلال آباد» با افراد حزب اسلامی (گلبدین و یونس خالص) در صف اول با حمایت قوای مسلح و موتوریزه ای پاکستان ترکیب یافته بود آغاز یافت و ثمرخیل و میدان هوایی جلال آباد را به تصرف در آوردند و مجاهدین نام نهاد که اصلاً پاکستانیها بودند هم به چور و چپاول دست زدند (شاهد عینی). ولی قوای حکومتی ثمرخیل و جلال آباد را تا ماه جولای دوباره به تصرف در آورده پاکستانی ها و میشینری هایشان شکست فاحش خوردند؛ حمله و ران پاکستانی

۳۰۰۰ نفر تلفات دادند و طراحان پلان حمله که ISI و CIA بود خود به جهان خجل و سرافکننده معرفی شدند. بینظیر بوتو حمیدگل را برطرف ساخت و به عوضش جنرال شمس الرحمان کالو را در ISI رئیس مقرر نمود (Encyclopedia). درین اواخر گلبدین در یک مصاحبه ای تلویزیونی حمله ای جلال آباد را یک اشتباه خواند.

احمد شاه مسعود طرفدار تغییر دادن جنگ گوریلابی به جنگ رویارویی نبود و گفته بود: « ما برای پیروزی یک برنامه ای سه مرحله ای داشتیم که مرحله ای اول عبارت از تدارک و هماهنگی میان جبهات بود و برنامه ای دوم حمله بر پایگاه های دشمن و مرحله ای سوم عبارت از پیشروی بطرف شهر ها بود. اما در اجرای مرحله ای اول تطبیق ستراتیژی خویش قرار داشتیم که شوروی ها از افغانستان خارج شدند. خروج نیرو های شوروی درست زمانی طرح بندی شده بود که مجاهدین از نگاه نظامی در موضع تدافعی قرار داشتند»^(۱۹۳).

مجاهدین تا آن حدی بر برادر مسلمان و ملا های دیوبندی پاکستان اعتماد کردند که زیرنام اسلامیت و شریعت اسلامی قوای مجهز خود را منحل ساختند و نمی دانستند که انخلال قدرت، افتادن به چنگ پاکستان و انگریز و طالب و القاعده خواهد بود..... فریب عظیم خوردند که خدا کند باز تکرار نشود.

با در نظر داشت معلومات فوق، از تجارب ممالکی که مثل افغانستان کشتی زندگی شان با طوفان ضرر های مادی و معنوی و بشری در گیسو دار امواج فقر و ناداری بودند و توانستند خود را از ورطه ای تباهی و غرق شدن نجات بدهند باید پند گرفته شود. جوانان ما بیاموزند و این سرزمین زیبا و غنی و با استعداد و زحمت کش را از شر فساد کاران و دزدان رهانی بخشند. بیرق مدنیت و انسان دوستی را زیر سایه ای علم و دانش و تربیه ای طفلکان که مردان آینده اند به اهتزاز در آورند. جوانان ما، با قدرت عقلی و فزیک با منطق و حوصله مندی، رهنمایی عالمانه و وطندوستانه در اتحاد و اتفاق همه اقشار آریائیان، باختریان، خراسانیان و افغانستانی های قدیم و امروز مساعی خسته ناپذیر به خرچ دهند. امید جوانان با هوش و ارجمند افغانستان عزیز مهد تولد همه ای ما را برای ابد در سایه ای امن و برادری و خواهری ستاره آسیا بسازند و به هویت یکدیگر احترام بی شائبه را سر مشق زندگی خود قرار دهند.

من دوستدار وطن و وطنداران رنجبر و زحمت کش خود هستم. روزی نیست که در فکر آن مردم باشهامت و آن سرزمین زیبا، غنی، فرهنگی، کلتوری، جیولوجیکی و ارکیولوجیکی نباشم. از فقر و فاقگی مردم در کنار سفره های مطول با اطعمه ای اسراف و خیانت حکمرانان به ایشان می رنجم و اشک سوزنده رخسار پیر مرا اشک آلود می سازد. چندی در تدریس جراحی به وطنداران خدمت نمودم و مدتی هم با شما مردمان باشهامت و رنج کشیده و مظلوم از طرق نوشته هایم درد دل داشتم. آنهاییکه ان چند سطور گاهی دراز و زمانی نه چندان کوتاه ام را در جریده ای هفته نامه ای امید و دیگر منابع مطبوعاتی باشوق و ذوق خوانده اند، بر من منت ها گذاشته اند که از ته ای دل سپاسگذارم. آن عده وطنداران عزیز که به عمق نوشته هایم پی نبرده اند و بر من اتهامات بسته و برای بد نامی من از هیچ نوع ضرر دریغ نکرده اند گله ندارم؛ امید روزی بدانند که من از حقایق مستند سخن گفته ام؛ درین قسمت چند بینی از صفحه ۳۴۰ کلیات ابراهیم خلیل که طنز ناست جهت سرور خاطر تان اقتباس میکنم و به تعقیب آن چند بیتی هم از ناصر خسرو قبادیانی یمگانی؛ که به حال ما چه خوب مصداق پیدا میکنند، تقدیم میدارم:

ز خشم چشم بر من الق یلق نکنید
شکسته دل چو رئیسان ما سبق نکنید

ز من سخن نشنیده بحرف اهل غرض
گپ درست زشت است فایل آنرا

چون عاقلان به چشم بصیرت نگر مرا
زین چرخ پرستاره فزون است اثر مرا
ره داد و سوی رحمت بگشاد در مرا
چون دشمنان خویش بدل کور و کر مرا
جز تو نبود یار به بحر و به بر مرا
وز دام تو نبود اثر نه خبر مرا
افکنده بود مکر تو در جوی و جر مرا

گر بایدت همی که ببینی مرا تمام
منگر بدین ضعیف تنم زانکه در سخن
شکر آن خدایرا که سوی علم و دین خود
وز دیدن و شنیدن دانش یله نکرد
من دوستدار خویش گمان بردمت همی
بر من تو کینه ور شدی و دام ساختی
گر رحمت خدای نبودی و فضل او

هویت مردم ما، روی اسناد دینی و مدنی و قانونی که نوشته ام اهمیت زیاد برای عصر حاضر و آینده ای مملکت ما دارد. از بایزید روشن تا جنرال علی احمد جلالی سابق وزیر داخله ای افغانستان و استاد تاریخ همه نوشته اند که افغان پشتون است و پشتون افغان. به «لااکره فی الدین» توجه شود و نباید بر مردم جبر روا گردد. اگر در قرن ۲۱، به زور پدر پشتون ها که «قیص» است پدر دیگران ساخته شود بدانید که این پیشآمد خلاف ارشادات نبوی ﷺ است (۱۹۵).

برای رفع این مناقشات «افغان» بودن و دوری جستن از دزدی هویت دیگر اقوام افغانستان پیشنهاد میکنم که چون همه پشتون و غیر پشتون آریایی اند در صورتیکه ضرورت به تغییر نام مملکت بیافتد نام افغانستان را میتوان به «آریانا» و پول آنرا به «ارین» تبدیل ساخت؛ در قرن بیست ممالک ذیل نام خود را بدون گناه، مشکلات و خجالت تغییر دادند (۱۹۶):

۱۹۳۵ پارس به ایران..... Persia / Iran
اثنای جنگ جهانی دوم ابیسییا (حبشه) به ایتیوپیا..... Abyssinia / Ethiopia
۱۹۴۹ ترانس اردن به اردن (سلطنت هاشمی اردن)..... Transjordan/Jordan
۱۹۶۶ باچوانالیند به باتسوانا..... Bechuanaland / Botswana
۱۹۷۵ داهومی به بینین..... Dahomey / Benin
۱۹۷۸ سیلون به جمهوری سوسیالیستی سریلانکا..... Ceylon / Sri Lanka
۱۹۸۴ اپر فولتا به برکینا فاسو..... Upper Volta / Burkina Faso
۱۹۸۹ برما به ماینمار..... Burma / Mynamar
۱۹۹۲ زایر به جمهوری دیموکراتیک کانگو..... Zaire / Democr. Repub. Congo
۱۹۹۳ کمپوچیا بعد از چندین نام به شاهی کمبودیا..... Kampuchea / Cambodia
۲۰۱۰ سرحد شمالغرب (۱۹۷)..... N W Frontier / Khyber Pakhtunkhwa

متأسفانه یک تعداد را عقیده بر این است که چون هتلر خود را آریایی گفته کلمه ای آریایی نباید به کس اطلاق شود. ب فکر من مانند اینست که چون اشرف غنی، احمد زی، است پس هر کس احمد زی است از او دوری باید جست که در حق احمد زی های وطن دوست، با عزت و با وقار شیوه ای است ناجوانمردانه. ازینکه «ایران» در شاهنامه ذکر شده در آنوقت ایران نبود؛ همه از پارس و پارسیان سخن میگفتند و حتی اکنون جماعتی در ایران ظهور نموده که میخواهند نام ایران را به پارس باستان تبدیل نمایند (۱۹۵). فردوسی با آن عمق پردازش که داشت این نکته را بجایش میگسترانید. قرار نظریه ای فریتس ولف

مستشرق و زبان‌شناس آلمانی (۱۹۸۰، ۱۹۹۶) Fritz Wolff (۱۸۸۰ - ۱۹۴۳ م) نویسنده ای «فرهنگ شاهنامه» فردوسی پارس را نیز در سه مورد ثبت کرده است ولی مخالفین این نظریه میگویند مقصد فردوسی از پارس «آستان فارس» بوده است (۲۰۰۲).

خراسان جزء تاریخ ماست اما به باور من دوباره خراسان شده نمیتوانیم زیرا شمال شرق ایران خراسان دارد و مرکزی دارد که مشهد است و هم داعش و داعشیان خراسان میخوانند که به هیچوجه برای ما مساعد نیست؛ این گروه برای تباهی افغانستان و زمینه سازی دزدی ثروت های زیر زمینی ما، از خارج نه بسیار دور تریبه و حمایت میشوند و شده میروند. بروز چهارشنبه ۱۵ عقرب ۱۳۹۸ مطابق ۶ نوامبر ۲۰۱۹م آژانس خبری ایرنا راپور داده است که به اساس مقامات محلی در نشست مطبوعاتی روز یکشنبه (دوشنبه) از حضور ۴۰ خاتنواده ای داعش در ولسوالی «المار» شهر «گرزویان» و کوهستانات فاریاب خبر داد که تحت کنترل طالب میباشد و طالب آنها را در بخش فعالیت های نظامی تریبه میکنند. یعنی طالب و داعش از یک آبخور آب مینوشند و مخالفت ها همه ظاهری بوده برای فریب مردم است که باید همه هوشیار باشید و عاقلانه و مدبرانه قدم بردارید.

طارق بن زیاد (۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴) قوماندان عرب در روز ۲۹ اپریل ۷۱۱م زمانیکه از شمال افریقا بصوب هسپانیه در حوالی محلیکه امروز به نامش مسما گردیده ایستاد بود، «همه کشتی ها را سوختاند تا فکر برگشت نزد عساکرش خطور نکند و برای نجات خود هجوم برند و بجنگند»، به عساکر خود گفت (۲۰۴): «ای رزمندگان من! اگر شما از میدان نبرد گریز اختیار کنید؟ در عقب شما بحر (وکشتی های سوخته) و در پیشروی تان دشمن! برای شما راه نجات همانا شجاعت و مقاومت تان است...» برای افغانستان در عقب تان پاکستان و انگریز ها در پیش روی تان طالب - داعش؛ تصمیم بدست خود شماست که میخواهید شجاعت و مقاومت نشان دهید و فاتح میدان شوید و یا در آتش ستم پاکستان و جواسیس شان شما و فرزندان تان به خاکستر مبدل گردید..... العیاذ بالله!

بروز دوشنبه ۱۳ جنوری ۲۰۲۰م وطندار عزیز انجنیز حمید مراد در صفحه ای فیسبوک به جوانان اطلاع داد «که ISI پاکستان ۸۰۴۵ ID فیسبوک را زیر نامهای پشتون، تاجک، هزاره، و ازبک در صفحات اجتماعی جاه داده موضوعات قومی، نژادی، لسان و سمتی را دامن میزنند و ازین طرق تفرقه و نفاق را در میان اقوام شریف افغانستان ایجاد میکنند....». شما جوانان وطن دوست متوجه باشید که در دام چنین توطئه ها گیر نمانید و به اتحاد و اتفاق همه مردم افغانستان ساعی باشید و مبارزه کنید، مخصوصاً اکنون که قوماندان اعلائی پاکستان به مطبوعات اعلان کرد که طالبان تحت قوماندان ای آنها عملیات دارند و در سابق مجاهدین را فریب داده اند.

این رساله ای کوچک را با چند بیتتی از یک شاعر روشنفکر که «جلوه = غبار» تخلص کرده است و در صفحه ای اخیر جلد اول افغانستان در مسیر تاریخ توسط شاد روان میر غلام محمد غبار درج شده پایان میبخشم:

سعی برهم زدن منشاء بیداد کنید
که ازین ذلت و خواری همه آزاد کنید
نه نشینید ز پا، دم به دم ارشاد کنید

تا کی از جور و ستم، شکوه و فریاد کنید
دست ما دامن تان باد، جوانان غیور
صد هزاران چومنت، آتش بیداد بسوخت

فتنه انگیزته تبعیض نژادی در خلق
چشم امید به تو نسل جوان دوخته ایم
فکر آینده ای ملک خود و اولاد کنید
در خورشان و شرف مملکت آباد کنید
روزی آید که شود خلق بخلق حاکم و ما
رفته باشیم ازین ورطه، ز ما یاد کنید

**خداوند یار و مددگار تان
در آرزوی افغانستان آزاد و سر بلند!
جوانان مستعد و کوشان!
و لیدران صادق و کار کن!
(داکتر غلام محمد دستگیر)**

۱۴ مارچ ۲۰۲۰م مطابق ۲۴ حوت ۱۳۹۸ شمسی و ۱۹ رجب المرجب ۱۴۴۱ قمری

ضمیمه

موافقت نامه برای آوردن صلح در افغانستان

بین امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است.

موافقت نامه ای جامع صلح در چهار جزء تقدیم گردیده است.

۱- میخانیکیت ضمانت ها و طرز العمل، که هرگاه گروهی یا فردی به ضد امنیت اضلاع متحده ای امریکا و متحدینش از خاک افغانستان فعالیت نماید، وقایه به عمل خواهد آمد.

۲- میخانیکیت ضمانت ها و طرز العمل، برای اعلان یک آجندائی که خروج همه قوای خارجی را از افغانستان در بر داشته باشد.

۳- بعد از اعلان ضمانت ها برای خروج مکمل قوای خارجی و آجندای آن در محضر شاهدان بین المللی، تضمین و اعلان در حضور شاهدان بین المللی که: خاک افغان بصد امنیت اضلاع متحده و متحدین او استعمال نخواهد شد، امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، مذاکرات بین الافغانی را با جوانب افغان به ۱۰ مارچ ۲۰۲۰م مطابق ۱۵ رجب ۱۴۴۱ تقویم هجری قمری و ۲۰ حوت ۱۳۹۸ تقویم شمسی هجری شروع خواهند نمود.

۴- آتش بس دایمی و جامع، یک فقره ای در آجندای دیالوگ و مذاکرات بین الافغانی خواهد بود. مضمولین مذاکرات بین الافغانی تاریخ و چگونگی آتش بس جامع و دایمی را بحث خواهند کرد. میخانیکیت های طرز العمل مشترک، نیز شامل بوده که همزمان با موافقت و تکمیل پروگرام های وسیع راجع به آینده ای سیاسی افغانستان، اعلان خواهد شد.

چهار اجزائیکه در بالا ذکر یافت، با یکدیگر ارتباط بین البینی داشته هرکدام به اساس آجندای ترتیب یافته و فقرات توافق یافته اجرا خواهند شد. موافقت در دو جزء اول جهت را بسوی دو اجزای اخیر تعیین خواهد کرد.

ذیلاً متن موافقه برای طرز العمل اجزای اول و دوم است که در بالا بیان شد. هر دو طرف موافقه نموده اند که بین این دو اجزاء ارتباط بین البینی وجود دارد. مسؤولیت امارت اسلامی افغانستان که توسط

اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، درین موافقت نامه به ساحه های تحت کنترول شان تا زمان تشکیل حکومت جدید اسلامی افغان «بعد از موافقه ای رسمی میلان به حل منازعات و یا مناقشات (Post – settlement)» قسمیکه در دیالوگ و مذاکره ای بین الافغانی رای داده شد، تطبیق میگردد.

جزء اول:

اضلاع متحده متعهد است که تمام قوای نظامی اضلاع متحده، متحدینش، شرکای ائتلاف، بشمول تمام پرسونل ملکی غیر دیپلوماتیک، قرار دادی های امنیتی که شخصی اند، ترینرها، مشاورین و پرسونل های خدمات حمایوی را در ظرف ۱۴ ماه بعد از اعلان این موافقت نامه از افغانستان خارج نموده اقدامات ذیل را درین باره اتخاذ میکنند:

الف: (درین قسمت متن انگلیسی بی نظم میشود و II A در جزء اول بدون اینکه توضیح شود ظاهر میگردد. در متن انگلیسی که ۸ صبح نشرکرده این II A حذف شده است) اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف موارد ذیل را در ظرف ۱۳۵ روز در معرض اجرا قرار خواهند داد:

- ۱- تعداد قوای امریکا در افغانستان به هشت هزار و ششصد (۸۶۰۰) نفر تنقیص خواهد یافت. و متناسباً به تعداد قوای متحدین و ائتلاف، نیز کاهش رخ خواهد داد.
- ۲- اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف، تمام قوا های خود را از پنج (۵) پایگاه نظامی خارج خواهند کرد.

ب: با در نظر داشت تعهد و کردار امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، در جزء دوم (پس چرا تحت جزء اول ذکر شد. جزء دوم بیشتر در باره ای تهدید امنیت امریکاست، ممکن هدف جزء دوم مقدمه)، این موافقت نامه اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف مراحل ذیل را در معرض اجرا قرار خواهند داد:

- ۱- اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف تمام قوا های متباقی را از افغانستان در ظرف نهیم (۵، ۹) ماه که باقی مانده کاملاً خارج خواهند ساخت.
- ۲- اضلاع متحده، متحدینش و ائتلاف، تمام قوا های خود را از متباقی پایگاه ها خارج خواهند ساخت.

ج: اضلاع متحده تعهد نموده که: پلان دارد برای رهایی سریع محبوسین سیاسی و جنگی جهت ایجاد فضای اعتماد، با هماهنگی و تائید همه جوانب مربوطه، بکار آغاز نماید.

تا حدود پنج هزار (۵۰۰۰) نفر محبوسین امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است و تا حدود یک هزار (۱۰۰۰) نفر محبوسین طرف دیگر در روز اول مذاکرات بین الافغانی مطابق دهم مارچ ۲۰۲۰م مطابق ۱۵ رجب ۱۴۴۱ تقویم هجری قمری و ۲۰ حوت ۱۳۹۸ تقویم هجری شمسی، از حبس رها خواهند شد.

طرف های مربوطه هدف دارند که تمام متباقی محبوسین را در ظرف سه (۳) ماه آینده از حبس رها کنند. اضلاع متحده به تکمیل این هدف تعهد میکند. امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است و عده میدهد که محبوسین آزاد شده ای شان به مسؤولیت های که درین توافق نامه ذکر شده پابند بوده عامل تهدید به امنیت اضلاع متحده و متحدین آن نخواهند بود.

د: همراه با شروع مذاکرات بین الافغانی، اضلاع متحده از نگاه اداری بر لست محدودیت ها و پاداش کنونی درباره ای اعضای امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، تجدید نظر انداخته، هدف دارد: این محدودیت ها را تا ۲۷ اگست ۲۰۲۰م مطابق ۸ محرم ۱۳۹۹ تقویم هجری قمری مطابق ۶ سنبله ۱۳۹۹ تقویم هجری شمسی، رفع نماید.

ه: با شروع مذاکرات بین الافغانی، اضلاع متحده تشبثات دیپلوماتیک را با دیگر اعضای شورای امنیت ملل متحد و افغانستان آغاز مینماید تا اعضای امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، از لست محدودیت ها خارج شده برای رسیدن به این هدف روز ۲۹ می ۲۰۲۰م مطابق ۶ شوال ۱۴۴۱ تقویم هجری قمری و ۹ جوزای ۱۳۹۹ تقویم هجری شمسی، انتخاب شده است.

و: اضلاع متحده و متحدینش، از تهدیدات و یا استعمال قوا بصد تمامیت ارضی و استقلال سیاسی افغانستان یا مداخله در امور داخلی آن اجتناب خواهند کرد.

جزء دوم:

با عطف توجه با اعلان این توافقنامه، امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، مراحل ذیل را جهت جلوگیری از استفاده ای گروهی و یا فردی بشمول القایده از خاک افغانستان، برای تهدید امنیت اضلاع متحده و متحدینش، مراحل ذیل را مد نظر خواهد گرفت:

۱- امارت اسلامی افغانستان، که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، به هیچ یک از اعضای خودش، دیگر فرد یا گروه ها، بشمول القایده اجازه نخواهند داد که خاک افغانستان را جهت تهدید امنیت اضلاع متحده و متحدینش، مورد استعمال قرار دهند.

۲- امارت اسلامی افغانستان، که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، آنهاییکه به امنیت امریکا و متحدینش تهدید استند پیام واضح خواهد فرستاد که در افغانستان جاه ندارند و به اعضای خود، امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است هدایت خواهد داد تا با آن گروه یا فردیکه امنیت اضلاع متحده و متحدینش را تهدید میکنند، همکاری نه نمایند.

۳- امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، هر گروه یا فردیکه از افغانستان سبب تهدید امنیت اضلاع متحده و متحدینش را فراهم میکند جلوگیری خواهد نمود و هم از تربیه، استخدام سربازان و کمک مالی به ایشان مانع شده از مهمانداری آنها به اساس تعهد به این موافقتنامه ابا خواهند ورزید.

۴- امارت اسلامی افغانستان، که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، تعهد میکند آنهاییکه به افغانستان تقاضای پناهگزینی و سکونت میکنند قرار قانون مهاجرت بین المللی و تعهد به این موافقتنامه رفتار نمایند، تا چنین اشخاص باعث تهدید امنیت اضلاع متحده و متحدینش، نشوند.

۵- امارت اسلامی افغانستان، که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، برای آن عده کسانی که به امنیت اضلاع متحده و متحدینش تهدید پنداشته شوند؛ ویزه، پاسپورت، اجازه ای سفر و دیگر اسناد قانونی، برای دخول آنها در افغانستان تهیه خواهند کرد.

جزء سوم:

۱- اضلاع متحده از شورای امنیت ملل متحد درخواست خواهد کرد تا این موافقتنامه را برسمیت شناخته تصویب نمایند.

۲- اضلاع متحده و امارت اسلامی افغانستان که توسط اضلاع متحده بحیث دولت شناخته نشده و چون طالب معروف است، تمنای روابط مثبت بایکدیگر داشته توقع میرود روابط بین اضلاع متحده و حکومت جدید اسلامی افغان «بعد از موافقه ای رسمی و میلان به حل منازعات و یا مناقشات (Post – settlement)» قسمیکه در دیالوگ و مذاکره ای بین الافغانی رای داده شد، مثبت باشد.

۳- اضلاع متحده جوای همکاری اقتصادی برای بازسازی با حکومت جدید اسلامی قسمیکه در دیالوگ و مذاکرات بین الافغانی رای داده شده، میباید. و به امور داخلی مداخله نخواهد کرد.

جزء چهارم:

شامل توافقات سری است که اجازه ای نشر به آن داده نشده است.

در دوحه قطر بروز ۲۹ قروری ۲۰۲۰م مطابق ۵ رجب تقویم هجری قمری و ۱۰ حوت ۱۳۹۸ تقویم هجری شمسی بز بانهای انگلیسی، دری و پشتو در دو کاپی که هر یک آن مساویانه قابل اعتماد میباید، امضا شد.

امضا کنندگان: زلمی خلیلزاد نماینده ای خاص امریکا
ملا عبدالغنی برادر: نماینده ای ارشد طالب

خوانندگان عزیز و گرانقدر،

در این موافقتنامه اضلاع متحده امریکا از قوم پشتون طرفداری نموده است. یعنی فقط برای امنیت خود و تباهی مردم افغانستان و کومک به دونالد ترمپ که باز برای چهار سال دیگر رئیس جمهور شود، طرح شده نویسنده ای این درامه زلمی خلیلزاد نام دارد. این موافقتنامه و مسؤولین اجرائیوی آن هر کسی که باشد از طرف قانون دانان مردم افغانستان با همکاری دوستان شان که در قوانین امور بین المللی تخصص دارند به محاکمه کشانیده شوند. توجه جدی تانرا به تبصره ای چند در موارد مختلف این موافقتنامه و هم تذکر باید داد که کاپی های موافقتنامه که در رسانه های اجتماعی نشر شده فاقد پرنسپهای اسناد قانونی بوده مخصوصاً اصطلاحات مانند ضمانت، طرز العمل، متحدین، ائتلاف، بین الافغانی، حکومت جدید اسلامی، Post – settlement و امور داخلی تعریف نشده است، محترمانه جلب می نمایم:

۱- از مذاکرات بین الافغانی خبری نیست.

۲- از عدم مداخله ای پاکستان در امور داخلی افغانستان ذکری نیامده چون مذاکره کنندگان اضلاع متحده و پاکستانی بودند نه افغانستانی.

۳- این موافقتنامه نمایانگر مداخله در امور داخلی افغانستان است.

۴- امنیت افغانستان بیش از پیش تهدید شده است. داعش که ممکن شعبه ای از طالب ظالم باشد میگویند به سرباز گیری در کنرها شروع کرده است.

۵- ویژه و پاسپورت به اساس قوانین بین المللی از طرف دولت ها صادر میشود نه تروریست ها. به عبارت دیگر، گرچه بارها درین موافقتنامه آمده که : امارت اسلامی افغانستان بحیث دولت از طرف اضلاع متحده شناخته نشده، با این عمل اول نقض گفتار خود کرده اند و دوم این گروه طالب ظالم را به حیث دولت وانمود ساخته اند که بفر من مثل شناخت است.

- ۶- رهایی ۵۰۰۰ جانی و قاتل بزد امنیت افغانستان است. آقای رحمت الله نبیل در صفحات اجتماعی اسنادی ارائه نموده اند که نشان میدهد در بین این تعداد محبوسین ۲۸۰ نفر کسانی اند که با واسکت انتحاری گرفتار شده بودند.
- ۷- توافق طالب ظالم با اضلاع متحده اینست که از افغانستان به آنها ضرر نرساند. اینکه، در خارج از افغانستان و یا داخل اضلاع متحده توسط خوابیده ها یا sleeper هایشان تهدیدات موجود است تذکری بعمل نیامده است. ولی طالب ظالم از قتل برادران و خواهران مسلمان خود بسراعت اقرار میدارند؛ بحثی است که باید علمای متبحر و دانشمند دینی فتوای مظلوم بودن مردم افغانستان را صادر نمایند.
- ۸- اصلا ما شاهد سالهای متمادی جنگ احزاب مخصوصا جمعیت اسلامی با طالب بودیم. اگر طالب وطندوست و مسلمانان دیندار اند چرا با این گروه از در صلح پیشآمد ندارند؟
- ۹- قرار گفتار جنرال ارشد اردوی پاکستان طالب ها از طرف آنها سوق و اداره میشوند. که مشکل اساسی را به جهان بی پرده بیان نمود. لاکن جهان چشم پوشید و از نوکران پاکستان حمایت کرد و تظلم حکومت های هند و برما را بر مسلمانها فراموش نمود.
- ۱۰- شورای امنیت ملل متحد با شناخت و تصویب این توافقنامه بزد امنیت مردم افغانستان و به حمایت از ظالم و انتحاریون عمل نموده به ضد منشور ملل متحد عمل کرده نوکری خود را به اوامراض اضلاع متحده و لابی های پاکستان ثابت کرده است. قسمیکه افغانستانی ها در لندن در مقابل سفارت امریکا مظاهره کردند بفکر من باید افغانستانی های وطندوست در مقابل تعمیر ملل متحد در نیویارک و در یک زمان مساعد به مظاهره اقدام نمایند.
- ۱۱- اضلاع متحده با مداخله در امور داخلی جمهوریت اسلامی افغانستان، «امارت نام نهاد» را حمایت نموده تشویق کرده است که «حکومت جدید اسلامی» را برگزار سازند. این خلاف روابط بین الدول است. اضلاع متحده در حقیقت افغانستان را در یک پطنوس نقره ای به پاکستان از طریق طالب ظالم اهدا کرده است.
- ۱۲- امضا کنندگان موافقتنامه اشخاصی اند که پشتون بوده پاسپورت های امریکایی دارند و بطرفدای قوم خود مساعی مزید بکومک پاکستان بخرچ داده اند نه برای خیر و امنیت افغانستان.
- ۱۳- دیده میشود که افغانستان به مقاومت مجبور ساخته شده است و مسؤولیت عواقب وخیم ان به دوش اضلاع متحده، پاکستان و طالب ظالم است. امید روزی قانوندانان افغانستان مثلیکه قانوندانان یهود، نازی ها را به پای محاکمه کشانیدند مسؤولین این فاجعه را نیز در هاگ به محاکمه بسپارند زیرا به باور من ملل متحد از دفاع مظلومین عاجز ماند و نوکر قوت های بزرگ شد.
- ۱۴- لازم است تا یک موافقت نامه متمم با در نظر داشت نکات فوق از طرف دفتر داکتر عبدالله رئیس جمهور با رای های بیومتریکی مردم افغانستان، ترتیب و ارائه گردد؛ مسؤولیتی است که باید جدی گرفته شود!
- ۱۵- در جریان این نوشته بودم که با دوست عزیزم پروفیسور حمید هادی به تماس امده درباره افغانستان و امضای «موافقتنامه فریبنده» درد دل داشتیم وهم اجازه داد که گفته های وی را در پایان نوشته ای خود جاه دهم. پروفیسور هادی به من یاد دهانی کرد که: «در نیمه ای دوم قرن ۱۹ سفیر انگریز و روسیه سرحد شمالی ما را به مفاد روسیه با جاهای زیبا و دیدنی آن اعطا کرد و دریای آمو را برای ما سرحد شمالی ساختند ولی امیر عبدالرحمن خموش نشست. با امضای معاهده ای دیورند قسمت های حیاتی سرزمین ما را امیر به هند برطانوی تسلیم کرد. از روسیه دفاع نکرد زیرا در آنجا پناه گزین بود و به انگریزها تسلیم شد چون معاشش را دوجندان ساختند و چند اسلحه برایش وعده دادند». امروز امریکا بکومک چند «زنی» ها خیانت قویتر در حق مردم افغانستان روا داشته است؛ همه ای افغانستان را چون مرحله ای دوم معاهده ای دیورند به پاکستان در جریان تسلیم کردن هستند (مرحله ای سوم رسیدن به

دریای آموست). یعنی این سلسله سلاطین و رئیس جمهورها به تمامیت ارضی اهمیت قایل نشده به مفاد شخصی خود و خوش نگهداشتن بادران خود استفاده های سوء نموده اند و مردم مظلوم افغانستان را به خاک و خون نشانده اند.....ممکن این بار با بیداری مردم، جوانان مبارز و همه شمول قصه طور دیگر باشد. منتظریم که جبهه ای مقاومت تا چه حد با عقل و منطق، درایت و درک خدعه ها، و توطئه های فریبکارانه ای داخل و خارج مرز مقاومت داشته «افغانستان همه» را از چنگ این دزدان و فساد پیشگان نجات داده عدالت و مساوت و امنیت بر قرار میسازند. و من الله التوفیق.

مآخذ

- ۱- پال ای جیگویر Paul E Giguere: A Diplomatic History of Viet Nam 1954
- ۲- نشریه ای NSA / CSS در باره ای مذاکرات پیمان صلح پاریس به انگلیسی
- ۳- جریده امید شماره ۱۰۶۳ قسمت اول
- ۴- همانجا شماره ۱۰۶۴ قسمت دوم
- ۵- همانجا شماره ۱۰۶۵ قسمت سوم
- ۶- همانجا شماره ۱۰۶۶ قسمت چهارم
- ۷- همانجا شماره ۱۰۶۷ قسمت پنجم و اخیر
- ۸- شاهنامه ای فردوسی- جمشید
- ۹- ویت نام Vietnam/ Wikipedia
- ۱۰- ویتکانگ Vietcong / Wikipedia
- ۱۱- کودایست Caodaim / Wikipedia
- ۱۲- دیوبندی Deobandi / Wikipedia
- ۱۳- اوپادیای: تعلیمات مدرسه در هند R. Upadhyay: South Asia Analysis Group
- ۱۴- تاریخچه ای تعلیم و تربیه در هند بزبان انگلیسی Wikipedia
- ۱۵- علیگره مسلم یونیورسیتی Aligarh Muslim University / Wikipedia
- ۱۶- علیگره مسلم یونیورسیتی : A Cradle of Muslim Separatism/Hindu Janajagruti
- ۱۷- حمله ای چین بر ویت نام: پال جیگویر، فصل ۱۱ صفحه ۱۶۴
- ۱۷- الف: جنگ چین و ویت نام Sino – Vietnamese War
- ۱۸- جکی ماسو Jacques Masseu پال جیگویر صفحه ۱۳۷
- ۱۹- رئیس محکمه موریس وایل Maurice Weil پال جیگویر صفحه ۱۴۴
- ۲۰- پیمان فرانسه و جمهوریت دیموکراتیک ویت نام -, The Pentagon Paper, Gravel Ed, Vol I, Ch - Boston 1971
- ۲۱- پیمان فرانکو چین، پال جیگویر ۱۹۶ و ۲۰۸
- ۲۲- گیاپ Võ Nguyên Giáp /Wikipedia
- ۲۳- خطابه ای گیاپ، پال جیگویر صفحه ۲۰۶ – ۲۱۰
- ۲۴- احمد شاه مسعود Ahmad Shah Masood /Wikipedia
- ۲۵- لیندن بس جانسن Lynden B. Johnson / Wikipedia
- ۲۶- ریچارد نکسن Richard Nixon / Wikipedia
- ۲۷- پیمان صلح پاریس Paris Peace Accord / Wikipedia
- ۲۸- محتویات پیمان صلح پاریس (http://) Paris Peace Accord Contents
- ۲۹- هنری کسنجر Henry Kissinger / Wikipedia
- ۳۰- لو دوس تو Lê Đức Thọ / Wikipedia
- ۳۱- حمله ای ترک بر کرد ها در سوریه Mark Landler and Carlotta Gall, New York Times

- ۳۲- مقاله ای افغانستان، واشنگتن پست Washington Post, Craig Whitlock, Afghanistan papers
- ۳۳- کمپ تادیب ویتنام (http://) Re-education camp (Vietnam)
- ۳۴- ششمین کانگرس ملی حزب کمونسیت ویتنام 6th CPV / Wikipedia
- ۳۵- تولیدات مجموعی سالانه Afghanistan GDP Annual Growth Rate / Wikipedia
- ۳۶- جنگ در افغانستان (۲۰۰۱ تا کنون) – ویکی پدیا
- ۳۷- بینظیر بوتو Benazir Bhutto / Wikipedia
- ۳۸- رابرت اوکلی Robert Oakley, Washington Post , died 83 /Wikipedia
- ۳۹- میخائیل گوربچوف Mikhail Gorbachev / Wikipedia
- ۴۰- رونالد ریگن Ronald Reagan / Wikipedia
- ۴۱- پیمان جینوا ۱۹۸۸ Geneva Accord 1988 / Wikipedia
- ۴۲- بوریس یالسن Boris Yeltsin / Wikipedia
- ۴۳- زما پکتیکا، جنگ جلال آباد ، بخش نخست: داکتر نسرین کتونا
- ۴۴- عملیات تصرف جلال آباد 1989 Pakistani Operation Capture Jalalabad
- ۴۵- جنگ نیابتی فراموش شده Afghanistan, the forgotten Proxy War; Janelle Veline, Blobal Research, April 30, 2019
- ۴۶- طالبان پاکستانی کیانند؟ Juliet Perry CNN Who are the Pakistani Taliban?
- ۴۷- تاریخچه ای طالبان History of the Taliban, Thought Co. Pierre Tristam, 2018
- ۴۸- طالبان افغانستان Council on Foreign Relation, The Taliban in Afghanistan
- ۴۹- پیمان ویرسای ۱۷۸۷ Treaty of Versailles (1787)
- ۵۰- میرغلام محمد عبار، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد اول صفحه ۶۷۸ چاپ دوم قم ۱۳۵۹
- ۵۱- کنفرانس جینوا ۱۹۵۴ 1954 Geneva Conference / Wikipedia
- ۵۲- باو دای Bảo Đại / Wikipedia
- ۵۳- محمد ظاهر شاه Mohammed Zaher Shah / Wikipedia
- ۵۴- محمد ظاهر شاه ، دانشنامه آزاد – ویکی پدیا
- ۵۵- هجوم جاپان بر هندوچین Japanese invasion of French Indochina / Wikipedia
- ۵۶- نگو دینه دینم Ngô Đình Diệm / Wikipedia
- ۵۷- ریفندم ۱۹۵۵ 1955 State of Vietnam Referendum / Wikipedia
- ۵۸- جنگ افغانستان با روسیه Soviet – Afghan War / Wikipedia
- ۵۹- شرکت شرق الهند East India Company
- ۶۰- غبار رساله ای احمد شاه بابا صفحه ۱۹۰
- ۶۱- زلمی خلیلزاد Zalmay Khalilzad / Wikipedia
- ۶۲- ترمپ مذاکره صلح با طالبان را رد کرد Tramp Says Peace Talk With Talban are Dead
- ۶۳- پمپیو: ملاقات سری با طالبان توقف یافت: Peace talk with Taliban Called off...
- ۶۴- اشرف غنی برنده اعلان شد Danielle Haynes UPI
- ۶۵- غنی برنده ای انتخابات اعلان شد و طرف مقابل هم اعلان کامیابی دارد New York Times : Mujib Mashall, Najim Rahim and Fatema Faizi
- ۶۶- عبدالله ادعای برنده ای انتخابات ریاست جمهوری دارد Kabul- At News Report
- ۶۷- ترمپ معامله ای مشروط با طالبان را اجازه داد NY Times/ Mulib Mashal and Lara Jakes
- ۶۸- محمد داوود خان Mohammad Daoud Khan / Wikipedia
- ۶۹- محمد عمر Mohammed Omar / Wikipedia
- ۷۰- سلسله ای لی Lê Dynasty / Wikipedia
- ۷۱- سلسله ای تی سن Tây Sơn Dynasty / Wikipedia
- ۷۲- سردار محمد یحیا خان ویکیپدیا
- ۷۳- محمد نادر شاه Mohammad Nadir Shah / Wikipedia
- ۷۴- امپراطور نگوین هو Nguyễn Huệ

- ۷۵- پيشاپ پير پيگنو Pierre Pigneau de Behaine / Wikipedia
- ۷۶- پال جيگويير صفحه ۹
- ۷۷- گيا لانگ Gia Long / Wikipedia
- ۷۸- موافقت نامه ای «بن» Bonn Agreement (Afghanistan) / Wikipedia
- ۷۹- حامد کرزی Hamid Karzai / Wikipedia
- ۸۰- ليونارد شارني Léonard Charner / Wikipedia
- ۸۱- لویی ادولف بونارد Louis Adolphe Bonard / Wikipedia
- ۸۲- لویی- ادولف بونارد Louis – Adolphe Bonard / Wikipedia
- ۸۳- محبس چای هوا Chí Hòa Prison / Wikipedia
- ۸۴- امپراطور هايپ هوا Hiệp Hòa / Wikipedia
- ۸۵- عيد الرحمان خان Abdur Rahman Khan / Wikipedia
- ۸۶- خط ديورند Durand line / Wikipedia
- ۸۷- نگوين تاي هوت Nguyễn Thái Học / Wikipedia
- ۸۸- سن يات – سن Sun Yat – Sen / Wikipedia
- ۸۹- كومنتانگ Kuomintang (KMT) / Wikipedia
- ۹۰- نگو فان شيو Ngô Văn Chiêu / Wikipedia
- ۹۱- له فان ترونك Lê Văn Trung / Wikipedia
- ۹۲- سوره نمبر ۹۶ المايده آيت ۳۲ جزء ۶ – پيام نور
- ۹۳- سيد احمد خان Syed Ahmed Khan / Wikipedia
- ۹۴- سر سيد احمد خان Sir Sayyid Ahmad Khan by SM Ikram / Wikipedia
- ۹۵- آقا خان سوم Aga Khan III / Wikipedia
- ۹۶- سوره نمبر ۹۶ العلق آيت ۵ جزء ۳۰ – پيام نور
- ۹۷- حرب ملی ويت نام Việt Nam Quốc Dân Đảng (VNQDD) / Wikipedia
- ۹۸- امان الله خان Amanullah Khan / Wikipedia
- ۹۹- اعحضرت شاه امان الله غازی، دانش نامه ای آريانا
- ۱۰۰- محمد هاشم خان Mohammad Hashim Khan / Wikipedia
- ۱۰۱- محمد هاشم خان ويکيپيڊيا – دانشنامه ای آزاد
- ۱۰۲- فام کويينا Phạm Quỳnh / Wikipedia
- ۱۰۳- فام کويينا طرفدار شاهي مطلقه Phạm Quỳnh / Wikipedia
- ۱۰۴- ليون تروتسکی Leon Trotsky / Wikipedia
- ۱۰۵- تا توتاو Tạ Thu Thâu / Wikipedia
- ۱۰۶- جريده ای مبارز La Lutte / Wikipedia
- ۱۰۷- داکتر عبدالرحمن محمودی – دانشنامه ای آزاد / ويکی پيڊيا
- ۱۰۸- ندای خلق – جاودان – انترنت
- ۱۰۹- هوچی من Ho Chi Minh / Wikipedia
- ۱۱۰- ويت من Việt Minh / Wikipedia
- ۱۱۱- جنگ اول هندوچين First Indochina War / Wikipedia
- ۱۱۲- دانشگاه طب فام دگوت تخ (تش) Pham Ngoc Thach Univ of Med / Wikipedia
- ۱۱۳- حزب ديموکراتيک خلق افغانستان، ويکی پيڊيا دانشنامه ای آزاد
- ۱۱۴- داکتر نجيب الله Mohammad Najibullah / Wikipedia
- ۱۱۵- سيد محوم رهين Sayed Makhdoom Raheen / Wikipedia
- ۱۱۶- استخبارات جاپان Kenpeitai / Wikipedia
- ۱۱۷- پال جيگويير صفحه ۱۶۵
- ۱۱۸- اشرف غنی Ashraf Ghani / Wikipedia
- ۱۱۹- لوکلير Philippe Leclerc de Hautecloeqe / Wikipedia

- ۱۲۰- جنگ بان مه تو Battle of Ban Me Thuot / Wikipedia
- ۱۲۱- القايدہ Al- Qaeda / Wikipedia
- ۱۲۲- موافقه نامه ای هوچی من و سنتینی (فرانسوی) Accords Ho – Sainteny / Wikipedia
- ۱۲۳- موافقه نامه ای هو چی من و سنتینی Ho – Saintent agreement / Wikipedia
- ۱۲۴- پال جیگوپیر، صفحه ۱۹۴ Union Government of Resistance
- ۱۲۵- جین سنتینی Jean Sainteny / Wikipedia / Wikipedia
- ۱۲۶- ارجینلو Georges Thierry d'Argenlieu / Wikipedia
- ۱۲۷- فو هانگ خانا Vũ Hồng Khanh / Wikipedia
- ۱۲۸- انتخابات ۱۳۹۸ش ریاست جمهوری افغانستان – ویکی پدیا دانشنامه ای آزاد
- ۱۲۹- مذاکرات طالب و امریکا از آغاز تاکنون – بی بی سی
- ۱۳۰- مذاکرات صلح و تلاش طالبان برای سیطره ای کابل در افغانستان – آریانا نیوز ۷ جولای ۲۰۱۹
- ۱۳۱- پال جیگوپیر صفحه ۲۲۲
- ۱۳۲- همانجا صفحه ۲۲۳
- ۱۳۳- ماریوس موتیت Mariaus Moutet / Wikipedia
- ۱۳۴- پال جیگوپیر صفحه ۲۲۵
- ۱۳۵- ها لانگ بی Hà Long Bay / Wikipedia
- ۱۳۶- پال جیگوپیر صفحه ۱۶۳
- ۱۳۷- میر غلام محمد غبار افغانستان در مسیر تاریخ حلد اول صفحه ۶۵۵
- ۱۳۸- پال جیگوپیر صفحه ۱۴۹
- ۱۳۹- همانجا صفحه ۱۵۰
- ۱۴۰- پیمان پشاور Peshawar Accord / Wikipedia
- ۱۴۱- ممالک خارجی که در افغانستان عسکر دارد Which Countries Have Troops in Afghanistan ? Wikipedia
- ۱۴۲- شهادت مسعود Afghanpaper.com
- ۱۴۳- جنگ ویتنام Vietnam War / Wikipedia
- ۱۴۴- عملیات غرش رعد Operation Rolling Thunder / Wikipedia
- ۱۴۵- شوان تووی Xuân Thủy / Wikipedia
- ۱۴۶- دبلیو افریل هریمن William Averell Harriman / Wikipedia
- ۱۴۷- اننا شینولت Anna Chennault / Wikipedia
- ۱۴۸- هنری کبوت لادج Henry Cabot Lodge Jr. / Wikipedia
- ۱۴۹- دیفید کی ای بروس David K. E. Bruce / Wikipedia
- ۱۵۰- حکومت انقلابی سر پرست جمهورییت ویت نام جنوب PRG / Wikipedia
- ۱۵۱- طالبان 8 & 4 Ahmad Rashid Chap. Taliban by
- ۱۵۲- همانجا فصل ۵
- ۱۵۳- سر منشی ناتو Secretary General of NATO/ Wikipedia
- ۱۵۴- نگوین فان تیو Nguyễn Văn Thiệu / Wikipedia
- ۱۵۵- مارلین بی ینگ Marilyn B. Young / Wikipedia
- ۱۵۶- قتل قاسم سلیمان BBC News
- ۱۵۷- تهاجم ایستر Easter Offensive / Wikipedia
- ۱۵۸- ویتنامی ساختن Vietnamization / Wikipedia
- ۱۵۹- دفاع Linebacker / Wikipedia
- ۱۶۰- عملیات دفاعی Operation Linebacker / Wikipedia
- ۱۶۱- عملیات دفاعی دوهم Operation Linebacker II / Wikipedia
- ۱۶۲- عمیات زیاد تر و حتی بیشتر Operations Enhance and Enhance Plus / Wikipedia

- ۱۶۳- موازات ۲۰ / Wikipedia 20th Parallel
- ۱۶۴- ویلیام پی راجرز / Wikipedia Willian P. Rogers
- ۱۶۵- تران فان لم / Wikipedia Trần Văn Lâm
- ۱۶۶- نگوین تایی بینه / Wikipedia Nguyễn Thi Binh
- ۱۶۶- الف: کمیسیون بین المللی / Wikipedia ICC and ICCS
- ۱۶۷- ترمپ از ترک دفاع کرد: / Wikipedia Natasha Turak: Rump defends allowing Turkish Offensive against Kurds: They didn't help us in second world war.
- ۱۶۸- ترکیه برای مکث عملیات موافقت کرد / Wikipedia Tucker Higgins: Turkey agreed to pause Afghan Civil War (1989 – 1992) / Wikipedia
- ۱۶۹- جنگ داخلی افغانستان
- ۱۷۰- پرویز مشرف محکوم به مرگ شد / Wikipedia The New York Times , Salman Masood: Pervez Musharraf, former Pakistani Leader, Sentenced to Death.
- ۱۷۱- ماندگار: پرویز مشرف محکوم به اعدام شد.
- ۱۷۲- عالم خوگیانی، محکمه: که مشرف له اعدام و راندی مری، جسد پی ۳ ورخی را وخرول شی.
- ۱۷۳- استقبال احزاب اپوزیسیون پاکستان از اعدام مشرف: خبر گزارى افق.
- ۱۷۴- ارتش پاکستان حکم اعدام جنرال پرویز مشرف را برسمیت نمی‌شناسد و آنرا غرقانونی میدانند: جهان
- ۱۷۵- قصاب کابل راکتیار / Wikipedia The Butcher of Kabul: Life in Times of Gulbuddin "Rocketyar". Golcal Village Space by M.K. Bhadrakumar.
- ۱۷۶- برهان ادین ربانی / Wikipedia Burhanuddin Rabbani
- ۱۷۷- امارات اسلامی افغانستان / Wikipedia Islamic Emirate of Afghanistan
- ۱۷۸- جمهوریت مردم کمپوچی / Wikipedia People's Republic of Kampuchea
- ۱۷۹- نگوین فان لین / Wikipedia Nguyễn Văn Linh
- ۱۸۰- مؤسسات غیر دولتی / Wikipedia Non- governmental Organization (NGO)
- ۱۸۱- مؤسسات فعالین حقوق حیوانات / Wikipedia Animal Rights Activists and Organizaions
- ۱۸۲- فساد در افغانستان / Wikipedia Corruption in Afghanistan
- ۱۸۳- رتبه ای افغانستان در فساد / Wikipedia Afghanistan Corruption Rank by Trading Economics
- ۱۸۴- مجاهدین افغانستان – ویکیپدیا دانشنامه آزاد
- ۱۸۵- پیمان جینیوا ۱۹۸۸ / Wikipedia Geneva Accord (1988): Military
- ۱۸۶- پیمان جینیوا / Wikipedia Geneva Accord :HistoryPak.com
- ۱۸۷- داکتر فاروق اعظم: پیمان جینیوا بر افغانستان / Wikipedia The Geneva Accord on Afghasnitan
- ۱۸۸- آصف معروف بی بی سی: موافقتنامه خروج شوروی چگ. نه امضا شد.
- ۱۸۹- برآمدن شوروی از افغانستان / Wikipedia Soviet withdrawal from Afghanistan
- ۱۹۰- مونوگراف درباره‌ی خروج روسها (برای استفاده ای عمومی مجازه داده شده است: / Wikipedia The Soviet Withdrawal from Afghanistan Three Key Decisions that shaped the 40th Army's Operational Withdrawal plan" MAJ Edward L. Arnston III, United State Army
- ۱۹۱- فیدیراسیون روسیه / Wikipedia Russia Federation/ New World Encyclopedia
- ۱۹۲- جنگ جلال آباد / Wikipedia Battle of Jalalaabad: wiki
- ۱۹۳- حامد علمی؛ جنگ جلال آباد – قسمت اول
- ۱۹۴- حامد علمی؛ جنگ جلال آباد- قسمت دوم
- ۱۹۵- ادب المفرد حدیث ۴۳۳ صفحه ۲۹۹ مترجم الحاج عبد العلی نور احراری
- ۱۹۶- ده ممالکی که اسم خود را تغییر دادند: / Wikipedia 10 countries who have changed their names / Wikipedia.
- ۱۹۷- دوباره نامگذاری جغرافیایی / Wikipedia Geographical renaming
- ۱۹۸- فریتز ولف: شرق شناس آلمان نویسنده ای «فرهنگ شاهنامه».
- ۱۹۹- دایرة المعارف ایرانیکا / Wikipedia Wolff Fritz; Encyclopedia Iranica
- ۲۰۰- دانشنامه ای آریانا: ایران با پارس؟

Iran and Persia, Are they the same ? Zoroastarian Heritage: ایران و پارس، آیا عین چیر اند ۲۰۱-
by K.E. Eduljee
Tariq ibn Ziyad / Wikipedia طارق بن زیاد ۲۰۲-
۲۰۳- طارق بن زیاد از ویکی پیدیا دانشنامه ای آرتد
The Great Speech of Tariqe bin Zitad ? Muslims in the خطابه ای شهیر طارق بن زیاد ۲۰۴-
Philippines

SMILARITY OF 19th and 20th CENTURY POLITICAL SITUATION OF

VIET NAM WITH TODAY AFGHANISTAN

**Ghulam Mohammad Dastgeer
MD, FRCS (Edin)
(Retired)**

MARCH 2020